جغرافیا در ایران باستان

تالیف: دکتر غلامرضا مقامی مقیم

(استاد یار دانشگاه دامغان)

تبرستان
www.tabarestan.info



جغرافیا در ایران باستان

تبرستان
www.tabarestan.info

دکتر غلامرضا مقامی مقیم
استادیار دانشگاه دامغان

سرشناسه: مقامی مقیم،غلامرضا،۱۳۴۸-
عنوان و نام پدیدار: جغرافیا در ایران باستان/غلامرضامقامی مقیم.
مشخصات نشر: مشهد، سخن‌گستر، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۱۳۸ص.:مصور(رنگی).
شابک: ۷-۵۴۹-۲۴۷-۶۰۰-۹۷۸
یادداشت: کتابنامه: ص. [۱۳۵]-۱۳۸: همچنین به صورت زیرنویس.
یادداشت: نمایه.
موضوع: جغرافیا - - تاریخ
موضوع: جغرافیدانان - - ایران
موضوع: جغرافیا - - ایران
موضوع: ایران - - جغرافیا - - ماخذ
موضوع: ایران - - تاریخ - - پیش از اسلام
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۷ج۶۵م/DSR۲۳
رده‌بندی دیویی: ۹۱۵/۵
شماره کتابخانه ملی: ۳۹۸۸۷۱۸

تبرستان
www.tabarestan.info

دانشگاه دامغان

انتشارات سخن‌گستر

نام کتاب: جغرافیا درایران باستان
مولف: غلامرضا مقامی مقیم

نوبت چاپ: اول
سال چاپ: ۱۳۹۴
شمارگان: ۱۰۰۰ جلد
قیمت: ۹۰۰۰ تومان
چاپخانه: میثاق
شابک: ۷-۵۴۹-۲۴۷-۶۰۰-۹۷۸

نشانی: مشهد – خیابان ابن سینا - شماره ۱۹۱
تلفن: ۳۸۴۳۹۹۵۵

فهرست مطالب

ردیف	عنوان	صفحه
۱	مقدمه	٦
فصل اول	**منابع جغرافیای ایران قبل از اسلام**	**۹**
۱	بررسی اجمالی منابع جغرافیایی قبل از اسلام در ایران باستان	۱۰
۲	منابع جغرافیای ایرانی مربوط به جغرافیای ایران قبل از اسلام	۱۱
۳	نظریه انتقال کتاب‌های ایرانی به اسکندریه	۱۳
٤	مخالفان نظریه انتقال کتاب های ایرانی به اسکندریه	۱۷
٥	نظریه عدم وجود کتاب و منابع معتبر علمی در ایران قبل از اسلام	۱۸
٦	نظریه نابودی کتابهای ایران قبل از اسلام، به‌دست اعراب	۱۹
۷	نظر نویسنده در مورد آتش‌سوزی کتابخانه اسکندریه و ایران توسط اعراب	۲۰
۸	آثار جغرافیایی بازمانده از جغرافیدانان ایران قبل از اسلام	۲۳
۹	کتاب‌ها	۲٤
۱۰	کتاب‌های دینی و مذهبی	۲٤
	اوستا	۲٤
	یسناها	۲٦
	وندیداد	۲۷
	یشت‌ها	۳۰
	بندهشن	۳۲
	دینکرد	٤۰
	مینوی خرد	٤۱
۱۱	کتاب‌های غیر دینی	٤٤
	کارنامه اردشیر بابکان	٤٤
	نامه تنسر	٤۷
	نامه اردوان سوم به اهالی شوش	٤۹
	شهرستان‌های ایران	٥۰
	شگفتی‌ها و برجستگی‌های سیستان	٥۷
	تاریخچه کرخ بیت سلوق(سلوک)	٦۰

www.tabarestan.info تبرستان

	رویدادنامه ادیابنه	٦٣
	فرهنگ پهلویک	٦٤
١٢	مدارک و اسناد جغرافیایی	٦٥
	نقشه های جغرافیایی	٦٥
	اسناد بدست آمده از منطقه اورامان در کردستان	٦٦
	منشور کوروش	٦٨
١٣	کتیبه‌ها	٦٨
	کتیبه‌های داریوش	٧٠
	کتیبه‌های تخت جمشید	٧٠
	کتیبه‌های نقش رستم	٧١
	کتیبه های بیستون	٧٤
	کتیبه‌های شوش	٧٦
	کتیبه‌های سوئز	٨٠
	کتیبه‌های خشایار شاه	٨١
	کتیبه شاپور یکم	٨٢
	کتیبه پیوتین گرایا	٨٢
فصل دوم	**نقش جغرافیدانان غیر ایرانی در جغرافیای ایران قبل از اسلام**	٨٤
١	نقش جغرافیدانان یونانی در جغرافیای ایران قبل از اسلام	٨٥
	تالس	٨٧
	آناکسی ماندر	٨٩
	اریستاکر	٩١
	هکاتائوس	٩٢
	بطلمیوس	٩٢
	استرابون	٩٩
	اراتوستن	١٠٠
	هیپارک	١٠٢
	هرودوت	١٠٣
	کتزیاس	١٠٣
٢	نقش جغرافیدانان رومی در جغرافیای ایران قبل از اسلام	١٠٤
	بولی نیوس	١٠٥
	کویین توس کورتیوس	١٠٥

تبرستان www.tabarestan.info

	مارینوس	**۱۰۶**
فصل سوم	**جغرافیدانان ایران باستان**	**۱۰۷**
	جغرافیدانان ایران در عهد باستان	۱۰۸
	اردشیر بابکان	۱۰۸
	انوشیروان	۱۱۰
	ایزیدور خاراکسی	۱۱۱
	موسی خورنی	۱۱۳
	فهرست مکان ها	**۱۱۵**
	فهرست اشخاص	**۱۲۹**
	منابع و ماخذ	**۱۳۵**

تبرستان
www.tabarestan.info

مقدمه

کلمه ی جغرافیا یک کلمه ی یونانی است، کـه از زبـان عربـی وارد ادبیـات فارسـی شـده ومعنای لغوی آن توصیف زمین می‌باشد. در گذشته مهمترین تعریف ارائه شده برای ایـن علـم همان معنای لغوی آن یعنی علم توصیف زمین بوده است . امّا با ورود به دنیـای جدیـد بـرای این علم تعاریف جدید و متنوعی ارائه شده، امّا تعریفی که اکثر جغرافیدانان در خصـوص آن اتّفاق نظر دارند، همان تعریفی است که از سوی انجمن سلطنتی جغرافیدانان انگلیس ارائه شده است، یعنی «علم مطالعه روابط متقابل انسان و محیط».

www.tabarestan.info تبرستان

یونانیان نخستین مردمانی بودند که کلمـه ی جغرافیـا را بکـار بـرده انـد و در ایـن زمینـه دانشمندانی سرشناس و آثار گرانبهایی به بشریت تقدیم نمودنـد . بـا جـرأت مـی تـوان گفـت شالوده اصلی علم جغرافیا مربوط به کشور یونان و جغرافیدانان این کشور می باشد.

هر چند سابقه ی این علم به یونان باستان برمی گردد و در اکثر منابع یونانیان را بنیانگـذار این علم به حساب می آورند امّا ایـن علـم سـابقه‌ای طـولانی در بـین ملـل مختلـف داشـته و خدمات گسترده‌ای به بشرّیت نموده است. در حقیقت می‌تـوان گفـت بـا خلقـت انسـان علـم جغرافیا نیز شکل گرفته است. به همین دلیل بیشتر جغرافیدانان معتقدند که علم جغرافیا با عمر انسان برابری می‌کند به‌عنوان مثال جورج کـیش اسـتاد جغرافیـا در دانشـگاه میشـیگان آمریکـا درباره مفهوم جغرافیا چنین اظهار نظر می‌کند، «عمر جغرافیا با عمر انسان در سیاره زمین برابـر است، وقتی که انسان در زمین ظاهر شد و برای راه‌یابی به بخشهای مجاور از رودخانه‌ها عبـور نمود یا قطعه زمینی را برای زیست و بهره‌برداری از گیاهان طبیعی انتخـاب نمـود و بخشـی را جهت زندگی از بخشهای دیگر مجزا ساخت، علم جغرافیا نیز موجودیت یافت»[1].

با ظهور اسلام و تأکید این دین به فراگیری علوم، علـم جغرافیـا ماننـد سـایر علـوم مـورد توّجه مسلمانان قرار گرفت و در سراسر این امپراتوری گسترش یافت. آنگونه که دکتـر ذبـیح ا لله صفا استاد بنام تاریخ ادبیات ایران در جلد اول کتاب تاریخ ادبّیات ایران، بیان می‌کنـد علـم جغرافیا در میان مسلمانان با ترجمه کتاب جغرافیای بطلمیوس و آشنایی بـا اصـول آن معمـول

---

۱ -شکوئی ،حسین، فلسفه جغرافیا ، ص۲ .

شد و مسلمانان با استفاده از اطلاعاتی که از آن کسب نمودند کتاب « مسالک و ممالک» را برای مقاصد جنگی، اداری، حمل و نقل،کشوری ودیوانی و نظایر این امور تألیف نموده، در سراسر ممالک اسلامی گسترش داده و راه تکامل آن را فراهم نمودند .[۱]

مردم مسلمان ایران نیز جغرافیا را از طریق اعراب آموختند و به مرور آن را وارد ادبیات علمی خود نمودند. متأسفانه از علم جغرافیا در ایران قبل از اسلام آثار درخشانی باقی نمانده و نمی توان در مورد جغرافیا در ایران باستان اظهار نظر کامل و به دور از خطا نمود چرا که تا به حال آثار قابل توجهی در این زمینه ارائه نشده است . و در کتاب های تاریخی و فلسفی جغرافیای جهان اسمی از جغرافیا و جغرافیدانان ایرانی وآثار علمی آنها به چشم نمی خورد. بنابراین نمی توانیم در این زمینه اظهار نظر کاملی داشته باشیم. با مطالعه آثار علمی باقیمانده از ایران باستان می توان چنین فرض نمود که جغرافیا در ایران باستان به مانند امپراتوری های یونان و روم باستان به صورت مستقل وجود نداشته بلکه به عنوان علمی مکمل در بین رشته های دیگر مّد نظر بوده است. با توّجه به سابقه طولانی سکونت در ایران، علاقه ی مردم ایران به فراگیری علوم مختلف و دولت‌های وسیع و مقتدر در ایران قبل از اسلام می‌توان گفت به احتمال زیاد آثار جغرافیایی بسیار گرانبهایی در ایران باستان وجود داشته که در بحران‌ها و جنگ‌های مختلفی که این سرزمین با آن روبرو بوده از بین رفته و یا به سرزمین های دیگر منتقل شده و از آنجایی که در گذشته امکانات چاپ کتاب وجود نداشته و کتاب‌ها به تعداد کمی نوشته می‌شده ، از بین رفته و نسخه ای از آن باقی نمانده است. شاید امپراتوری ایران قبل از اسلام تنها امپراتوری باشد که از آثار علمی آن مخصوصاً در زمینه جغرافیا اطلاعاتی در دست نیست و در فلسفه جهانی این علم جای فلسفه جغرافیای ایرانی خالی احساس می شود.

بنده با مطالعاتی که در این زمینه داشتم جای خالی چنین اثری را در بین آثارجغرافیایی کشور احساس نمودم ، به همین منظور با مرحوم دکتر محمد حسن گنجی(پدر علم جغرافیای ایران)و جناب آقای مهندس سعید بختیاری مدیریت محترم مؤسسه گیتاشناسی در این زمینه مشورت نمودم که هردو بزرگوار از این موضوع استقبال نمودند و و جود چنین اثر علمی را

---

۱ -ذبیح الله صفا،تاریخ ادبیات ایران، تهران جلد۱ ص۳۴۹.

www.tabarestan.info تبرستان

برای جغرافیای کشور ضروری دانستند . بنابراین از بهمن ماه ۱۳۸۵ شروع به جمع آوری مطلب در این زمینه نموده و پس از پنج سال مطالعه و فیش برداری از ۶۰۰ منبع و سند جغرافیایی در مرداد ماه ۱۳۹۱ کار تألیف کتابی با عنوان مشاهیر جغرافیای ایران از هزاره اول قبل از میلاد تا سال ۱۳۹۰ به اتمام رساندم. متن اولیه را به خدمت مرحوم دکتر محمد حسن گنجی ارسال نمودم ایشان با علاقه خاصی این کتاب را مطالعه نمودند و نظر ایشان این بود که این اثر می تواند مقدّمه ای برای دایرة المعارف جغرافیایی ایران باشد قرار شد این کتاب هرچه زودتر چاپ شود تا بعد از چاپ این کتاب ایشان نقدی بر آن بنویسند که متأسفانه چند هفته ای از چاپ کتاب نگذشته بود که ایشان به رحمت الهی رفتند.

www.tabarestan.info تبرستان

مرحوم گنجی اثری ارزشمند با عنوان((تاریخ علم جغرافیا از دارالفنون تا انقلاب اسلامی)) تألیف نموده اند که این کتاب و کتاب مشاهیر جغرافیای ایران تألیف اینجانب می تواند تا حدودی تاریخ علم جغرافیای در ایران را به علاقه مندان معرفی نماید . امّا جهت تکمیل مطالعات تاریخ علم جغرافیا در ایران لازم است تا مطالعات تکمیلی در این زمینه انجام شود بنابراین جای خالی مطالعات جغرافیایی در دوره ی ایران باستان و دوره ی اسلامی در ادبیات جغرافیایی ایران احساس می شد بنابراین کتاب در حال تألیف به همراه کتاب مشاهیر جغرافیای ایران و کتاب جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی می تواند مطالعات جغرافیایی را در ادبیات علمی ایران تکمیل نماید .

کتاب حاضر که با روش مطالعات کتابخانه ای تألیف شده است در سه فصل تقدیم علاقه مندان خواهد شد. در فصل اوّل منابع جغرافیایی ایران باستان، در فصل دوّم جغرافیای ایران باستان از دیدگاه جغرافیدانان سایر کشورها و در فصل سوّم جغرافیدانان ایران در دوره باستان یعنی از ابتدا ی شکل گیری این سرزمین تا حمله ی اعراب با استفاده از منابع مکتوب، کتیبه ها، دست نوشته های حکومتی و سفرنامه ها مورد بررسی قرار می گیرد تا جای خالی مکتب جغرافیای ایرانی در مکاتب جغرافیایی جهان مشخص گردد.

دکتر غلامرضا مقامی مقیم، تیر ماه ۱۳۹۴

فصل اول

تبرستان
www.tabarestan.info

منابع جغرافیای ایران باستان

۱-۱. بررسی اجمالی منابع جغرافیایی قبل از اسلام در ایران باستان

همانطور که اطلاع داریم و در کتاب ها و منابع اسلامی خوانده‌ایم، ایرانیان از جمله مردمانی می‌باشند که در راه کسب علم و دانش از هیچ کوششی دریغ نمی‌کنند. پیامبر اسلام معمار بزرگ تمّدن اسلام، در احادیث مختلف به خصلت علمدوستی ایرانیان اشاره نمودهو آن را مورد تقدیر قرار داده اند. از آن جمله حدیث معروف آن حضرت که فرموده اند. ((کان العلم منوطا بالثریا لتناولته رجال من فارس. قرب الاسناد)). این حدیث را عبدالله ابن جعفر حمیری در کتاب قرب الاسناد، از پیامبر عظیم الشأن اسلام(ص) نقل نموده که آن حضرت فرمود: «اگر علم در ثریا باشد مردانی از سرزمین فارس به آن دست خواهند یافت»[۱]

www.tabarestan.info تبرستان

علاوه بر این، کشور ایران از جمله کشورهایی می‌باشد که تمدن چندهزار ساله داشته و در هر دوره ی تاریخی با حوادث گسترده ای روبرو می شده که گذر از این حوادث جز با مشارکت عالمان و دانشمندان این کشور ممکن نبوده است. بنابراین می‌توان انتظار داشت این قوم کهن مانند سایر رشته‌های علمی در زمینه جغرافیا نیز آثار و منابع علمی فراوانی از خود به جای گذاشته باشند.

آشنایی با تاریخ هر رشته علمی در هر دورهی زمانی از دو طریق ممکن است یکی آشنایی با منابع و مآخذ آن رشته و دیگری آشنایی با علما و دانشمندان آن بنابراین مطالب این کتاب بیشتر حول و حوش منابع و ماخذ و جغرافیدانان ایران در دوره باستان خواهد بود.

بررسی آثار جغرافیدانان قبل از اسلام حکایت از این دارد که جغرافیادر ایران باستان مانند سایر رشته های علمی از سوی دو دسته از عالمان مورد توجه بوده بنابراین می توان منابع جغرافیایی ایران قبل از اسلام را به دو دسته تقسیم نمود. یک دسته از منابع، منابعی است که توسط جغرافیدانان غیر ایرانی قبل از اسلام در مورد جغرافیای ایران نوشته شده است. که تعداد این منابع قابل توجه بوده و اکثراً به زبان‌های یونانی، رومی، هندی ومصری نوشته شده و عمدتاً شامل کتاب، سفرنامه و اسناد تاریخی می‌باشند. از بین منابع خارجی جغرافیای ایران در دوره باستان منابع مصری ، هندی و عربی قابل توجه نبوده و میتوان آنها را نادیده گرفت.

۱ـحمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، ص۵۳.

بنابراین منابع خارجی جغرافیای ایران قبل از اسلام عمدتاً در دو گروه منابع یونانی و رومی قابل بررسی می باشند. هر چند نسبت به منابع چینی و هندی این منابع قابل توجه می باشند امّا با توجه به اینکه هدف این کتاب بررسی منابع و نقش جغرافیدانان ایرانی می باشد. توّجه بیش از حد به این منابع تا حدودی سبب دوری از اهداف اصلی این کتاب می شود و از سویی در بسیاری از کتاب های جغرافیایی اشارات گسترده ای به آنها شده و توضیح آنها تا حدودی سبب تکرار مکرّرات خواهد شد ولی یادآوری و بیان مختصری از آثار علمی این جغرافیدانان خالی از لطف نخواهد بود.

تبرستان www.tabarestan.info

بنابراین این آثار همراه نویسندگان آنها در فصلی جداگانه تحت عنوان نقش جغرافیدانان خارجی در جغرافیای ایران باستان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

۲-۱. منابع جغرافیای ایرانی مربوط به جغرافیای ایران قبل از اسلام

در مقایسه با آثار جغرافیایی بازمانده از یونان و روم باستان در مورد جغرافیای ایران منابع ایرانی باز مانده از جغرافیدانان ایرانی قابل توّجه نیست. مطالعه تمامی آثار مکتوب به یادگار مانده از ایران قبل از اسلام، نشان می‌دهد که مطالب مکتوب در این زمینه از تعداد انگشتان دست افزون‌تر نیست. همان طور که قبلاً مطرح شد این کمبود منابع تنها مربوط به متون جغرافیایی نیست، بلکه در سایر منابع نیز مشهود می‌باشد. این آثار هرچند کم و انگشت شمار ند. اما از نظر اینکه زاییده افکار ایرانیان می‌باشند، حائز اهمّیت هستند این آثار ارزشمند علمی به شیوه های مختلفی مدون و برای ما به یادگار مانده که مهمترین آنها عبارتند از:

۱- کتاب‌ها و دست نوشته‌ها

۲- کتیبه‌ها و سنگ نوشته‌ها

۱- شاهنامه‌ها

۲- نامه های پادشان

۳- رویداد نامه ها

مطالعات انجام شده روی اسناد، مدارک و شواهد نام برده نشان می‌دهد که در زمینه علم جغرافیا آثار چندان درخشانی از ایرانیان باستان باقی نمانده است. کل مطالب علمی باقی مانده

از تمدن چند هزار ساله ایران باستان به چند جلد کتاب دینی و مذهبی محدود می‌شود کهبا توّجه به سابقه کهن ایران، تردید برانگیز جلوه می نماید.

از سوی دیگر امپراطوری بزرگ ایران باستان را نیز نباید از یاد برد، هم چنانکه امپراطوری یونان آثار درخشانی در زمینه‌های علوم مختلف داشته است، امپراطوری ایران باستان نیز بایستی در این زمینه آثاری داشته باشد. البته کمبود منابع علمی قبل از اسلام تنها مربوط به علم جغرافیا نیست بلکه در سایر علوم نیز این کمبود به چشم می‌خورد.

از سوی دیگر بیشتر جغرافیدانان نامی جهان، معتقدند که علم جغرافیا با عمر انسان برابری می‌کند. هر کجای جهان مسکونی شد و رابطه متقابل بین انسانها و طبیعت برقرار گردید علم جغرافیا بوجود می‌آید و مردم ساکن در آن نواحی می‌توانند آثار و پدیده‌های جغرافیایی خلق نموده و با نگارش و توصیف این پدیده‌ها آنها را برای سایر ملل معرفی نمایند و به نسل بعدی منتقل کنند. به عنوان مثال جورج کیش استاد جغرافیا در دانشگاه میشیگان آمریکا درباره مفهوم جغرافیا چنین اظهار نظر می‌کند:

« وقتی که انسان در زمین ظاهر شد و برای راه‌یابی به بخش های مجاور از رودخانه‌ها عبور کرد یا قطعه‌ای را برای زیست و بهره برداری از گیاهان طبیعی انتخاب نمود و بخشی را جهت کشت از بخشهای دیگر مجزا ساخت، علم جغرافیا نیز موجودّیت یافت.»[۱]

با توّجه به سابقه طولانی سکونت اقوام مختلف در ایران و علاقه مردم این کشور به فراگیری علوم مختلف و وجود دولت‌های وسیع و مقتدر قبل از اسلام در ایران، می‌توان گفت آثار علمی فراوانی در زمینه ی علوم مختلف از جمله علم جغرافیا در این کشور وجود داشته است، که احتمالاً در بحران‌های مختلفی که ایرانیان با آن روبرو شده اند از بین رفته است . از آنجایی که در گذشته امکانات چاپ کتاب در تیراژ زیاد وجود نداشته و کتاب‌ها دست نویس بوده ، این کتاب ها از بین رفته و نسخه ای از آن باقی نمانده است.

به احتمال زیاد در ایران باستان نیز مانند سایر امپراتوری‌های عظیم و مقتدر در زمینه جغرافیا اطلاعاتی وجود داشته، که یا این اطلاعات نابود شده و یا تحت تاثیرعلوم دیگر قرار

۱- شکوهی، حسین، فلسفه جغرافیا، ص۲و۳

www.tabarestan.info تبرستان

داشته و یا این علم قبل از اسلام در ایران در مراکز نظامی تدریس می‌شده است و این اطلاعات نظامی، کمتر در اختیار مردم قرار داشته و با شکست ایران و تصّرف مراکز نظامی بدست دشمنان، این اطلاعات نیز نابود شده است.

کمبود اطلاعات علمی از ایران باستان برای هر محققی تردید برانگیز بوده و خودبه خود سوالاتی به ذهنش خطور می‌کند که چگونه در عربستان صحرا نشین قبل از اسلام، جغرافیدان وجود داشته و آثار جغرافیایی از خود به جای گذاشته اند(آثاری که در حال حاضر از آن به عنوان مکتب عربی یاد می شود) امّا در ایران که یکی از بزرگترین امپراتوری‌های زمان خویش بوده و علم جغرافیا به‌عنوان یکی از ابزار اصلی کشورداری به حساب می‌آمده، آثار جغرافیایی وجود ندارد.

www.tabarestan.info تبرستان

قدر مسلّم کتاب‌ها و متون جغرافیایی مربوط به نویسندگان ایرانی قبل از اسلام در ایران بسیار اندک است،کلّ کتاب های تخصصی جغرافیایی ایران در دوره باستان به تعداد انگشتان دست هم نمی رسد که جمع صفحات آنها به صد صفحه نیز نمی رسد در خصوص فقدان کتاب‌های علمی و دانشمندان سرشناس در ایران قبل از اسلام، در رشته‌های مختلف علمی ، محققان و دانشمندان تحقیقات گسترده‌ای انجام داده و به نتایج مطلوبی رسیده اند. نتایج حاصل از مطالعات این محققان در سه نظریه قابل بررسی می‌باشد:

۳-۱. نظریه انتقال کتاب‌های ایرانی به اسکندریه

گروه اوّل بر این باورند که مراکز علمی و کتاب‌های علمی زیادی در اغلب رشته‌های علمی در ایران قبل از اسلام، موجود بوده اما این مراکز پس از حمله اسکندر به ایران توسط او ویران شده و کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های این مراکز توسط جانشینان او به کتابخانه اسکندریه در مصر که در آن زمان جزو امپراتوری یونان بوده است، انتقال داده شده است. در این خصوص دانشمندان زیادی اظهار نظر نموده‌اند.

دکتر حسینعلی ممتحن در کتاب خود با عنوان« پژوهشی در تاریخ فرهنگ اسلام و ایران» به نقل از جرجی زیدان می‌نویسد: پس از مرگ اسکندر، بطلمیوس بر قسمتی از امپراتوری او

حاکم شد و به دستور وی خطیب مشهور یونانی دیمتریوس فامیروس[۱] در اسکندریه کتابخانه‌ای ایجاد نمود و دستور داد که از سراسر جهان کتاب‌های موجود را به این کتابخانه انتقال دهند. کتاب‌ها از کشورهای تحت تصرّف یونان به اسکندریه منتقل و در این شهر کتابخانه‌ای عظیم و غنی از کتاب‌های دستنویس تأسیس گردید. جرجی زیدان می‌نویسد: «در بین کتاب‌های انتقال داده شده به اسکندریه کتاب‌های از نویسندگان استخر فارس نیز به چشم می‌خورد. وی اشاره می‌کند که در بین کتاب‌های انتقال داده شده به اسکندریه کتاب‌هایی ایرانی با مضامین جغرافیایی نیز وجود داشته است».

تبرستان www.tabarestan.info

دکتر ممتحن در ادامه به نقل از چند مورّخ بیان می‌کند که کتاب‌های ایرانی حمل شده به کتابخانه اسکندریه در حمله اعراب سوزانده شده و از بین رفته است این ادّعا نخستین بار توسط یک نویسنده و محقق عرب در قرن هفتم مطرح شد[۲]. این محقق و نویسنده عرب، عبدالطیف بغدادی نام داشت که بر اساس شواهد و مدارک بیان نمود که در اسکندریه کتابخانه‌ای عظیم در چند طبقه وجود داشته که کتابهایی در موضوعات مختلف علمی در آن نگهداری می شده که به دستور خلیفه دوّم و توسط عمروعاص فرمانده اعراب سوزانده شده است. جماّلدین، ابوالحسن علی ابن یوسف بن ابراهیم قفطی، وزیرحلب، معروف به قاضی اکرم قفطی، که چند سال پس از عبدالطیف بدنیا آمد و معاصر او بود نیز درباره سوختن کتابخانه اسکندریه نظری موافق عبدالطیف داشته و در قسمتی از کتاب خود می‌نویسد:

« هنگامیکه عمروعاص اسکندریه را فتح نمود، در مورد کتاب‌های کتابخانه ی آن از عمر خلیفه وقت مسلمین کسب تکلیف نمود که عمر دستور سوزاندن آن را داد عمرو عاص کتاب‌های این کتابخانه را بین حمّام‌های این شهر تقسیم نمود و حمّام‌های اسکندریه به مدّت شش ماه بوسیله این کتاب ها گرم می‌شد و نیاز به سوخت نداشت ».

ابوالفرج گریگوریوس بن هارون، نویسنده دیگری است که در این مورد اظهار نظر نموده[۳] است. وی بر این باور است که پس از فتح اسکندریه توسط عمرو عاص، وی در زمینه

---

۱ -Dimetrios Famiroyous

۲- حسینعلی، ممتحن پژوهش در تاریخ فرهنگ اسلام و ایران، ص۷۳ .

۳-همان منبع ص۷۵.

کتاب‌های اسکندریه از خلیفه وقت کسب تکلیف می‌کند خلیفه وقت پاسخ می‌دهد، اگر متن این کتاب ها موافق دین و خدای ماست که به آن نیازی نداریم و اگر مخالف است بایستی سوزانده شده و به هر طریق ممکن نابود شوند. عمرو عاص سردار فاتح عرب نیز نسبت به آتش زدن کتابها اقدام نمود. تقی ألدین مقریزی از مورّخان قرن هشتم نیز به سوختن کتاب‌های اسکندریه به دستور خلیفه دوّم و توسط عمرو عاص ازعان می نمایند.

مصطفی بن عبدالله معروف به حاج خلیفه نیز در کتاب خود به نام کشف الظنون به سوزانده شدن کتاب‌های کتابخانه ی اسکندریه توسط اعراب اشاره می‌کند، و بر این باور است که کتاب‌های این کتابخانه به دستور خلفای اسلام و توسط سرداران و فاتحان مسلمان این شهر سوزانده شده است[۱].

www.tabarestan.info تبرستان

دکتر ذبیح الله صفا از دانشمندان معاصر ایرانی و نویسنده اثر درخشان و ماندگار تاریخ ادبیات ایران از قول حاجی خلیفه در کشف الظّنون مکتوب نموده که کتابهای اسکندریه توسط اعراب به آتش کشیده شده است.[۲]

مطالب مطرح شده از سوی این محققان احتمال وجود کتاب ها و منابع غنی علمی در ایران باستان را قوّت می‌بخشد. علاوه بر موارد فوق در بسیاری از متون تاریخی می‌خوانیم که بسیاری از پادشاهان ایران باستان به علم و عالم علاقمند بوده و برخی از آنها کتابخانه و مراکز علمی تأسیس نموده و دستور ترجمه بسیاری از کتب دانشمندان یونانی، رومی، مصری و هندی را به زبان فارسی داده‌اند و حتّی در برخی موارد نیز جهت تبادلات علمی، اساتیدی را در رشته‌های مختلف علمی از یونان و روم به کشور ایران دعوت می‌نموده‌اند. از جمله انوشیروان در زمان خود علاوه بر دانشمندان ایرانی دانشمندان غیر ایرانی را نیز تشویق می‌نمود و دستور داده بود که کتاب‌های ارسطو و افلاطون را به زبان پهلوی ترجمه نمایند. وی همچنین دستور ترجمه کتاب‌های دیگری را نیز از کشورهای هند و چین به زبان فارسی صادر نموده است. قطعاً در بین این کتاب‌ها،کتاب‌های جغرافیایی از اهمّیت زیادی برخوردار بوده

۱-کشف الظنون فی اسمی الکتب و الفنون،ج۱ص۳۳.

۲- همان منبع ص۸۱

است، زیرا جغرافیا از علومی بود که از نظر نظامی برای انوشیروان و حاکمان ایرانی مهم بوده، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت کتاب هایی در این زمینه وجود داشته امّا در حوادث و بلایایی که کشور ایران با آن روبرو شده است به روش‌های مختلفی ممکن است از بین رفته باشد.[۱]

برخی دیگر از نویسندگان و محققان بر این باورند که کتاب‌های کتابخانهی اسکندریه که از سراسر جهان در این شهر جمع آوری شده بود و یکی از بزرگترین کتابخانه‌های جهان به حساب می‌آمد. در آتش سوخته امّا نه دست اعراب بلکه این کتابخانه توسط امپراتوری روم صغیر سوزانده شده است. جرج بی کوچ یکی از محققان و نویسندگان معروف اروپایی مؤلف کتاب((ابن سینا نابغه‌ای از شرق)) در مورد سوزانده شدن کتاب‌های اسکندریه چنین نوشته است. « می‌گویند که کتابخانه اسکندریه را بعد از اینکه اعراب در دوره حکومت خلیفه ی دوّم بر مصر مسلط شدند از بین بردند ولی قبل از آن تاریخ، کتابخانه اسکندریه، بارها آسیب دید و یکی از آسیب‌های بزرگی که بر آن کتابخانه وارد آمد در زمان امپراتوری ژوستی نین، امپراتوری روم صغیر بود که در نیمه اول قرن ششم بعد از میلاد سلطنت می‌کرد. او مردی مسیحی بود و تعصّب مذهبی زیادی داشت و می‌دانست که در کتابخانهی اسکندریه، کتاب‌های فلسفی زیادی وجود دارد که با مضامین دینی و مذهبی او مغایرت زیادی دارند. چون تشخیص و تفکیک کتاب ها از نظر مغایرت با دین و مذهب او کار دشواری بود، از این رو وی دستور داد تمامی کتابهای کتابخانهی اسکندریه سوزانده شده و از بین برده شوند».[۲]

در برخی از منابع نیز اسکندر را مسئول نابودی کتاب های ایرانی می دانند و بر این باور هستند که کتاب ها قبل از انتقال به اسکندریه توسط اسکندر در ایران سوخته شده که در این میان بهترین مدرک و نمونه کتاب نامه تنسر می باشد که در قسمتی از آن چنین آمده است:

می دانی که اسکندر کتاب دین ما را که روی دوازده هزار پوست (گاو) بود بسوخت به اسطخر، سیکی از آن در دل ما مانده بود[۳]

۱- ترابی، سید محمد ، نگاهی به تاریخ ادبیات ایران بیش از اسلام، ص ٦٤.

۲- جورج بی کوچ، ابن سینا نابغه‌ای از شرق ، ص ۲۳۱ .

۳- مینوی ، مجتبی، نامه تنسر به گشنسب، ص ٥٦ .

www.tabarestan.info تبرستان

٤-١. مخالفان نظریه انتقال کتاب های ایرانی به اسکندریه

محققان مخالف نظریه سوزاندن کتاب‌های اسکندریه بدست اعراب بر این باورند که این موضوع سندیت ندارد به عقیده ی این گروه سوزانده شدن کتاب‌های اسکندریه توسّط اعراب شایعه ای بود که برخی از محققان برای بد جلوه دادن چهره ی اسلام در قرن هفتم هجری قمری مطرح نمودند و قبل از آن در هیچ کتاب علمی و تاریخی این نظریه مطرح نشده است. این گروه بر این باورند که تا قبل از این زمان یعنی قرن هفتم در هیچ یک از کتاب‌های تاریخی معتبر که دربارهی اسکندریه نوشته شده است اثری از این موضوع به چشم نمی‌خورد، و مطلبی در این مورد ذکر نشده است. بنابراین این موضوع از نظر علمی و تاریخی ارزش علمی چندانی ندارد. از جمله طرفداران این گروه شبلی نعمانی از دانشمندان و مورّخان هندی می‌باشد. وی بر این باور است که کتابخانه‌ای وجود نداشته که سوخته شده باشد. همچنین می‌گوید که اگر کتابخانه هم بوده در مورد تعداد آن و همچنین سوزانده شدن آن توسط اعراب اغراق شده است.[۱]

www.tabarestan.info تبرستان

فیلیپ حتّی، مورّخ دیگری است که در این زمینه با سوزانده شدن کتاب‌های اسکندریه توسّط اعراب مخالف می‌باشد، وی معتقد است که کتاب‌های کتابخانهی اسکندریه قبل از اینکه توسّط اعراب سوزانده شود. به دست رومیان افتاده و کتاب های آن یا سوزانده شده و یا به روم منتقل شده است و در زمان تسلط اعراب بر اسکندریه کتابخانهی اسکندریه، کتاب علمی قابل توجّهی نداشته که سوزانده شده باشد.[۲]

گوستاولوبون نویسنده ی دیگری است که اعراب را از آتش زدن کتابخانه اسکندریه مبّری دانسته و بر این باور است که اسکندریه شهر مهم و علمی بوده و کتابخانه مهمّی داشته، اما زمانی که این شهر توسط ژول سزار، سردار رومی مورد حمله قرار گرفت و به تصّرف او در آمد به حیات علمی آن پایان داده شد و کتاب ها و مراکز علمی آن بدست این سردار رومی نابود شدو کتاب چندانی باقی نماند که بوسیله اعراب سوزانده شود.[۳]

۱- شبلی نعمانی، کتابخانه اسکندریه،ترجمه فخر داعی گیلانی، ص ٤٦،٤٧،٤٨،٥٣ .

۲- پاینده، ابوالقاسم، تاریخ عرب، ترجمه جلد ۱ ص ۲۱۳.

۳- ممتحن، حسینعلی، پژوهشی در تاریخ فرهنگ اسلام و ایران، ص۸۷

ارنست رنان نیز دانشمند دیگری است که در این زمینه نظریه مخالفی در دانشگاه پاریس مطرح نموده است. وی هرچند با مسلمانان مخالف بوده اما در یک سخنرانی در دانشگاه پاریس در کشور فرانسه بر این نکته تکیه نموده است که کتابخانهی اسکندریه قبل از اینکه به دست مسلمانان بیافتد، توسط رومیان نابود شده است.[۱]

استاد مصاحب نیز در کتاب دایرةالمعارف فارسی خود در مورد اسکندریه بر این باور است که این شهر از نظر علمی رونق داشته مراکز علمی، دانشمندان مشهور و کتابخانه ای غنی از نظر انواع کتاب هم داشته که این کتابخانه مورد توجه بسیاری از دانشمندان زمان خود بوده اما قبل از اینکه این شهر و کتابخانهی آن به دست اعراب نابود شود به دست پادشاهان و سرداران رومی نابود شده است.[۲]

www.tabarestan.info تبرستان

استاد دکتر علی اکبر زرّین کوب از محققان و دانشمندان معاصر ایرانی بود، که با سوزانده شدن کتاب‌های کتابخانهی اسکندریه توسط اعراب مخالف بوده و بر این باور است که مراکز علمی و کتاب‌های کتابخانه اسکندریه قبل از اینکه توسط مسلمانان سوخته شود توسط رومیان از بین رفته است.[۳]

۵-۱. نظریه عدم وجود کتاب و منابع معتبر علمی در ایران قبل از اسلام

طرفداران این نظریه بر این باورند که قبل از اسلام مراکز علمی، کتاب و دانشمندان مهمّی درامپراتوری ایران وجود نداشته واین کشور از نظر علمی در بین امپراتوری های دیگر چندان مطرح نبوده است. این گروه بر این باورند کتابی در ایران باستان وجود نداشته است که به اسکندریه حمل شود و در آنجا نابود شود.به نظر این گروه حملات اسکندر ،اعراب و سایر دشمنان امپراتوری ایران نقش چندانی در نابودی کتاب های ایرانی نداشته است. بسیاری از افرادی که مخالفت زیادی با تاریخ و تمدن علمی ایران باستان دارند این نظریه را مطرح می‌نمایند و با تعّصب خاصی غیر علمی بودن جامعهی ایرانی را به رخ این ملّت می کشند. از

۱- شبلی نعمانی

۲-دایره المعارف فارسی مصاحف، جلد ۱، ص ۱۴۲

۳- زرین کوب ، علی اکبر، کارنامه اسلام، ،به نقل از تاریخ التمدن الاسلامی ، ص ۴۲-۴۳.

بین این افراد می‌توان به دانشمندانی چون شبلی نعمانی اشاره نمود. وی یکی از دانشمندان و مورّخان هندی می‌باشد که پس از مطالعه برخی از آثار علمی مربوط به ایران باستان که به کشور هندوستان حمل شده و در کتابخانه های آنجا نگهداری می شود در این زمینه اظهار نظر نموده که آثار علمی چندان درخشان و قابل توجهی در زمینه جغرافیا و سایر علوم در ایران قبل از اسلام وجود نداشته است. به نظر وی کشور ایران دردوره باستان بیشتر یک امپراتوری نظامی بوده و نمی توان انتظار داشت از این جامعه آثار علمی باقیمانده باشد. وی نظریه حمل کتاب‌های ایرانی به کتابخانه ی اسکندریه و همچنین نابودی این کتاب ها در ایران در حمله ی اعراب و توسط سعدبن ابی وقاص را افسانه‌ای بیش نمی‌داند.

www.tabarestan.info تبرستان

٦-١. نظریه نابودی کتابهای ایران قبل از اسلام، به‌دست اعراب

طرفداران این نظریه بر این باورند که کتاب‌ها و اسناد علمی ایران باستان به اسکندریه حمل نشده، بلکه در حوادث و جنگ‌هایی که گریبانگیر مردم ایران شده از بین رفته است. از طرفداران این گروه می‌توان به دانشمندانی چون دکتر ذبیح‌الله صفا، دکتر حسینعلی ممتحن و جرجی زیدان از مورخان مسیحی اشاره نمود. دکتر ذبیح‌الله صفا در کتاب تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی به نقل از کتاب ((کشف الظنون فی اسامی الکتب و الفنون)) نوشته حاجی خلیفه می‌نویسد« در ایران فاتحان عرب چون به کتب ایرانی دست یافتند، سعدابن ابی وقاص به خلیفه وقت نامه نوشته و در خصوص این کتاب ها کسب تکلیف نمود. خلیفه وقت دستور ریختن این کتاب ها را به آب داده چون اعتقاد داشت که این کتاب ها مایه گمراهی مردم خواهد شد. بنابراین بایستی نابود شوند تا مانع تخلّفات و انحرافات در جهان اسلام شوند».[۱]

همچنین دکتر حسینعلی ممتحن در کتاب پژوهشی در تاریخ فرهنگ اسلام و ایران به نقل از مجلّه ی دانشکده می‌نویسد «سوزاندن کتاب های فارسی توسط اعراب در ایران رسم بود و اعراب به هر شهری که دست می‌یافتند آن شهر را تخریب و کتاب‌های آن را آتش می‌زدند. »[۲]

همچنین جرجی زیدان از مورّخان مسیحی نیز بر این باور است که در بین اعراب معمول

۱- صفا،ذبیح‌الله، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، ص ۳۳-۳٤ .

۲- ممتحن ، حسینعلی، پژوهشی در تاریخ فرهنگ اسلام و ایران، مجله دانشکده، ص۷۷ .

بوده بر هر قومی مسلّط می‌شدند، کتابخانه ها، اسناد و مراکز علمی آنها را نابود و کتاب های آنها را می‌سوزاندند و برای برتری و تأیید مسلمانی خود آنچه کتاب غیر اسلامی می‌یافتند به آتش می‌کشیدند[۱].

۷-۱. نظر نویسنده در مورد آتش‌سوزی کتابخانه اسکندریه و ایران توسط اعراب

طبق بررسی‌های انجام شده و منابع موجود در خصوص کتابخانه‌ها، مراکز علمی و دانشمندان ایران قبل از اسلام و سوزانده شدن کتاب‌های کتابخانه اسکندریه به دست اعراب، به این نتیجه می‌رسیم که در دوره قبل از اسلام، در ایران باستان منابع و کتاب‌های علمی در زمینه‌های مختلف علمی از جمله جغرافیا موجود بوده است، در اینکه این کتاب ها چه سرنوشتی داشتند و چگونه نابود شده‌اند نظر قاطعی در هیچکدام از منابع جغرافیایی و ادبی موجود نیست. در اینکه تعدادی از این کتاب ها توسّط سرداران اسکندر به کتابخانه اسکندریه حمل شده شکی نیست ولی در اینکه در کتابخانه اسکندریه چه بلایی بر سر شان آمده کسی اطّلاع دقیقی از آن ندارد ولی در بیشتر منابعی که در این زمینه نوشته شده اند نگاه‌ها به سوی عمرو عاص است در اکثر این منابع عمرو عاص را در نابودی کتابخانه اسکندریه دخیل می‌دادند البتّه در این که عمرو عاص از این کتاب‌ها استفاده ابزاری نموده و یا آنها را سوزانده باشد شکی نسیت. عمرو عاص در جامعه عرب از نظر سیاسی و به قدرت رسیدن از هیچ کاری دریغ نمی‌نمود و جهت حفظ مقام و منزلت خود دست به هر کاری می‌زد و هر عمل ناشایستی را مرتکب می شد. بعید نیست که در زمان فتح اسکندریه تحت تأثیر قرار گرفته و در سوزاندن کتاب های کتابخانهی اسکندریه دست داشته باشد. مطلب مهّم دیگری که تا حدود زیادی تردید و شک را در مورد سوزانده شدن کتاب های کتابخانه ی اسکندریه را کاهش می‌دهد و آن را به یقین تبدیل می‌کند. این است که این نظریه نخستین بار توسّط یک مورخ عرب مطرح شد و این تا حدودی نظریه سوزانده شدن این کتب توسّط اعراب را قوّت می‌بخشد. اگر مورّخان غیر عربی سوزانده شدن کتاب‌های اسکندریه را به عمرو عاص نسبت می‌دادند، جای شک داشت و یا اگر به جای عمروعاص به کسی دیگر این نسبت را می‌دادند

۱- جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام جلد۳ ص٦٤ تا ٦٦.

www.tabarestan.info تبرستان

می‌شد در مورد آن شک نمود اما نسبت دادن این موضوع به عمرو عاص آن هم از سوی یک مورخ هم مذهب و هم زبان او جای هیچگونه شبه و ابهام در این زمینه بر جای نمی‌گذارد، اما در مورد تعداد این کتابها کمی اغراق شده است، به طوری که در برخی از این منابع محققان اغراق را به جایی رسانده اند و مطرح نموده اند که کتاب‌های کتابخانه ی اسکندریه تا شش ماه سوخت حمّام‌های اسکندریه را تأمین می‌نموده است مگر تعداد این کتاب ها چقدر بوده که تا شش ماه قادر به تأمین سوخت حمّام‌های شهر اسکندریه یکی از بزرگترین شهرهای امپراتوری یونان بوده است.[۱]

امّا در مورد نابودی کتاب‌های موجود در کتابخانه‌های ایران توسط اعراب نیز تا حدودی اغراق شده است. حملهی اعراب را می‌توان یکی از عوامل مؤثر در نابودی کتابخا نه های ایران دانست امّا نمی‌توان آن را تنها عامل به حساب آورد. شواهد موجود حاکی از این است که در نابودی این کتاب‌ها علاوه بر حملهی اعراب حوادث دیگری چون حملهی مغول، حوادث و بلایای طبیعی و از همه مهمتر بیسوادی قشر کثیری از مردم آن زمان ایران، در این زمینه دخالت داشته است. همان طور که می‌دانیم فراگیری علم و دانش در ایران باستان همگانی نبود و فقط طبقات خاصّی از مردم ، اجازه ی تحصیل علوم را داشتند و بقیّه مردم از این نعمت بی‌نصیب بودند و همین عامل می‌توانست در از بین رفتن و کاهش منابع علمی در ایران قبل از اسلام، تأثیرگذار باشد. به‌عنوان مثال جرج بی کوچ یکی از محققان و نویسندگان معروف اروپایی درکتابی که درمورد ابن سینا دانشمند معروف ایرانی نوشته است در صفحه ۷۲ کتاب خود، در مورد نابودی و از بین رفتن کتاب های قدیمی چنین می‌نویسد: «یکی از فضلای محقق ایرانی به نام ترجمان الممالک فرهنگ، در صدد بر آمد تا بداند که از کتاب هایی که ابن ندیم در کتاب الفهرست خود نوشته است، کدامیک در زمان امروزی موجود است. او سال‌های زیادی از عمر خود را در ایران و سایر کشورهای اسلامی و کتابخانه‌های اروپایی تحقیق نمود و از هر آشنای کتاب دوستی می‌پرسید، چه کتاب‌هایی در خانه دارد، و بعد از چند سال نتیجه تحقیق خود را ارائه داد و معلوم شد که به طور کلی، از کتاب‌هایی که ابن ندیم در کتاب

تبرستان www.tabarestan.info

۱- مقامی مقیم، غلامرضا، مشاهیر جغرافیای ایران از هزاره اول قبل از میلاد تا سال ۱۳۹۰ هجری شمسی، ص۲۲..

الفهرست خود ذکر نموده فقط ۳ درصد باقیمانده و ۹۷ درصد از کتاب های ممالک اسلامی که در قرن چهارم هجری موجود و در دسترس بوده، طوری از بین رفته که حتّی یک نسخه از آنها را در هیچ نقطه نمی‌توان یافت. حتّی در کشورهایی که پای مغول‌ها نیز به آنجا نرسیده بود».[۱]

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در نابودی و از بین رفتن کتاب ها و متون علمی موجود در ایران باستان تنها حملهی اسکندر، حملهی اعراب، حمله ی مغول و بلایای طبیعی نقش نداشته بلکه عامل مهمی که سبب نابودی این متون کهن و ارزشمند شده است این بوده که فراگیری علم و دانش در ایران باستان عمومیّتنداشته بلکه مختّص درباریان بوده است. از سوی دیگر به دلیل تعصّب خاص حکومت های باستانی ایران به امور دینی مخصوصاً دین زرتشت و تبلیغات گسترده دینی و خصلت دین پرستی مردم ایران و همگانی بودن تعلیمات دینی بیشتر کتاب های دارای مضامین دینی که در بین مردم فراوان بوده باقی مانده است.

www.tabarestan.info تبرستان

از سوی دیگر بررسی منابع نشان از این دارد که بیشتر کتاب های باقی مانده مضمونی دینی دارند. باقی ماندن کتاب های دینی نسبت به سایر کتاب ها دو مطلب قابل توجه را گوشزد می نمایند یکی اینکه اگر قرار بود مسلمانان کتاب ها را نابود کنند کتاب های دینی از این نظر در اولویت بود چراکه دین اسلام تفاوت های زیادی با زردشت داشت و مسلمانان تمایلی به ماندن این کتاب ها نداشتند اما مردم ایران به هر طریق ممکن آنها را حفظ نمودند مطلب دیگر باقی ماندن کتاب های دینی نشان از این دارد که ایرانیان نسبت به دین زرتشت و آئین آن علاقه خاصی داشتند و تحت هر شرایطی متون دینی آن را حفظ می نمودند اما کتاب های غیر دینی جایگاه خاصی بین مردم نداشت امروزه نیز همین گونه است کتاب قرآن به عنوان یک کتاب دینی در چشم مردم جای دارد و مردم ایران احترام خاصی برای آن قائل هستند و در اکثر خانه های ایرانی این کتاب مذهبی جایگاه ویژه ای داشته و با احترام خاصی از آن نگهداری می شود اما کتاب های غیر دینی حتی کتاب های تخصصی جایگاه چندانیندارند و اکثراًدر کتابخانه ها و مراکز علمی می توان سراغ آنها راگرفت به همین دلیل در حوادث و

۱- جورج بی کوچ،ابن سینا نابغه‌ای از شرق،ص۷۲ .

بلایای طبیعی و انسانی کتاب های دینی شرایط بهتری نسبت به کتاب های غیردینی دارند.

از سوی دیگر از انتقال کتب ایران باستان به کشورهای همسایه ایران نظیر هندوستان نیز نباید غفلت نمود مطالعات نشان می دهد بسیاری از متون کهن ایرانی در هندوستان و با نام محققان هندی تصحیح و چاپ می شوند بنابراین، این فرض نیز قوّت می گیرد که در هنگام حملهی اعراب و مغول این کتاب ها به هندوستان انتقال یافته و در کتابخانه های آنجا باقی مانده است بنابراین اگر بخواهیم علل کمبود منابع علمی را بررسی نماییم نباید انگشت اتهام به سوی فرد و یا موضوع خاصی دراز نماییم چراکه در کمبود این منابع عوامل متنوعی دخالت داشته اند.

www.tabarestan.info تبرستان

۸-۱. آثار جغرافیایی بازمانده از جغرافیدانان ایران قبل از اسلام

همان طور که ذکر شد آثار جغرافیایی بازمانده از ایران قبل از اسلام قابل توجه نیست، اما هر آنچه باقی مانده ارزش زیادی دارد و همچنان که گذشتگان ما این منابع را برای ما حفظ نمودند ما نیز بایستی به هر طریق ممکن این منابع علمی را حفظ نموده و مورد پژوهش و بررسی قرار دهیم تا به اطلاعات بیشتری در این زمینه برسیم و آنها را تجریه و تحلیل نموده به نسل آینده منتقل نماییم. مطالعه دقیق این منابع نشان می دهد در ایران باستان هرچند مانند امپراتوری های یونان و روم مطالب جغرافیایی به شکل مدّون نیست و آثار تخصصی در این زمینه به چشم نمی خورد اما دقّت در منابع مختلف دینی،ادبی، تاریخی و اسناد درباری نشان می دهد جغرافیای ایران در آن دوران چندان هم ناشناخته نبوده تقریباً مطلب علمی جغرافیایی در مورد تمامی نقاط حکومت ایران و جهان شناخته شده ی آن زمان وجود داشته اما به صورت تخصصی و تحت عنوان جغرافیا نبوده است. بنابراین می توان با مطالعه ی برخی ازمنابع غیر جغرافیایی به اطلاعات با ارزشی در مورد جغرافیای ایران باستان پی برد که مهمترین این منابع عبارتند از:

۱- کتابها

۲- کتیبه‌ها و سنگ نوشته‌های باستانی

۳- شاهنامه‌ها

٤-نامه های درباری

٥-رویداد نامه ها

۱-۸-۱.کتاب‌ها

همان طور که قبلاً مطرح شد در بررسی‌ها و تحقیقات به عمل آمده در مورد جغرافیای ایران قبل از اسلام، مشخّص شد که کتاب مستقل جغرافیایی وجود ندارد که به مطالعهی صرف جغرافیای ایران باستان پرداخته باشد و نمی‌توان از جغرافیدانی یاد نمود که آثار خاص جغرافیایی در مورد ایران باستان از خود به جای گذاشته باشد. بنابراین اگر بخواهیم از آثار جغرافیایی قبل از اسلام در ایران مطّلع شویم باید مطالب جغرافیایی را از سایر متون بازمانده از ایران باستان استخراج کنیم، که مهمترین این متون عبارتند از:

www.tabarestan.info تبرستان

۱-۱-۸-۱.کتاب‌های دینی و مذهبی

به دلیل خصلت دین دوستی مردم ایران و تبلیغات گسترده زردشت و فراوانی کتاب های دینی بیشتر کتاب های بازمانده از ایران باستان دارای مضامین دینی و مذهبی می باشند.[۱] آن دسته از متون دینی کهن ایرانی که می‌توان علاوه برمفاهیم دینی از آنها اطلاعات جغرافیایی استخراج نمود عبارتند از:

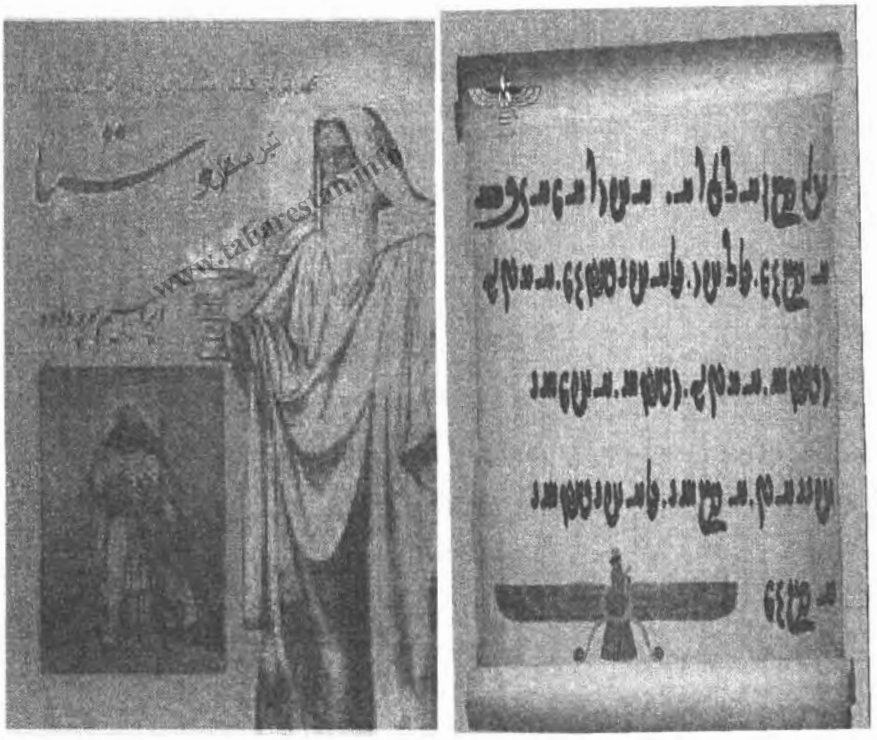
۱-۱-۱-۸-۱.اوستا

در متون کهن ایرانی، نخستین آثار ضمنی با شناسایی مِکانها را می‌توان در کتاب اوستا یافت که دربارهی کشورها، پدیده های طبیعی، طبقات اجتماعی ، اوضاع سیاسی و اقلیم‌های مختلف سخن گفته است.۲ اوستا میراث معنوی ایران باستان است که در فصل‌های مختلف تاریخی سیاسی ایران دچار تحوّل، بازنگری و بازنویسی شده است.شاید یکی از دلایلی که این کتاب در حوادث مختلف تاریخی باقیمانده و از بین نرفته است موضوع دینی آن باشد، دینی بودن این کتاب از دو جهت در حفظ آن نقش داشته است، نخست اینکه برای مردم ایرانیک

۱- مقامی مقیم، غلامرضا ، مشاهیر جغرافیای ایران از هزاره اول قبل از میلاد تا سال ۱۳۹۰ هجری شمسی، ص۲۸.

۲- فنّی، زهره، مقدمه‌ای بر تاریخ علم جغرافیا، ص۲۵۰ .

کتاب مقّدس محسوب می‌شد و مردم این کشور در حفظ و نگهداری آن نهایت تلاش را می‌نمودند و دوّم اینکه در برخی از موضوعات شباهت زیادی بین اوستا و متون مذهبی مسلمانان به چشم می‌خورد. و چنین به نظر می رسد که اعراب با مطالعه ی آن پی به جنبه های مختلف دینی، اجتماعی و انسانی آن برده اسراری به نابودی آن نداشتند.



شکل ۱-۱- اوستا با ترجمه ابرهیم پورداود

این کتاب به مانند سایر کتاب های باستانی مورد توّجه محققان و پژوهشگران اروپایی قرار گرفت به طوری که در سال ۱۷۷۱ میلادی نخستین بار " آتکیتل دوپرون " آن را به زبان فرانسهترجمه و در سه جلد در پاریسمنتشر نمود.[۱]

این کتاب شامل مطالب مهّمی می‌باشد که به‌صورت موضوعی تقسیم بندی شده است و

۱- مقامی مقیم،غلامرضا، پژوهشی پیرامون جغرافیا و جغرافیدانان ایران باستان،فصلنامه آموزه های جغرافیایی، شماره دوم ص۲۷

هر بخش به موضوع خاصی اختصاص پیدا می‌کند با وجود اینکه بیشتر قسمت‌های این کتاب دینی و مذهبی می‌باشد ولی می‌توان از بخش‌هایی از آن مطالب جغرافیایی استخراج نمود. مهمترین قسمت‌های این کتاب که مطالب جغرافیایی را دربر می‌گیرد عبارتند از:

۲-۱-۱-۸-۱.یسناها

یسنه در فارسی به معنای جشن ودر اوستا به معنای ستایش و پرستش می باشند بخش هایی از اوستا مربوط به متون یسنا ها می باشد که عمدتاً متون نیایشی بوده که در جشن های مذهبی ایران باستان قرائت می شده است . اما دقت در آن اطلاعات با ارزشی در سایر رشته ها را نمایان نموده و می توان از فصل هایی از آن مطالب جغرافیایی استخراج نمود. یسناها سی و هشت فصل را در بر می گیرد که فصل های اوّل، دوّم ، نهم و دهم آن اطلا عات جغرفیایی ایران باستان را مورد بررسی قرار می دهد[۱]. اطلاعات جغرافیایی این بخش از اوستا مربوط به محدوده و قلمروی جغرافیایی ایران، تقسیمات داخلی کشور در دوره باستان، معرفی و تعیین موقعیّت و محدوده کوههای البرز ، قلّه دماوند به عنوان مرتفع ترین قلّه البرز و ایران ، دریاچه ارومیه که در این کتاب محدوده ای وسیعتر از امروز را داشته و در آن دوره به نام تتیس یا چچیست معروف بود، غرب ایران که عمدتاً به دو قسمت سرزمین های هموار اطراف دجله و غرب کوهستانی که عمدتاً ارتفاعات زاگرس امروزی را در بر می گرفت، منطقه سیستان که عمدتاً اطراف دریاچه هامون را شامل می شده و شرایطی متفاوت تر از امروز را داشته و رودخانه سند به عنوان مرز محدوده و قلمروی ایران و هندوستان را در بر می گرفت می باشد.[۲]

تصور می شود که اطلاعات این بخش از اوستا بیشتر از قسمت های دیگر آن جغرافیایی بوده و از نظر جغرافیای توصیفی تفاوت های چندانی با جغرافیای امروزی نداشته باشد.

۱- مقامی مقیم،غلامرضا، پژوهشی پیرامون جغرافیا در ایران باستان،فصلنامه آموزه های جغرافیایی، شماره دوم ص۲۵ .
۲- پورداود، ابراهیم،یسناها بخشی از کتاب اوستا،ص ۱۸۰ -۱۲۲.

www.tabarestan.info تبرستان

۳-۱-۱-۸-۱. وندیداد

وندیداد در زبان پهلوی به معنای قوانین ضد دیو است و شامل مجموعه‌ای از شرایع و احکام دینی ایران باستان است که ریشه در ادیان آریایی بیش از زرتشت داشته و در دین زردشت مطالب و قوانین جدیدتری به آن افزوده شده است. مطالب این بخش از اوستا در دو قسمت قابل بررسی می باشد قسمتی مربوط به خلقت عالم هستی و قسمت دیگر مربوط به تزکیه نفس است. از نظر فصل بندی این کتاب دارای ۲۲ فرگرد یا فصل است و هر فصل دارای چندین بند می‌باشد[۱]. مهمترین بندهای آن که با مطالب طبیعی و انسانی مرتبط است، عبارت است از فرگرد یا فصل یک، این فصل دارای ۲۱ بند می‌باشد. در این فصل از وندیداد نام، نشان و موقعیت شانزده کشور اهورایی که با ایران باستان ارتباط داشته و در جهان آن زمان همپیمان و خراج گذاران ایران بوده اند ذکر شده است. همچنین در قسمت دیگری از این فصل وندیداد، به جغرافیای تاریخی شهرهای شرق ایران باستان از جملهی منطقه سیستان و قسمتی از رودخانه سند و اوضاع معیشتی آن اشاره شده است. از دریاچه هامون نیز به نیکی یاد شده به طوری که از آن به عنوان یک دریاچهی مقدّس و محل برگزاری اعیاد و جشن های زرتشتی یاد شده است همچنین در این کتاب به دو قلّه مهم و مرتفع در سیستان اشاره شده که به احتمال زیاد کوه تفتان و کوه خواجوی امروزی می باشد. از مطالب دیگر جغرافیایی وندیداد می‌توان به ذکر تقریبی قلمرو، مرزها، حدود و همسایگان اقوام آریایی اشاره نمود. همچنین در بند های ٦٧تا٦٩ این کتاب از رود خانه ی هیرمند، هیلمند، هلمند و یا هندمند یاد شده و آنها را یکی از مهمترین رودخانه های سرزمین ایران معرّفی نموده که ازکوههای شرقی ایران باستان(افغانستان و قسمتی از پاکستان امروزی) سرچشمه گرفته وارد دریاچهی هامون می شود. در این کتاب از این رودخانه به عنوان رودخانه های پرآب، قوی،سرکش و سفید آب یاد شده است همچنین در فرگرد۱ بند ١٤ این کتاب از سرزمینی هایی یاد شده که توسط این رود خانه آبیاری می شده است. بنابر نوشته های این کتاب این سرزمین(سیستان)

۱- افتخارزاده، محمود رضا، تحریر اوستایی تاریخ ایران باستان ، ص۵۲ .

www.tabarestan.info تبرستان

یازدهمین سرزمینی است که توسط اهورامزدا خلق شده است.[۱] بنابراین می‌توان گفت این فصل از وندیداد اوستا مطالب مهمّی در مورد جغرافیایی طبیعی، جغرافیای سیاسی، جغرافیای تاریخی، جغرافیای نظامی و جغرافیای شهری برخی از قسمت‌های ایران مخصوصاً شهرهای شرق ایران باستان را شامل می‌شود.

به نوشته وندیداد(فرگرد۱،بند۳) ایرانویج نخستین و بهترین سرزمین از سرزمین های شانزدهگانه آفریده اهورامزدا است که می تواند مأمن اقوم آریایی باشد و در برابر آن ، اهریمن به پتیارگی خویش، اژدها و زمستان و دیوآفریده را پدید می آورد و بر جهان چیره می سازد.[۲]

در فرگرد.۲۱، بند ۱۳ این کتاب اشاره ای به منشاء آب های کره زمین شده و بیان می گردد که منشاء آب موجود در کره زمین ستاره ای است به نام ستاره تخمه آب. همچنین در فرگرد۱ از بند ۱۲ این کتاب به رودخانه ای اشاره شده به نام ((خنند)) که اکثر مترجمان و مفسران بر این باورند که این رودخانه همان رودخانه گرگان رود امروزی می باشد که از ارتفاعات غربی آلاداغ در خراسان شمالی امروزی سرچشمه گرفته پس از مشروب نمودن جلگه گرگان وارد دریای خزر می شود. همچنین در همین بند از وندیداد خنند را به عنوان نهمین سرزمین و کشوری می دانند که اهورامزدا آن را خلق نموده است. در فرگرد.۱۹ بند ۱تا ۲ این کتاب به رودخانه ای اشاره شده است به نام دایتیا که در ایران ویج اهمیّت زیادی داشته است و بسیاری از رویدادهای دین زردشت از جمله جشن های دینی در آن اتفاق افتاده برخی از نویسندگان آن را ارس کنونی در نظر می گیرند و در برخی از منابع آن را سند امروزی قلمداد نموده اند با توجه به تاریخ سیستان و تاثیر گسترده آن در جغرافیای ایران باستان و پرآبی و حاصلخیزی دره سند به عنوان یکی از انبار های غله جهان و نزدیکی و شباهت آداب زردشت با برخی از گروه های هندی و قرار داشتن رودخانه ارس در برخی از قسمت های امپراتوری روم باستان می توان قضاوت نمود که به احتمال زیاد این رود خانه همان رود خانه سند باشد که از کوههای شرقی پاکستان سرچشمه گرفته پس از عبور

www.tabarestan.info تبرستان

۱- رضی، هاشم، وندیداد فصل ۱ بندهای ۱ تا ۲۱.

۲- دوستخواه،جلیل، اوستا کهن ترین سرودها و متن های ایرانی، ص۹۳۸ .

ازجلگه سند و ایندوس به دریای عمان وارد می شود. همچنین در فرگرد.۱ بند ۲۰ این کتاب از رودخانه ای افسانه ای به نام رنگها یاد نموده که یکی ازمهمترین رودخانه های ایران باستان بوده و در بسیاری از افسانه های ایران باستان از آن یاد شده است .در برخی از منابع آن را معادل دجله امروزی در نظر گرفته اند اما مدارک و شواهد حکایت از آن دارد که این رودخانه بیشتر اساطیری و افسانه ای بوده و و در دنیای باستان چنین رود خانه ای با این مشخصات وجود نداشته است.

در فرگرد۱ ، بند ۱۸ این کتاب اشاره به سرزمینی شده به نام ورن که گفته می شود چهاردهمین سرزمین است که توسط اهورامزدا خلق شده باشد که در وندیداداز آن با نام چهارگوش یاد شده است.در بیشتر اساطیر ایرانی از این سرزمین به عنوان محل کشمکش اژیدهاک و فریدون یاد می نمایند در بیشتر منابع این سرزمین محدوده ای است بین البرز و کرمان [۱] اما شواهد و قراین چنین به نظر می رسد که این سرزمین محدوده ای باشد بین دامنه های جنوبی البرز و کوههای رشته مرکزی که یک گوشه آن مربوط به آذربایجان امروزی

گوشه دیگر آن کوه های البرز گوشه سوم آن کوههای رشته مرکزی و گوشه چهارم آن کوه های شرقی ایران که سرزمینی است دارای طوفان های مخرب و مارهای سمی بنابراین می توان گفت محدوده ای بین کوههای رشته مرکزی و کوههای آنتی البرز در جنوب البرز که محدودهای جنوبی استان های تهران،سمنان، و استان های یزد،کرمان و برخی از قسمت های استان خراسان را دربر می گیرد.[۲]

در قسمتی دیگر از این کتاب از یکی دیگر از اقلیم های شناخته شده جهان به نام ویدذفشو یاد می شود که در تقسیم بندی جهان آن روز در جنوب باختری ایران قرار داشته که شرایط آب و هوایی نامناسبی داشته است.[۳] احتمالاً با توجه به شرایط نامناسب طبیعی این سرزمین محدوده ی کویت و قسمتی از عربستان امروزی را در بر می گیرد.

۱- دوستخواه،جلیل، اوستا کهن ترین سرودها و متن های ایرانی، ص۱۰۷۳.

۲- مقامی مقیم،غلامرضا، پژوهشی پیرامون جغرافیا و جغرافیدانان ایران باستان، آموزه های جغرافیایی شماره دوم ص۲۵ .

۳- بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران،پاره نخست، ص ۱۰۶ .

www.tabarestan.info تبرستان

در فرگرد۱، بند ۱۳ این کتاب دهمین سرزمین خلق شده توسط اهورا مزدا را هرهویتی نامیده است همچنین در فرگرد ۱ بند ۱۹ این کتاب از پانزدهمین سرزمین خلق شده توسط اهورامزدا با نام هفت رود یاد نموده است که در محدوده سند و پنجاب امروزی می باشد و نشان از تسلط ایرانیان بر قسمت غربی شبه قاره هند دارد .همچنین در این کتاب اشاره ای به هفتمین اقلیم خلق شده توسط اهورا مزدا نموده است که در تقسیم بندی جهان باستان، ایران هفتمین بوم شناخته شده جهان محسوب می شده است.[۱] با توجّه به مطالب این کتاب می توان گفت در دوره باستان جغرافیای ایران شامل بخش وسیعی از شبه قاره هند، ماورالنهر، ایران کنونی، آسیای صغیر، شبه جزیره عربستان و بین النهرین بوده است.

www.tabarestan.info تبرستان

٤-۱-۱-۸-۱. یشت‌ها

یشتها بخشی از نسک کهن اوستا است. یشتها در روزگاران کهن و پیش از زرتشت، سروده هایی بوده که اقوام ایرانی برای خدایان طبیعت خود چون میترا وآناهید سروده بودند. پس از حمله اسکندر گجستک در دوره هخامنشی و نابود شدن اوستا؛ زرتشتیان ۵۰۰ سال فاقد نسکی مقّدس بودند. با روی کار آمدن اردشیر پاپکان و تأسیس پادشاهی ساسانیان، آنچه از اوستا باقی مانده بود جمع آوری شد و همه نسکهای قدیمی پیش از زرتشت، از جمله یشتها مورد توجه قرار گرفته و مطالبی برآن افزوده شد و در کتاب مقدس (اوستا) قرار گرفت.

یشت‌ها مانند یسنه ها متون نیایشی و ستایشی عام اوستا هستند و بیشتر با اهداف مذهبی برای عامه مردم و پیروان زرتشت نگارش یافته اند. مطالب آن بیشتر دینی می‌باشد اما در پاره‌ای از این متون می‌توان مطالب جغرافیایی مربوط به ایران باستان را پیدا نمود و به علم جغرافیا ارتباط داد. از مهمترین آنها می‌توان به زامیاد یشت اشاره نمود.این یشت نوزدهمین یشت محسوب می شود که در ۱۵ بخش و ۹٦ بند ذکر شده است اسامی جغرافیایی موجود در این کتاب حکایت از این دارد که این متون مربوط به شرق ایران و منطقه سیستان می باشد. مکانهای جغرافیایی موجود در این کتاب یکی از مهمترین منابع در مورد ایران باستان محسوب می شوند در این یشت به شناخت و ستایش پدیده‌های طبیعی مانند کوهها،

۱- دوستخواه،جلیل، اوستا کهن ترین سرودها و متن های ایرانی، ص۱۰۸٦ .

رودخانه‌ها، دریاچه‌ها، آبها، گیاهان، جانداران و دریاهای ایران باستان اشاره شده و احکامی در مورد شناسایی، ستایش و پرستش این پدیده‌ها برای پیروان دین زرتشت بیان شده است.[۱]

در اولین بخش بند های ۸ تا۱ این یشت اشاره ای به ارتفاعات ایران نموده و نوشته شده که نخستین کوهی که در ایران زمین بوجود آمده است البرز است که هم کشور های شرقی و غربی را دربر گرفته است دومین کوه زردوزه نام دارد که کشور های زیادی را در بر گرفته است علاوه بر این دو کوه در این بخش از مزدا یشت نام بیش از ۱۰۰ کوه بیان شده که در ادبیات جغرافیایی امروزی ایران محل ،هیچ کدام از آنها مشخص و معین نیست فقط کوه وائین گسه، کوه های بادغیس، کوه اوپائیری سیته ،کوه های هندوکش ، کوه های ریوند سبزوار و کوه های البرز و بدخشان محل و موقعیتشان تا حدودی مشخص و معّین به نظر می رسد.

در بخش نهم و بند ٦٧ این فصل آمده است . در منطقه سیستان دریاچه ای وجود داشته (دریاچه هامون) که در داخل آنکوهی بوجود آمده به نام اوشیدم (کوه خواجه) رودخانه های پر آبی وارد این دریاچه می شده اند که اسامی امروزی آنها عبارتند از خاش رود ، هوسپاس رود، فرارود، هاروت رود، و هیرمند رود که هریک ازآنها آب فراوان و زلالی داشته که این آب ها سبب سرسبزی مراتع و چراگاه های این منطقه شده است.[۲] در این یشت از کوه دیگری با نام آهورن یاد می کند که به معنای کوه خدا می باشددر برخی منابع این کوه را نیز کوه خواجوی امروز می دانند که مادران سوشیانتها سه گانه از بالای آن برای تن شویی به دریاچه کیانسیه (هامون) می رفته است.در خورشید یشت اشاره به نقش خورشید در چرخه زندگی نموده وآن را مایه حیات و زندگی زمین دانسته و بر این باور است که اگر روزی خورشید بر نیاید تمام موجودات روی زمین از جمله هفت کشور و یا همان هفت اقلیم نابود خواهد شد. همچنین در ماه یشت اشاره ای به حالات مختلف ماه در نموده و برای اهلّه مختلف آن زمان خاصی را بیان نموده است.

در رشن یشت با دیدی شاعرانه به پدیده های طبیعی جهان نگریسته و آنها را توصیف می

۱- رضی، هاشم، اوستا(گاثه‌ها، یسنا، ویسپرد، خرده) اوستا ص۵۵۵-۵۳۱.

۲-انصاری،بهمن،یشت های کهن، www.Tarikh Book.ir

کند همچنین در بند ۲۵ این یشت اشاره شده است که ستارگان، ماه و خورشید دور ستیغ کوه هریتی(البرز) در حال چرخش می باشند. در مهر یشت نیز آمده است که مهر ایزد نگهبان فروغ و پاسدار پیمان، نخستین ایزدی است که پیش از طلوع خورشید از کوه هرا(البرز) برسراسر ایران می نگرد در قسمت دیگری از این یشت آمده است که آرامگاه مهر بر فراز کوه هریتی(البرز) قرار دارد که در آنجا نه شب هست و نه تاریکی، نه باد سرد و نه بادگرم، نه بیماری کشنده و نه آلایش دیو. از فراز این کوه مه برنخیزد. همچنین در زامیاد یشت از رودخانه ای به نام خواسترا یاد شده است که به دریاچه هامون می‌ریخته است که امروزه از آن به عنوان خاش رود یاد می شود.[۱]

www.tabarestan.info تبرستان

در بند ۵ زامیاد یشت اشاره به کوهی شده به نام سیامک که احتمالاً همان کوه سیاه کوه در افغانستان کنونی باشد.[۲]در بند ۲ آن از کوه دیگری به نام مزیشونت یاد شده که گفته می شود نام کوهی باشد در ارمنستان اما در بسیاری از منابع از آن به نام آرارات یاد می نمایند.[۳]همچنین در همین بند از کوهی به نام وایتی گئس در مرز شرقی یاد شده که پر از درخت و گل و گیاه می باشد . در بیشتر منابع این کوه را همان کوه بادغیس در شمال هرات در نظر می گیرند. در بند ٦٧ از زامیاد یشت به یکی از رود های ایران به نام هوسپا اشاره شده که در کتاب بطلیموس آن را خواسپ معرفی نموده اند و اکنون در زبان محلی خوس پاس نامیده می شود که از سوی شرق یعنی کشور افغانستان به دریاچه هامون می ریزد.[٤]

۵-۱-۱-۸-۱. بندهشن

بندهش که در زبان فارسی میانه بندهشن خوانده می‌شود، یکی از مهمترین کتابهای زرتشتیان به زبان پهلوی می‌باشد. بندهش واژه‌ای مرکب از دو جزء Bun به معنای ریشه و آغاز و dahišn به معنای آفرینش است که در مجموع به معنی آفرینش آغازین یا اصلی است. علت نام‌گذاری این کتاب بدین نام، فصلهای آغازین آن است که به مباحث آفرینش جهان

۱-دوستخواه،جلیل، اوستا کهن ترین سرودها و متنهای ایرانی ، ص۳۲۳-۳۹۹

۲- همان منبع، ص۱۰۱۳

۳-جکسن،آ.و..ویلیامز، سفرنامه جکسن،ایران در گذشته و حال ، ترجمه منوچهرامیری ص۳۲-۳۳

٤- دوستخواه،جلیل، اوستا کهن ترین سرودها و متنهای ایرانی ، ص۱۰۷۰-۱۰۸۷

هستی می‌پردازند.



شکل۲-۱ - ترجمه بندهش هندی رقیه بهزادی و ترجمه بندهش ایرانی مهرداد بهار

هرچند این کتاب به معنی آفرینش آغازین یا بنیادین است اما مطالب آن تنها به آفرینش اختصاص نداشته و به موضوعات دیگری نیز اشاره دارد. ۱

مطالب این کتاب در مقدّمه به سه دسته تقسیم شده‌اند:

الف. آفرینش اهورامزدا و دشمنی اهریمن

ب. چگونگی آفریدگان مادی از آغاز تا انتها

ج. تاریخ کیانی و لقب ها و محلهای آن (منظور از کیانی تمام شاهان ایرانی تا زمان صدر اسلام است)

از آنجا که بندهش یکی از مهمترین متون پهلوی به شمار می‌آید، مورد توجه پژوهشگران

۱- تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، تهران، ص ۱٤۱.

قرار گرفته و به زبانهای مختلف ترجمه شده است.

انکتیل دوپرّون[۱] نخستین بار این کتاب را در سال ۱۷۷۱ از هند به اروپا برده و آن را ترجمه نمود. بعد از او وسترگارد[۲] این کتاب را ترجمه نمود، بعد از پژوهشگرانی چون یوستی ، وست ،بهرام گورتهمورث،دینشاه انکلساریا، بندهشن ایرانی را با آوانویسی و به زبان انگلیسی ترجمه نمودند. از ترجمه‌های ایرانیاین کتاب می‌توان به ترجمه بندهش هندی توسط خانم رقیه بهزادی و ترجمه بندهش ایرانی توسط مرحوم مهرداد بهار اشاره نمود.

علاوه بر این ترجمه‌ها، بخشهایی از کتاب، نظیر چگونگی آفرینش، پیدایش کیهان، طالعبینی، نجوم، جغرافیا، انسان‌شناسی، کیهان‌شناسی و ... توسط نویسندگانی چون هنینگ[۳]، اشپیگل[٤]، آندره‌آس چوکسی[٥]، بارتولمه[٦]، کریستین‌سن[۷]،آسموسن[۸]، مولر[۹]، هارت من[۱۰]، ویندیشمن[۱۲]، نویسندگان ایرانی و ... مورد تحقیق قرار گرفته است.

در مورد مؤلفان این کتاب بایدگفت مؤلفان مختلفی آن را تألیف نموده‌اند. اما تألیف نهایی آن احتمالاً مربوط به فرنبغ بوده که نام خود را در فصل مربوط به نسب نامه موبدان زرتشت همراه با هم عصران خویش زادسپرم، پسر گشن جم، ذکر می‌کند این کتاب دارای ۳٦ فصل می‌باشد و مطالب آن به سه قسمت تقسیم شده است. قسمت اوّل آن کاملاً دینی و مذهبی و قسمت دوم و سوم آن تا حدودی دارای مضامین جغرافیایی است. در قسمت دوم و سوم کتاب، در مورد زمین‌ها، شکل گیری و نابودی کوه‌ها، دریاها، رودها، دریاچه‌ها، گیاهان، تولد موجودات مختلف و جمعّیت و پراکندگی آن در قلمرو حکومت آریایی مطالب قابل توجّهی

۱- DuperronAnquetil
۲-Vestergaard
۳- Henning
٤- Spiegel
٥- ChoksyAndreas
٦- Bartholomae
۷- Christensen
۸- Asmussen
۹- Müller
۱۰- Hartman
۱۱- Schmid
۱۲- Windischmann

نوشته شده است.[۱]

این کتاب بعد از کتاب دینکرد بزرگترین کتاب دینی تاریخی به زبان پارسی میانه می‌باشد، از این کتاب دو عنوان باقیمانده است یکی بند هشن ایرانی و دیگری بند هشن هندی، بندهشن خلاصه شده به بندهشن هندی معروف است زیرا نسخه‌های موجود آن در هندوستان نسخه برداری شده است. این کتاب نسبت به بند هشن ایرانی خلاصه تر به نظر می‌رسد از بند هشن هندی سه نسخه خطی اصلی و چند نسخه فرعی در دست است که از روی آن سه نسخه نوشته شده است بند هشن دیگر بندهشن بزرگ یا بندهشن ایرانی نام دارد زیرا نسخه‌های آن در ایران نوشته شده است. از بند هشن بزرگ یا ایرانی نیز سه نسخه اصلی در دست است.[۲] بند هشن ایرانی دارای یک دیباچه و ۳۶ فصل می‌باشد و درباره بنیاد آفرینش ، کارهای نیک، پیش بینی پایان و نابودی کار جهان، سرزمین‌های تحت قلمرو آریایی‌ها، پادشاهان باستانی ایران ، بلایای طبیعی و آفت‌هایی که کشورها و جمعیت آنها راتهدید می‌کند مطالبی نوشته شده است.[۳]

بر اساس این کتاب جهان هستی در ۷ مرحله آفریده شده است، این مراحل شامل آسمان، آب، خاک، گیاهان، جانوران، انسان و آتش می‌باشد. همچنین در این کتاب آسمان گنبدی توصیف شده که از سنگ‌های درخشان و گرانبهایی ساخته شده که زمین را در برمی‌گیرد. آب، بخش زیرین کره آسمان را پر کرده و از زیرزمین عبور می‌کند. آریایی های باستان بر این عقیده بودند که در سومین مرحله خاک آفریده شده، به عقیده آریایی‌ها خاک عنصری مقّدس است و به دلیل اینکه روزی انسان، از آن حاصل می‌شود بایستی آن را پاک و مقّدس شمرد همچنین معتقد بودند که خاک محل ریشه دوانی گیاهان است و از طریق خاک غذای انسان‌ها و سایر موجودات تأمین می‌شود و بر این باور بودند که کوه‌ها مانند درختان ریشه در خاک دارند و از خاکها بوجود آمده اند . ایرانیان باستان البرز را می‌شناختند و عقیده داشتند که آن بزرگترین کوه جهان هستی است.

۱- بهار، مهرداد، بند هشن (ادبیات اوستایی به زبان پهلوی)

۲- افتخارزاده ، محمودرضا تحریر اوستایی، تاریخ ایران باستان ، ایران آیین و فرهنگ ،ص۶۸

۳- ترابی، سید محمد، نگاهی به تاریخ ادبیات ایران بیش از اسلام ، ص ۸۲

www.tabarestan.info تبرستان

به عقیده نویسنده این کتاب، پس از خاک، گیاهان آفریده شده اند و پس از گیاهان جانوران آفریده شده‌اند و زندگی جانوری با آفریده شدن گاو در ایران ویج بر کرانه رودخانه وه دائیتی هستی یافته است. انسان در ششمین مرحله آفریده شد که گیومرتن نام داشت و در آخرین مرحله آتش آفریده شد که زمان آن چندان معلوم و مشخص نیست. مهمترین موضوعات جغرافیایی این کتاب عبارتند از:

انواع آفریدگان و موجودات زنده، کوهها، دریاها، رودها، دریاچه ها، چهارپایان سودمند، مردمان، موجودات، گیاهان، جهان آتش، انواع گرگ، آفرینشها، اقلیم‌های هفتگانه شهرهای معروف ایران، آفات و عوامل مؤثر در نابودی شهرها [۱].

www.tabarestan.info تبرستان

همانطور که بیان شد این کتاب سی و شش فصل دارد که برخی از فصل های آن با علم جغرافیا ارتباط دارد که مهمترین این فصول عبارتند از:

فصل دوم: در این فصل به آفرینش موجودات نورانی می‌پردازد که طبق آن ابتدا ستارگان و بعد ماه و سپس خورشید خلق شده‌اند و سپس از قرارگرفتن ستارگان سخن به میان رفته است.فصل پنجم: درباره مکان‌نگاری جهان و علم نجوم می‌باشد.فصل ششم: حمله ی اهریمن را به تصویر می کشد و بعد از این حمله است که آفریده‌های آسمان، آب، زمین، گیاه وگاو آفریده شده، کیومرث، آتش، ستاره گان، ایزدان مینوی و ستاره گان نا آمیزنده به مقابله ی با او برخاستند.در فصل هفتم: از نحوه خلقت سخن می‌گوید.ازفصل هشتم تا فصل بیست و چهارم پیرامون نحوهٔ آفرینش سخن به میان رفته است.فصل هشتم: درباره‌ی چگونگی زمینها و کشورها است. فصل نهم: درباره‌ی کوهها و انواع آنها است این فصل بیشتر از تمامی فصول این کتاب ارزش جغرافیایی دارد و به توضیح جغرافیایی ارتفاعات ایران مخصوصاً ارتفاعات البرز می پردازد ابتدا محدوده این ارتفاعات را معرفی نموده سپس نحوه و زمان شکل گیری این کوه ها بیان نموده است.[۲]

در بخش ۱۲ این کتاب در مورد زمان و نحوه شکل گیری کوههای ایران و جهان مطالبیذکر

۱- انوشه، حسن، تاریخ ایران جلد سوم ترجمه ، ص ٤٦٠-٤٦٥.

۲- بهار،مهرداد،بندهشن ص۷۳-۷۱

شده است که همه کوه های جهان در هجده سال شکل گرفته اما البرز در ۸۰۰ سال به کمال رسیده است به دویست سال تا به ستاره پایه، به دویست سال تا به ماه پایه ، به دویست سال تا به خورشید پایه و به دویست سال تا به آسمان زبرین و دوهزارودویست سال و چهل و چهار کوه روی زمین از البرز جدا شده است [۱]. همچنین در این کتاب علاوه بر البرز از کوه دیگری یاد شده است به نام (اپارسن[۲]) که بعد از البرز بزرگترین کوه بوده است که آغازش از سکستان و انجامش در خوزستان است که هری رود از آن جاری است و هلمند که در سکستان است از این کوه سرچشمه می گیرد و همچنین مرو رود از این کوه سرچشمه می گیردو بلخ رود نیز از این کوه سرچشمه گرفته به بامیام وارد می شود.احتمالا این کوه قسمت غربی کوه هندوکش یا همان کوه بابا در کشور کنونی افغانستان است که ۵۴۰۰ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.[۳]

www.tabarestan.info تبرستان

فصل دهم: درباره‌ی چگونگی دریاها و ویژگیهای آنها می‌باشد در این فصل اشاره ای به دریای خزر و شکل گیری آن و حوضه های آبریز شکل دهنده و رودهایی که در آن جریان داشته و آب این حوضه آبریز را تأمین نموده اند مطالبی بیان شده است .برخی از قسمت های این دریا به نام دریای فراخکرد نامیده می شده است.

فصل یازدهم: به بیان رودهای جاری می‌پردازد در این کتاب از چند رودخانه جاری از جمله فرات، هرمند، فرهمند و کرت رود سخن گفته شده است. همچنین .فصل دوازدهم: پیرامون ورها (دریاچه ها)، پیدایش و نامها آنها می‌پردازد که در این زمینه به دریاچه ارومیه یا چیچست[۴] در آذربایجان اشاره می کند که به دلیل شوری هیچ موجودی در آن زیست نمی کند، دریاچه فرزادان در سیستان،دریاچه زرامند در همدان[۵] نیز از دریاچه هایی است که در بند هشن از آن نام برده شده اما در حال حاضر اثری از آن موجود نیست.

در خصوص دریاچه چیچست که در بیشتر متون فارسی آن را معادل دریاچه ارومیه

۱- دوستخواه،جلیل، اوستا کهن ترین سرودها و متنهای ایرانی، ص۹۲٤

۲-Aparsen

۳- همان منبع ، ص۹۲۸

٤- *Chichest*

۵- بهار،مهرداد،بندهشن فرنبغ دادگی، ص۷۳-۷۱

امروزی می دانند مطالب گسترده ای نوشته شده است.

فصل سیزدهم: درباره‌ی چگونگی جانوران است.فصل چهاردهم: در این فصل از مردم و چگونگی آنان سخن به میان رفته است. فصل پانزدهم: به مسئله‌ی تولید مثل انسانها و حیوانها می‌پردازد.فصل شانزدهم: به گیاهان و نحوه‌ی تولید مثل آنها ربط دارد.فصل بیست و یکم: درباره‌ی باد، ابر و باران است در این فصل به نبرد تیشتر علیه دیو اُپوش و همچنین نبرد آتش وازیشت- آتش موجود در آسمان- با دیو اسپنجروش اشاره شده است. در پایان به زمین لرزه ها و پراکندگی آنها و دلیل شکل گیری آنها می‌پردازد. البته بیان دلایل وقوع زمین لرزه ها در این کتاب بنیه علمی چندانی ندارد بلکه بر اساس اعتقادات و باورهای دین زردشت بیان شده است. فصل بیست و سوم: درباره‌ی گرگ که یکی از مخلوقات اهریمن است می‌پردازد. فصل بیست و پنجم: درباره‌ی سال و ماه ها و روزها است. فصل بیست و هشتم: به این می‌پردازد که گیتی، ساختمانی همانند بدن انسان دارد و برای اجزای طبیعت نیز می‌توان نظیرهایی در میان اندام انسان یافت.

www.tabarestan.info تبرستان

فصل سی ویکم: این فصل بیشتر جغرافیای انسانی ایران باستان را مورد بررسی قرار می دهد و موضوع اصلی آن پیرامون شهرهای مهّمی است که در ایرانشهر(کشور ایران) وجود داشته است.

فصل سی وسوم: این فصل بیشتر جغرافیای تاریخی ایران را مورد بررسی قرار داده و به هزاره‌هایی که تاریخ ایران در آن شکل گرفته اشاره کرده و به آسیب‌هایی که در هر کدام از آنها روی داده یا خواهد داد، می‌پردازد.

فصل سی و ششم: این فصل دارای مضامین جغرافیای ریاضی بوده و درباره‌ی تقسیم زمان به دوازده هزار سال است وبا دوازده علامت مطالبی بیان نموده منطقةالبروج را به شیوه ای علمی مورد بررسی قرار می دهد.

در بخش ۲۹،بند ۱۱ این کتاب با اوضاع هیدرولوژی ایران باستان آشنا می شویم که در آن از دشت و دریاچه ای یاد شده به نام پیشینگه که بیشتر رویداد های مهم زندگی گرشاسب پهلوان افسانه ای ایرانیان در آنجا اتفاق افتاده است.در این کتاب در مورد این دشت یا دریاچه

آمده است، دشت پیشانسه به کابلستان است. گفته شده است که آشکارترین بلندی است به کابلستان، آنجا دشت کابلستان است از آن بلندتر، بالایی نیست.

امروزه این دشت پیشین نامیده می شود کهبیش از ۵۰ کیلومتر پهنا و هشتاد کیلومتر درازا دارد و دارای چراگاههای مرغوب می باشد. مردم آنجا به پرورش گوسفند مشغول بوده ،گله ها و رمه های فراوان دارند. قسمتی از رود لورا که از طرف جنوب غربی آن می گذرد، به اسم این دشت نامیده شده است . بنابرافسانه های ایرانی گرشاسب در همین دشت (پیشنگه) به خوابی که بوشاسپ دیو بر او چیره ساخته، فرو رفته اما نمرده است. و زندگی او بدین طریق است.که چون در هزاره هوشیدرماه (اژدهاک) ازدماوندزنجیر بگسلد و جهان را به آشوب و تباهی کشد. او از خوابیدار شود و به گرز خویش آن پتیاره اهریمنی را فروکوبد و بکوشد.[۱]

در بخش ۱۲ از بند ۲۷ این کتاب با قسمتی از جغرافیای زیستی ایران باستان آشنا می شویم در این بند کوهی مورد توصیف قرار گرفته با نام روذیت که دارای پوشش گیاهی و زندگی جانوری خاصی بوده و جنگل های انبوه و گلهای زیبا بیشتر آن را فرا گرفته اند و چشمه های پر آبی که جانوران گوناگون جلوه خاصی به آن داده اند. در بخش ۱۲ بند ۲ و ۲۳ این کتاب از کوهی به نام((سپنتودات)) یاد شده که در آن دژ مستحکمی قرار داشته و در نزدیکی ریوند در سبزوار کنونی می باشد [۲] این کوه امروزه با نام کوههای جغتای مشهور می باشد، که عمدتاً سازند های آن آذرین بوده و به دلیل دریافت بارش مناسب نقش مهمی در تأمین آب آشامیدنی شهر سبزوار و دشت جوین دارد، در دامنه های شمالی این کوه که مشرف به دشت جوین است چندین دره پر آب شکل گرفته که آب ناشی از ذوب برف این کوه ها را به دشت جوین هدایت می نماید.[۳]

در بخش ۲۹ بند ۱۰ این کتاب ازدریای وسیع و گسترده ای یاد می شود به نام کرت که در سراسر اوستا از آن یاد شده است. در برخی از منابع آن را به دریای خزر نسبت می دهند[٤] و در

۱- دوستخواه،جلیل، اوستا کهن ترین سرودها و متنهای ایرانی، ص۹٦۱

۲- همان منبع، ص۹۹۳

۳- مقامی مقیم،غلامرضا،جغرافیای استان خراسان شمالی،ص۷۰

٤-پورداود، ابراهیم،فرهنگ ایران باستان، ۱۳۲٦ص ۳٤

www.tabarestan.info تبرستان

در برخی از منابع آن را معادل اقیانوس هند کنونی می دانند[۱]. با توجه به نزدیکی دریای عمـان به منطقه سیستان و اهمیّت آن نسبت به دیگر مناطق ایران و باز بودن مسیر دریانوردی احتمال اینکه این دریا، دریای عمان یا اقیانوس هند باشد بیشتر است.[۲]

در بخش ۱۲ بندهای ۲۹ و ۳۶ این کتاب از کوهی به نام اسپروچ یاد شده که یونانیان آن را زاگرس کنونی نامیده اند.[۳]

۶-۱-۱-۸-۱. دینکرد

تبرستان www.tabarestan.info



شکل ۳- ۱- بررسی دینکردششم مهشید میرفخرایی[۴] و کتاب پنجم دینکرد احمد تفضلی

دینکرد به معنی اعمال دین است . کتاب دینکرد کتابی است دینی که وظایف ، ارزش ها و باید و نباید های شهروندان ایرانی را در قبال دین رزدشت بیان می کند اما در بخش‌هایی از آن

۱- بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران،پاره نخست، ص ۱۰۳-۱۰۶

۲- مقامی مقیم، غلامرضا، مشاهیر جغرافیای ایران از هزاره اول قبل از میلاد تا سال ۱۳۹۰ هجری شمسی، ص۲۷

۲- همان منبع مقیم، ص۳۲-۳۳

۳- دوستخواه،جلیل، اوستا کهن ترین سرودها و متنهای ایرانی، ص۱۰۳۷

۴-میرفخرایی، مهشید، بررسی دینکرد ششم،

اطلاعاتی جغرافیای با ارزشی در مورد ایران باستان به خصوص برخی از شهرها،کشور ها و سرزمین‌های مجاورآن به چشم می خورد. این کتاب در ۹ جلد تألیف شده که هر جلد آن موضوع خاصی را مورد مطالعه قرار می‌دهد.مؤلّف آن مشخص نیست و مؤلّفان ناشناسی در تألیف آن دخالت داشته و در هر دوره تاریخی مطالبی برآن افزوده اند. از بین مؤلفان آن فقط در مورد دو نفر اطلاعاتی در دست است که این دو نفر بعد از اسلام اطلاعات خود را بر این کتاب افزوده اند. این دو نفر عبارتند از: آذرباد ایمیدان «آذرباد پسر امید»، که در قرن چهارم هجری می‌زیسته و در سال ۳۲۵ هجری قمری درگذشته است[۱] و آذرباد پسر مهرسفند، پسر اشوهشت. ایشان نیز در قرن سوم و چهارم هجری قمری اطلاعات خود را بر این کتاب اضافه و اسم خود را به آن افزوده است. اما در مورد مؤلفان قبل از اسلام آن اطلاعی در دست نیست.کتاب دینکرد نسبت به کتاب های دیگر دوره باستان آسیب کمتری دید که بیشتر محققان دلیل این امر مضامینآن می دانند.

www.tabarestan.info تبرستان

[۲] دربین ۹ جلد این کتاب، جلد پنجم بیشترین اطلاعات جغرافیایی را در بر گرفته و می توان آن را یک کتاب جغرافیایی کامل در نظر گرفت، در این جلد دینکرد مطالبی در مورد حدود سرزمین، موقعّیت، دریا ها،رودخانه ها، اقیانوس ها،بیابان ها،کوهها، وسعت کشور ایران، شهرها، جانوران، گروه های انسانی، راه های تجاری ، مردم عربستان و همچنین پیشینه و نحوه همکاری آنان با دولت‌های ایرانی مطالبی بیان شده است.

همچنین در این جلد از کتاب دینکرد به تسلط حکومت‌های ایرانی بر شبه جزیره عربستان ، خراج گذار بودن آنان و پیروی کامل آنها از دستورات شاهان ایرانی اشاره شده است

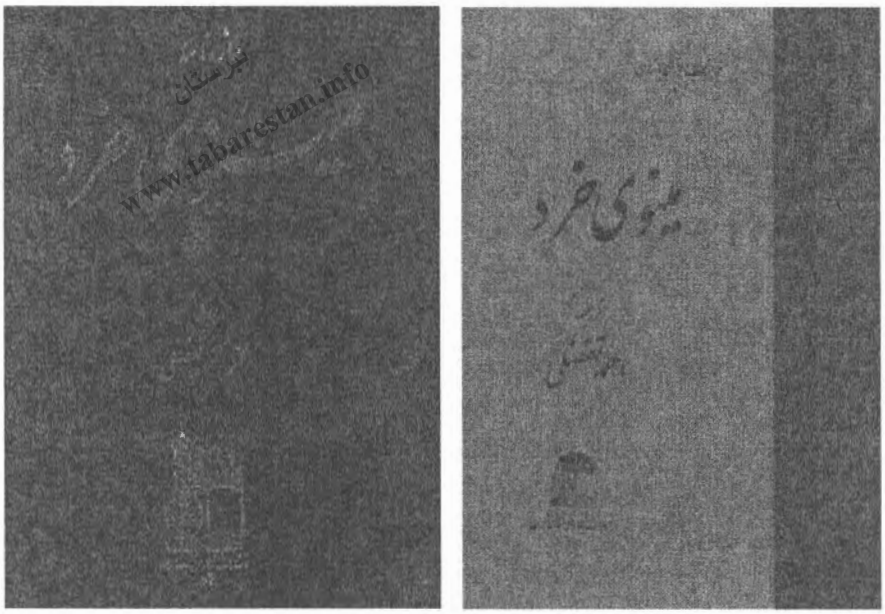
۷-۱-۱-۸-۱. مینوی خرد

این کتاب یکی از مهمترین متون دینی و ادبی دوره ساسانی است، که برخی از قسمت های آن موضوعات جغرافیای طبیعی و انسانی ایران باستان را دربر می گیرد به گونه‌ای که ، در بند ۴۳ آن در مورد کرویت زمین آمده ، «زمین شکلی کروی دارد که آسمان ، زمین ، آب

۱- تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۱۳۱.

۲- افتخارزاده، محمودرضا ، تحریر اوستایی تاریخ ایران باستان ایران آیین و فرهنگ، ص۶۶-۶۷

و هر چیزی که در درون آن قرار دارد به شکل تخم مرغ است و آسمان زیر زمین مانند تخم مرغ که به دستکاری آفریدگار اهورامزدا منظم شده است و شباهت زمین در میان آسمان مانند زرده است میان تخم مرغ و آب در میان زمین و آسمان همچون آب در تخم مرغ است».[۱]



۴-۱-مینوی خرد ترجمه دکتر احمد تفضلی

علاوه بر این در قسمتی دیگر از این کتاب مؤلف به جغرافیای انسانی پرداخته و مردم را بر اساس شغل و حرفه ای که دارند طبقه بندی نموده و ضمن بیان ویژگی‌های مثبت هر طبقه، عیب آنها را نیز متذکر شده است. به عنوان مثال در بیان ویژگی‌های طبقاتی مختلف شهر با طبقه پیشه وران به‌صورتی خصمانه برخورد کرده و عیب هایی چون محافظه کاری، ترسویی، خیال پردازی و دروغگویی را به آنها نسبت داده است. عیب کشاورزان را نادانی، بی خردی، رشگ،تعصب بیش از حد، خودخواهی، بدخواهی دیگران، و کینه توزی آنها نسبت به یکدیگر دانسته و عیب صنعتگران را ناباروری، ناسپاسی در برابر اهورامزدا، ومخالفت‌های

۱- مینوی خرد، تفضلی، احمد، بند۴۳، ص۵۷-۵۸

ضمنی با حاکمان شهر، داوری نابجا در مورد مردم، ترشرویی و ناسزاگویی نسبت به مردم دانسته است.[۱]

مطالب برخی از قسمت های این کتاب به صورت پرسش و پاسخ بیان شده که پرسش های ۷ این کتاب در مورد راز و ترتیب زمان آفرینش سیاره زمین وهفت سیاره تشکیل دهنده منظومه شمسی بوده و اگر بر اساس فلسفه جغرافیا به آن نگریسته شود پرسش های این فصل در ردیف جغرافیای ریاضی امروزی قرار خواهد گرفت.، پرسش ۸ این کتاب در مورد انواع مهاجرت ها و جابجایی اقوام ایران باستان در سرزمین های مختلف است که می توان آن را جغرافیای جمعیت نامید پرسش ۱۱ در مورد برج های دوازده گانه تقویم ایرانی، پرسش۲۰ در مورد پیدایش و پایان جهان که در این پرسش چگونگی شکل گیری جهان بر اساس عقاید ایرانیان باستان مورد بررسی قرار گرفته و پایان جهان هستی نیز از دید و نظر آنها پیش بینی شده است. پرسش۴۸ در مورد خورشید، ماه و ستارگان شناخته شده در ایران باستان را در بر می گیرد. در بین پرسش های مطرح شده در این کتاب پرسش ۴۸ بیشترین مضامین جغرافیایی ایران باستان را در بر می گیرد.همچنین پرسش۱۵بند۱۰ این کتاب به آفرینش زمین اختصاص داده شده و بیان شده است که زمین از هفت اقلیم یاسرزمین شکل گرفته است، به نام های ارزه، در طرف شرق کره زمین ، سوه در مغرب، فردوفش و ویددفش در جنوب و وروبرش و وورو‌جرش در شمال و اقلیم میانی که خنیره نامیده می شده است.

در بین متون ایرانی و غیر ایرانی باقی مانده از دوره باستان در کتاب مینوی خرد برای اولین بار به شکل زمین وشباهت آن به تخم مرغ اشاره شده است.به عبارتی اولین کتابی که در مورد کرویت زمین سخن به میان آورده همین کتاب می باشد همچنین بر اساس مطالعات انجام شده قدیمی ترین تقسیم بندی از سیاره زمین هم در این کتاب ارائه شده است.مطالعه کتاب های دینی ایران باستان نشان داد که در تمامی این متون مضامین جغرافیایی به چشم

www.tabarestan.info تبرستان

۱- مینوی خرد، تفضلی، احمد بند ۴۳.

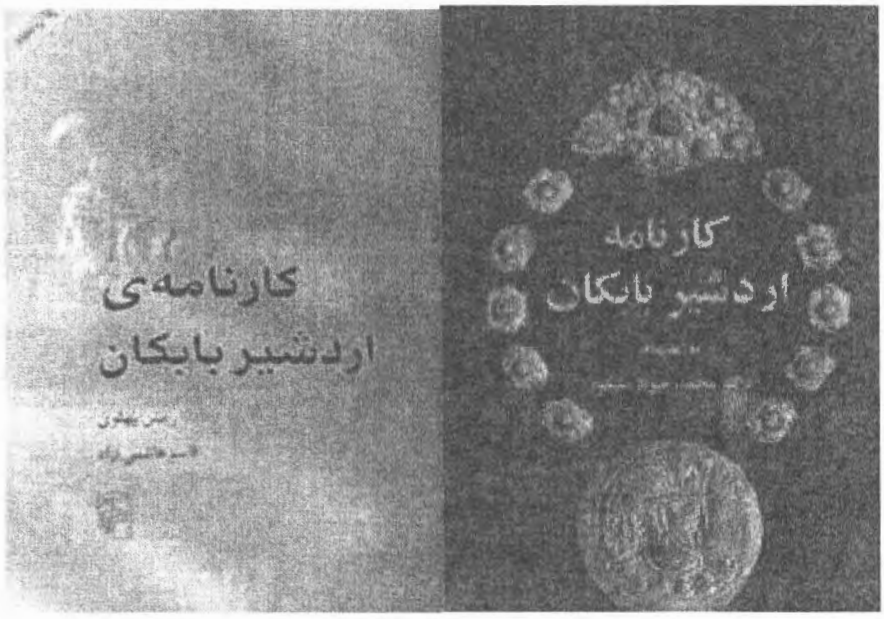
می خورد، امّا برخی از آنها با جغرافیای امروزی شباهت بیشتری دارند در بین کتاب های دینی ایران باستان مطالب جغرافیایی کتاب دینکرد بیشتر از کتاب های دیگر به جغرافیای امروزی شباهت دارد زیرا در قسمت های مختلف آن ضمن بیان ویژگی های طبیعی از مسایل جغرافیای انسانی ایران باستان غافل نمانده به عبارتی به روابط متقابل انسان و محیط توجه شده و همین امتیاز می تواند این کتاب را در ردیف جغرافیای ایران باستان قرار دهد.

تبرستان www.tabarestan.info

۲-۱-۸-۱. کتاب‌های غیر دینی

با تمامی مشکلات و حوادث تلخی که در تاریخ ایران روی داده و منجر به نابودی آثار مکتوب علمی شده است. برخی از کتابها و دستنوشته‌های تاریخی از دوره ایران باستان به جای مانده که از نظر علمی مخصوصاً علم جغرافیا اهمیت دارند که مهمترین آنها عبارتند از:

۱-۲-۱-۸-۱.کارنامه اردشیر بابکان



شکل۵- ۱- کارنامه اردشیر بابکان ترجمه محمدجواد مشکور و قاسم هاشمی نژاد

این تألیف یکی از آثار مهّم و منحصر به فرد ، در باب سرزمین‌های فارسی در ایران باستان و زندگی اردشیر بابکان پادشاه معروف ایران زمین است. در این نوشته در ابتدا به معرفی حدود و سرحداد کشور ایران در دوره باستان ، کشورهای همسایه ایران، شهرهای مهّم و برخی از مشخصات و پدیده‌های طبیعی آن پرداخته و با حالت توصیفی آنها را معرفی نموده و بخش دیگر آن به زندگی اردشیر بابکان از ابتدای تولد تا هنگام مرگ می‌پردازد. در این کتاب زندگی این پادشاه ایرانی در سه دوره زمانی یعنی دوره تولد تا زمان حکومت، دوره حکومت و نحوه به حکومت رسیدن او، زمان ، نحوه درگذشت و محل دفن وی مورد بررسی قرار گرفته وبه نظر می‌رسد که تدوین آن در اواخر عصر ساسانی به پایان رسیده باشد. دربسیاری از منابع مؤلف این کتاب مشخص نیست.[1] ولی در برخی از منابع مولف آن را شخصی به نام رستم فرزند مهربان می دانند.[2]نسخه متن پهلوی کارنامه اردشیر بابکان از جمله منابع مربوط به تاریخ شهرهای ایران در دوره باستان است و اهمیت زیادی در جغرافیای باستا دارد.. این کتاب پس از حمله اعراب توسط موبدان زردشتی به هندوستان منتقل شد و مدّت ها در دربار پادشاهان آن دیار مورد توجه قرار گرفت و از ناسازگاری های علمی جان سالم به در برد . این کتاب بارها از سوی بسیاری از محقّقان پارسی مورد توّجه بود به نظر می رسد اولین بار فردوسی حماسه سرای بزرگ ایران در شاهنامه از آن یاد نموده و در آغاز تاریخ اشکانیان به آن استناد نموده است اما نخستین ترجمه این کتاب به فارسی ترجمه ای است که در سال ۱۸۹۹ به دست خدایار دستور شهریار ایرانی در هندوستان انجام گرفت. علاوه بر این احمد کسروی در سال ۱۳٤۲ ، صادق هدایت در سال ۱۳۱۸،محمدجواد مشکور در سال ۱۳۲۹،بهرام فرهوشی در سال ۱۳٥٤ و قاسم هاشمی نژاد در سال ۱۳٦۹ از این کتاب داشته اند.[3] همچنین این کتاب در سال ۱۸۷۸ میلادی توسط مستشرق آلمانی پروفسور نلدکه[4] به

www.tabarestan.info تبرستان

۱- جعفری دهقی، محمود، بازشناسی منابع و ماخذ تاریخ ایران باستان از ورود آریایی ها تا سقوط امپراتوری ساسانی، ص ۲۳٤.

۲- ن.پیگولوسکایا، شهرهای ایران در روزگاران پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت الله رضا، ص ۱٦۳..

۳- هاشمی نژاد، قاسم، کارنامه ی اردشیر بابکان ، ص۹.

٤-Noldke

آلمانی ترجمه شده است.[۱]

در تمامی این ترجمه ها از این کتاب به عنوان یک کتاب رمان ادبی ، متون تاریخی ، افسانه و زندگینامه یاد می کنند اما با دقّت در متن این کتاب می توان مسایل جغرافیایی قابل توجّهی در آن پیدا نمود و بخش هایی از آن را به علم جغرافیا پیوند داد در قسمتی از این نوشته تاریخی به یکی از بنادر خلیج فارس به نام بند بخت اردشیر یا بندر بوشهر اشاره شده است که نشان دهنده اهمیّت خلیج فارس برای شاهان آغازین ساسانی است.[۲]

در این کتاب از سه پادشاه ساسانی اردشیر، شاپور اوّل و هرمز اوّل به نیکی سخن گفته و آنها را پادشاهان لایق برای سرزمین ایران دانسته است . چنین به نظر می رسد که تدوین کتاب در روزگار هرمز اول به انجام رسیده باشد. در این کتاب مطالب مهّمی در مورد سرزمین و مردم منطقه آذربایجان ، کوههای البرزو مرتفع ترین قلّه آن یعنی دماوند و شهر های این مناطق و استان های کرمانشاه ، همدان ، اصفهان،دریاچه نمک و محدوده آن در استان قم کنونی ، دشت کویر ، تقویم ایرانیان باستان به خصوص تقویم یزدگردی ، هفت اختر و ستاره ای نورانی که احتمال می رود همان ستاره قطبی باشد به چشم می خورد[۳]

www.tabarestan.info تبرستان

این کتاب در آغاز به ایرانشهر اشاره می کند منظور از ایرانشهر همان کشور ایران است که در دوره باستان شهربه معنای کشور امروزی بود. و آن را به دویست و چهل ایالت یا سرزمین تقسیم نموده که در هر یک از آنها یکی از پادشاهان ساسانی حکمرانی می نموده است. که در این بین ایالت های سپاهان، پارس و استخر قابل توّجه بوده و اهمّیت زیادی در اقتصاد،سیاست و علم ایران داشته اند[٤]

مطلب قابل توّجه در این کتاب اصطلاحات جغرافیای ریاضی می باشد که در قسمت های مختلف آن و در غالب داستان ذکر شده که تفاوت زیادی با مطالب مقدماتی نجوم امروزی

۱- بیات، عزیزالله، کلیات تاریخ ایران از آغاز تا مشروطیت، ص ۷۱ .

۲- دریایی، تورج ، شاهنشایی ساسانی، ص ۱۰۲ ،

۳- هاشمی نژاد ، قاسم، کارنامه ی اردشیر بابکان ، ص ۸۰-۷۰.

٤-همان منبع ،ص ۸۰-۳۱

ندارد. اصطلاحاتی چون هفت اختر(اشاره به هفت سیاره منظومه شمسی) برج های دوازدگانه بر اساس تقویم یزدگردی ، دب اکبر و دب اصغر، ستاره قطبی و جام جهان نما که برگرفته از همان اصطرلاب می باشد . همچنین در این کتاب اشاره ای به جغرافیای زیستی شده و برخی از قسمت های ایران از نظر پوشش گیاهی و زندگی جانوری مورد مطالعه قرار گرفته از جمله از یک نوع میش کوهی به نام عزم یاد شده است. ازنظر هیدرولوژی نیز در این کتاب از،رودی بزرگ و پر آب به نام برازک یاد می کند که اسکندر از آن برای نابودی شهرهای مسیر آن استفاده نموده است. همچنین در قسمتی از این کتاب اشاره ای به منطقه اروستان نموده و محدوده آن را جنوب خلیج فارس امروزی ذکر کرده است

www.tabarestan.info تبرستان

۲-۲-۱-۸-۱. نامه تنسر



شکل۶-۱- نامه تنسر ترجمه مجتبی مینوی

این کتاب اطلاعات محدودی از تاریخ ایران باستان را شامل می شود و مشتمل بر مسایل و مباحث تاریخی است که بین تنسر که بزرگترین موبد در زمان اردشیر اول و گشنسب شاه پادشاه خود سر طبرستان که علیه دولت مرکزی ایران قیام نموده و مشکلاتی برای حکومت مرکزی و دین زردشت بوجود آورده بود به وسیله نامه رد و بدل می شده است. این نامه بوسیله ابن مقفع از متن پهلوی به عربی ترجمه شده است.[1] نامه تنسر از جمله آگاهی‌های ارزنده‌ای است که در قرن ششم و هفتم میلادی نوشته شده است، از متون تنسر، می‌توان چنین نتیجه گرفت که این نامه در زمان اردشیر نوشته شده باشد، زیرا در این کتاب ستایش‌های زیادی از اردشیر به عمل آمده و اقدامات مثبت او در کشور ایران درشت نمایی شده است. قسمتی از متن این نامه مربوط به ویژگی‌های نظام حکومتی ایران باستان می‌باشد که مشخصات این نوع حکومت بطور کامل بیان شده است و با خواندن آن می توان دقیقاً به نوع حکومت آن زمان پی برد. همچنین در این کتاب به ارتباط بین پادشاهان ساسانی و موبدان زردشتی توجه شده است و ارتباط نزدیک سیاسیون و مذهبیون در ایران باستان مشخص شده است. و نشان از این دارد که در دوره باستان نیز مردم ایران روحیه دینداری بالایی داشته اند. مطلب مهم در این کتاب که بی ارتباط با علم جغرافیا نیست، بررسی نظام‌های اقتصادی و اجتماعی حاکم بر آن زمان می‌باشد که از سوی نویسنده نامه تنسر مورد توجه قرار گرفته است.[2] از مطالب دیگری که در این کتاب می‌تواند با مسایل جغرافیایی مرتبط باشد، تقسیم مردم ایران به طبقات اجتماعی مختلف است. در این نوشته ابتدا به معرفی انواع طبقات اجتماعی ساکن در کشور ایران پرداخته و مردم ایران را به طبقات اجتماعی مختلفی تقسیم نموده و به اختصار ویژگی‌های هر طبقه را بیان نموده است که می‌توان از آن مطالبی در مورد جغرافیایی انسانی و اجتماعی ایران باستان استنباط نمود. همچنین در این کتاب مطالبی در مورد موقعیت، ویژگی‌ها و تعداد آتشکده‌ها و پرستشگاه‌های کشور ایران در آن دوره مطالبی

www.tabarestan.info تبرستان

۱- بیات، عزیزالله ، کلیات تاریخ ایران از آغاز تا مشروطیت، ص۷۴

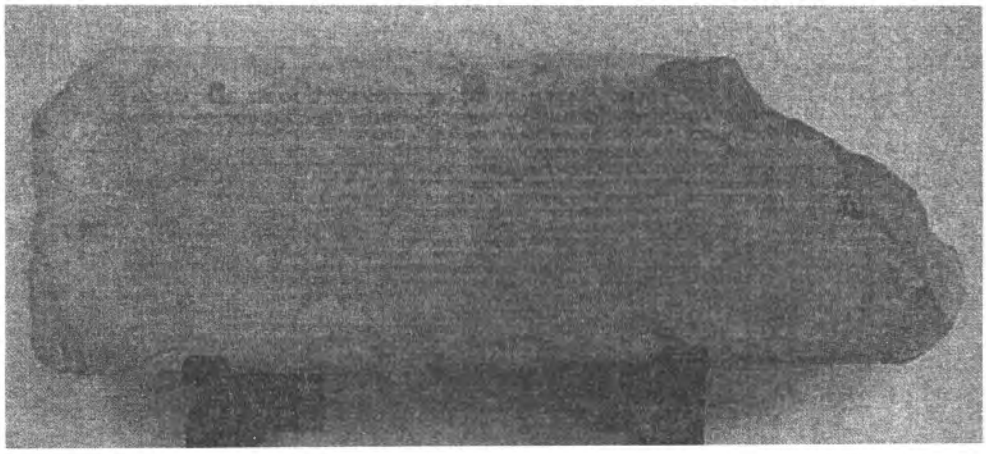
۲- مینوی، مجتبی، نامه تنسر

نوشته شده و به معرفی مهمترین و مقدس‌ترین این اماکن پرداخته است. محققان مختلف که نامه تنسر واردشیر بابکان را مطالعه و بررسی نموده اند این دو نامه را بسیار شبیه به هم معرفی کرده اند و حتی برخی از منابع بر این باورند که هردو نامه احتمالاً توسط یک نفر نوشته شده باشد. از جمله وجوه تشابه بین این دو نامه، می‌توان به مواردی چون ستایش و تمجید اردشیر ، که در هردو نامه نویسندگان به تمجید از اردشیر پرداخته‌اند و همچنین هر دو نامه به اینکه شهر استخر در ساتراپ فارس بزرگترین و مهمترین شهر مرکز سیاسی و اداری ساسانیان اشاره کرده اند. [۱] این مطلب نشان از عظمت شهر اسطخر در طول تاریخ ایران باستان بوده است. همچنین در بخشی از این کتاب به اقدامات تخریبی اسکندر در ایران از جمله سوزاندن کتاب های ایرانی توسط اسکندر اشاره نموده چنین می نویسد:

www.tabarestan.info تبرستان

می دانی که اسکندر کتاب دین ما دوازده هزار پوست (گاو) بسوخت به اسطخر، سیکی از آن در دلها مانده بود.[۲]

۳-۲-۱-۸-۱.نامه اردوان سوم به اهالی شوش



شکل۷-۱- نامه اردوان سوم به مردم شوش

۱- ن.پیگولوسکایا، شهرهای ایران در روزگاران پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت الله رضا،ص ۱۷۰-۱٦٦.

۲- مینوی، مجتبی، نامه تنسر به گشنسب، ص ٥٦ .

این نامه روی سنگی از نوع مرمر خاکستری رنگ به دو زبان ایرانی و یونانی حکاکی شده است و اکنون در موزه لوور پاریس نگهداری می‌شود. این سنگ نوشته، حاوی نامه اردوان سوم، پادشاه پارتیان در سال‌های ۲۱-۲۲ میلادی می باشد که به اهالی شوش نوشته است. این نامه به دو نفر از شخصیت‌های برجسته شوش به نام آنتیوخوس و فرهاد که از بزرگان و مسئولان شهر شوش می‌باشند، نوشته شده است. متن این نامه به زبان یونانی نوشته و نشان از این دارد که حاکمان ایرانی علاوه بر زبان پهلوی به زبان یونانی نیز تسلط داشته‌اند و در مکاتبات اداری خود از آن استفاده می‌نموده اند علاوه براین دو مسئول شهر، مردم عادی شهر شوش نیز مورد خطاب قرار گرفته اند. در تحققیاتی که در مورد این سنگ نوشته به عمل آمده است، می‌توان به مسایل جغرافیایی چون نحوه اداره شهرها ، انتخاب حاکمان و مسئولان اداره کننده شهرهاو رابطه حاکمان با مردم ایران باستان پی برد. بدون شک مسایل مطرح شده در این سنگنوشته بی ارتباط با جغرافیایی شهری و سیاسی نیست.[1] همچنین با مطالعه و دقت در این اثر با ارزش، می‌توان به مطالب مهمی در مورد نحوه انتخاب مسئولان شهر ، شرایط انتخاب آنها و موقعیت اقتصادی و اجتماعی مردم شهرهای آن زمان پی برد. همچنین در این نامه اشاره‌ای به خرید و فروش زمین‌های شوش نموده و بیان می‌نماید که در جریان ورشکستگی خانواده‌های اشراف و بزرگان شهر شوش و تزلزل مبانی قبیله‌ای و دارایی آن، اهالی شهر املاک بزرگان را خریداری نمایند و آنها را از ورشکستگی نجات دهند.[2] این مطلب نشان دهنده اقتصاد تا حدودی غیر دولتی و نظام متکی بر عقاید مردم و عدم تحمیل نظرات حاکمان بر عقاید مردم عامی در حکومت‌های ایران باستان می باشد.

www.tabarestan.info تبرستان

٤-٢-١-٨-١. شهرستان‌های ایران

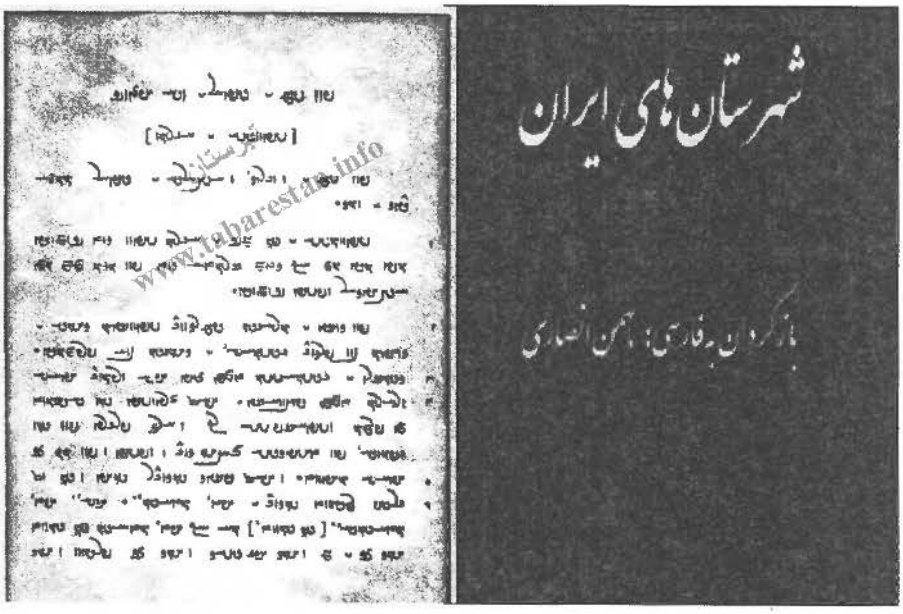
این اثر تنها رساله، به زبان پهلوی است که به طور مستقیم به مسایل جغرافیای ایران باستان در عصر ساسانیان پرداخته و می توان آن را کهن ترین متن جغرافیای تاریخی ایران نامید. این

۱- ن.پیگولوسکایا ، شهرهای ایران در روزگاران پارتیان و ساسانیان، ص ۱۲۷-۱۲۸.

۲- همان منبع ، ص۳۷۹.

کتاب پس از ترجمه به فارسی امروزی به نام شهرهای ایران معروف شد.[۱]

هر چند موضوع اصلی کتاب مربوط به شهرهای ایران است اما در برخی از قسمت های آن سایر مسایل جغرافیایی نظیر محدوده قلمرو ایران، شرایط آب وهوایی، رودخانه ها مخصوصاً رودخانه های شرقی ایران و مخاطراتی که این کشور را تهدید می نمایند مشاهده می شود.



شکل ۸-۱- شهرستان های ایران ترجمه بهمن انصاری

در این کتاب از حدود یکصد و ده شهرستان یا شهر ایران باستان یاد شده که به دست شاهان ساسانی ساخته شده اند.[۲]

تدوین نهایی این کتاب به اواخر دوره ساسانی بر می‌گردد.[۳] این رساله چند صفحه‌ای، به زبان پهلوی نوشته شده و مانند بسیاری از متون قبل از اسلام مولف خاصی نداشته و در هر دوره ای شخص خاصی که عمدتاً از مبلغان زردشتی یا از دودمان ساسانی بوده مطلبی برآن

۱- خدادایان، اردشیر، کهن ترین متن جغرافیای تاریخی ایران باستان، مجله رشد آموزش جغرافیا

۲- ریپکا، یان، تاریخ ادبیات ایران، نوشته ترجمه عیسی شهابی ، ص ۸۴-۵۸

۳- جعفری دهقی، بازشناسی منابع و ماخذ تاریخ ایران باستان از ورود آریایی ها تا سقوط امپراتوری ساسانی، ص۲۳۶

افزوده علاوه بر اینکه این کتاب مؤلف خاصی ندارد زمان معینی را نیز نمی توان بـرای اتمـام آن در نظر گرفت بنابراین در طول تاریخ ایران به تدریج مطالبی به آن افزوده شده است.

بر اساس بررسی‌های انجام شده روی این رساله به احتمـال زیـاد بـه دلیـل اینکـه در آن دوران هر یک از این شهر ها مراکز و پایگاه سیاسی ، ارکان اقتصادی ، مراکز نظامی و فرهنگی ایران باستان محسوب می شده اند و اداره آنها نیاز به اطلاعات اساسـی در ایـن مـوارد داشـته است. این رساله حاوی مطالبی بوده که در دوره ساسانیان، مقامات دولتی برای شناسایی و اداره بهتر شهرهای تحت حکومت خود تهیه نموده و و به صورت کتابچه راهنما در اختیار مقامـات کشوری قرار می دادند و یکی از دلایل باقی ماندن آن از حوادث مختلف احتمالاً تعـداد زیـاد نسخه های آن می باشد.[۱]

www.tabarestan.info تبرستان

پس از ظهور و شکل گیری تمدن اسلامی برخی از متون مربوط بـه دوره ساسـانی کـه بـه دست مسلمانان افتاد به چاپ رسید کتاب شهرستان های ایران یکی از این کتاب هـا بـود کـه احتمال می رود اعراب به خاطر آگاهی یافتن از قسمت های مختلف ایران و آشنایی با اصـول شهرسازی و معماری ایران باستان نسبت به چاپ و انتشار آن اقدام نمودند.[۲] بنابر پژوهش های ایران باستان احتمال می رود که این کتاب یک صدوبیست سال پس از فروپاشی دولت ساسانی یعنی در سال ۷۷۵ میلادی ویرایش و منتشر شده باشد.[۳]

به دلایل سیاسی، دینی، اجتماعی، فرهنگی و طبیعی کتاب ها دائماً در معرض آسـیب مـی باشند در شرایط یاد شده کتاب ها آسیب پذیرترین دستاورد های فرهنگی بشر محسـوب مـی شوند کتاب شهرهای ایران نیز مانند سایر کتاب ها در شرایط طبیعی و سیاسی مختلف آسیب دید بسیاری از نسخه های آن از بین رفته و نسخه های باقیمانده آن نیز آسیب فراوانی دیـد و برخی از قسمت ها و اشخاص آن به درستی مشخص و معین نیست به دلیل اهمیت این کتاب افراد زیادی نسبت به ترمیم و تصحیح قسمت های آسیب دیده آن اقدام نمـوده انـد از جملـه

۱- مقامی مقیم، غلامرضا، مشاهیر جغرافیای ایران از هزاره اول قبل از میلاد تا سال ۱۳۹۰ هجری شمسی، ص۳۲-۳۳

۲- همان منبع ، ص۳۲-۳۳

۳- خدادادیان، اردشیر ، کهن ترین متن جغرافیای تاریخی ایران باستان، مجله رشد آموزش جغرافیا شماره ۵ ، ص ۵۱ - ٤٦

آقای دکتر هنریک ساموئل نیبرگ[۱] خاورشناس و پهلوی دان سده بیستم میلادی در سال ۱۹٦٤ میلادی در کتابی به نام(Pahlavi of Manual A) خلاء های بوجود آمده در این کتاب را ناچیز دانسته صفحات آسیب دیده آن را مشخص نموده است.

در مقدّمه این کتاب چنین آمده است که شهرهای ایران در ادوار مختلف تاریخی شکل گرفته و تکامل یافته‌اند، بنابراین، در ردیف قدیمی‌ترین شهرهای جهان قرار می گیرند همچنین نام فرمانروایان مختلف که در دوره های تاریخی فرمانروای این شهرها بوده اند نیز در این کتاب دیده می شود. از بنیانگذاران شهرهای ایران باستان نیز در این کتاب یاد شده‌اند و قسمتی از کتاب به معرفی بنیانگذاران این شهرها اختصاص یافته است. همچنین از بنیانگذاران و سازندگان تأسیسات شهری مانند بناهای دولتی، پل ها، خیابان های شهر، مراکز تفریحی، منابع تامین آب مانند قناتها، چشمه ها، کانال ها ، سدها و نوع مصالح به کار رفته در ساختمانها و شهر یا کشور محلانتقال این مصالح نیز مطالبی نوشته شده است.[۲]

در این کتاب شهرهایی را که در روزگار باستان در ایران شهر(کشور ایران) شکل گرفته اند را بر اساس چهار جهت جغرافیایی و به تفکیک معرفی نموده است.

۱- شهرهای حاشیه خراسان(شرق ایران)

شهرهای این منطقه از ناحیه سمرقند شروع و به شادفرخ پایان می‌یابد، در این کتاب به شهر های شرقی ایران توجه ویژه‌ای شده است به عبارتی دیگر مؤلفان این اثر ارزشمند معرفی شهرهای ایران باستان را از شرق شروع نموده و دلیل این امر را دو مورد ذکر نموده اند. نخست اینکه این شهرها جزو اوّلین شهرها می‌باشند که آفتاب در آنها طلوع می‌نماید و دیگر اینکه این شهرها را نخستین خواستگاه زرتشت دانسته بر این باورند که آئین زردشت در این قسمت ایران ظهور نموده و سبب رشد و تعالی مردم ایران شده است به همین دلیل برای این شهرها اهمیت خاصی قائل شده است.[۳]

مؤلفان شهرهای این قسمت از ایران و بنیان گذران آنها را چنین معرفی نموده اند

۱-Henrik Samuel Nyberg

۲- کیانی، محمد یوسف ، شهرستان‌های ایران در شهرهای ایران، جلد۲

۳- مقامی مقیم، غلامرضا، مشاهیر جغرافیای ایران از هزاره اول قبل از میلاد تا سال ۱۳۹۱ هجری شمسی ص۳۲-۳۳

www.tabarestan.info تبرستان

شهر سمرقند توسط کاووس پورکاد(کیکاوس پسر کیقباد) پی گذاری شد و توسط سیاوش پورکاووس ساخت آن به اتمام رسید.پس از سا خته شدن این شهر کیخسرو و بهرام در این شهر حاکم شده گشتاسپ شاه نیز نقش مهمی در گسترش دین زردتشت در این شهر ایفا نموده است. اسکندر آن را تصرف نموده پس از ویرانی این شهر کتاب دینکرد یکی از کتاب های دینی زردشت را در این شهر سوزاند و خاکستر آن را به دریا ریخت. همچنین در این کتاب از فرمانرویان این شهر به نام خدایان یاد نموده و آنها را با نام های جم، ضحاک، فریدون، منوچهر، کاووس، کیخسرو، لهراسب و گشتاسپ معرفی نموده است در قسمتی دیگر از این کتاب در ناحیه شرق ایران به شهری به نام نوازک اشاره شده که در منطقه بلخ و توسط اسفدیارپورگشتاسپ بنا شده است و پس از بنای آن به شاهان مجاور پیام داده که به فکر براندازی آن نباشند

www.tabarestan.info تبرستان

در این کتاب همچنین به ساخت شهر خوارزم توسط نرسی یهودی[1] تبار، شهر مرورود توسط بهرام، شهر پوشنگ توسط شاپور اردشیر، شهر توس توسط توس پورنوذر، شهر نیشابور توسط شاپور، شهر قاین توسط کی لهراسب ، شهر قومس(کومش) توسط ضحاک و شهر گرگان توسط نری اشکانی.[2] اشاره شده است.

۲- شهر های باختر(غرب)

پس از معرفی شهرهای شرقی ایران مؤلف به معرفی شهرهای ناحیه غرب ایرانشهر می‌پردازد ودر غرب ایران از شهرهایی که میان تیسفون تا مداین شکل گرفته اند از جمله شهرهای کنگاور، کرمانشاه و هگمتانه یاد می‌کند.[3]

در مورد بنیانگذران شهر های نواحی غرب ایران در این کتاب آمده است

خسروانوشیروان در غرب ایرانشهر این پنج شهر با نام های خسروشاد، خسرو مشت آباد، شادخسرو ، شادفرخ خسرو و خسروپورکواد را بنا نهاد و دستور داد دورتادور هرکدام ازاین شهر ها دیواری بزرگ و طولانی بکشند و بعد از دیوار خندقی عظیم و طولانی حفر نمایند تا

۱-Norssihiuahtakan

۲- خدادایان، اردشیر، کهن ترین متن جغرافیای تاریخی ایران باستان، رشد آموزش جغرافیا شماره ۵ ، ص ۵۱ - ٤٦

۳- مقامی مقیم، غلامرضا، مشاهیر جغرافیای ایران از هزاره اول قبل از میلاد تا سال ۱۳۹۰ هجری شمسی. ص۳۲.

دفاع از آنها به سهولت انجام گیرد علاوه بر شهرهای یاد شده در این قسمت شهر تیسفون به دستور توس گرازه گیپکان ساخته شد. شهرستان نصیبین به دستور ورازهپورگیو بنیانگذاری شد. و شهرستان اورهه(ادسا) را نرسی اشکانی بنا نهاد شهرستان بابل در زمان حکمرانی جم ساخته شد و شهرستان حیره را شاپور پسر اردشیر بنا نهاد شهرستان همدان توسط یزدگردپسر شاپور ساخته شد و در ناحیه پذشخوارگر، بیست شهرستان به فرمان فریدون ساخته شد و این منطقه کوهستانی را دگرگون نمود . در این قسمت به شهرهای این ناحیه اشاره شده و از حاکمان این سرزمین لز هفت تن نام برده با نام های ، ویسمکان، دماوند، نهاوند، بیستون، دنیران، موسرکان، بلوچان، و مرینجان این هفت نفر فرمانروایی شهر های این قسمت را از ضحاک گرفتند و خود بر آنجا حاکم شدند[1] چنین به نظر می رسد شهرهای این قسمت به دلیل شرایط آب و هوایی مناسب از شکوه و عظمت بالایی برخوردار بوده اند.

پس از حاکم شدن این حاکمان بر مناطق نام برده هر کدام از آنها اقدام به ساخت شهرهایی در این قسمت نمودند که می توان به شهر های نهاوند، تویسرکان، تیسفون و برخیدیگر از شهرهای باستانی ایران در این قسمت کشور اشاره نمود.

همچنین در قسمتی دیگر از این کتاب اشاره ای به برخی دیگر از شهر های غربی ایران از جمله شهر آباد و پر جمعّیت موصل اشاره شده که این شهر توسط پیروز پسر شاپور بنا شده است. همچنین به ساخت نه شهر دیگر در سر حداد غربی ایران اشاره شده که مؤسس آنها ایرانی نبوده احتمالاً توسط به امتوس[2] برادرزاده قیصر روم ساخته شده اند. همچنین در این کتاب از ساخت بیست و چهار شهرستان و چندین شهر در سرزمین های شام، نواحی شرقی مصر، یمن، افریقا، کوفه، مکّه و مدینه یاد می شود که در زمان استیلای رومیان در نواحی غربی ایران به دستور قیصر روم بنا شده است.

۳- شهرهای ناحیه نیمروز(جنوب)

در این کتاب شهرهای ناحیه جنوب از کابل آغاز و به اشکر خاتمه می یابند در این قسمت ابتدا به شهر کابل اشاره نموده و ساخت آن را به اردشیرپوراسفندیار نسبت می دهد و

---

[1] خدادادیان، اردشیر،کهن ترین متن جغرافیای تاریخی ایران باستان ، رشد آموزش جغرافیا شماره ۵ ، ص ۵۱ – ٤٦

[2] -Almetus

شهرستان رخوت را به رارهام پورگودرز، شهرستان بست را به بستور پسر زایر، شهرستان فراه و زابلستان را به رستم شاه سیستان و بنای ابتدایی شهرستان زرنگ یا سیستان را به افراسیاب تورانی نسبت می دهد که توسط اردشیر پسر پاپک به اتمام رسید. ساخت شهر کرمان را به کرمانشاه پیروز و شهر وهاردشیر در کرمان را به اردشیر پاپکان ،ساخت شهر استخر را به اردوان شاه، شهر دارابگرد را به داراپوردارا و شهرستان بیشاپور را به شاپورپوراردشیر. شهرستان توزک را راهمای چهرآزاد و شهرستان گور را به اردشیر پورپاپک نسبت می دهند.

شهرستان هرمزد را اردشیران و رامهرمز را هرمزد تکاورپورشاه ساخت. شهرستان شوش. شوشستر ویهاندیوشاپور(جندیشاپور) را شوشین دوخت(شاپریندوخت زن یزدگرد) . و شهرستان ایران خوره کردشاپور را پسر اردشیر ساخت و آن را پلات پیر نام نهاد.شهرستان نهر تیره را ضحاک ، شهرستان سمران را فریدونپورتوین ، شهرستان اراسپ را شاپورپوراردشیر و شهرستان آشور را اردشیر پسر اسفندیار وشهرستان جی یا اصفهان را اسکندپورفیلیپ ساخت که یهودیان در آنجا ساکن بودند، شهرستان ایرانآسانکرت کواذ را کواذپورپیروز و شهر کاشغر را بهرام پسر یزدگرد ساخت.

۴- شهرهای دوسوی آتورپاتگان(ناحیه آذر بایجان)

شهرهای این ناحیه از آذربایجان شروع و به آمل در سواحل جنوبی دریای خزر ختم می شد.[1] در این کتاب شهرهای ساخته شده در این ناحیه همراه با بنیانگزاران آنها چنین معرفی شده اند. شهر گنجه توسط افراسیاب تورانی از پادشاهان ایران باستان ، شهرستان آذربایجان توسط ایران گشنسب و شهرستان وانراوان را بلاش (ولخش،ولگش) بنا نهاد و شهرستان آموی را مانی زندیک و مزدک ساختند. و شهرستان ری را آمورد زنگی بنا نهاد و شهرستان بغداد توسط ابوجعفر که او را ابودوانق می خواندند بنا شده است.[2]

در معرفی برخی از شهرها و بنیانگذاران آنها در این کتاب، همه مطالب معتبر و قابل اعتماد نیست و نمی‌توان از آن به‌عنوان یک سند معتبر تاریخی و جغرافیایی یاد نمود. به‌عنوان مثال

۱- جعفری دهقی، محمود ، بازشناسی منابع و ماخذ تاریخ ایران باستان از ورود آریاییها تا سقوط امپراتوری ساسانی، ص۲۳۶..

۲- خدادایان، اردشیر، کهن ترین متن جغرافیای تاریخی ایران باستان، رشد آموزش جغرافیا شماره ۵ ، ص ۵۱ - ۴۶

بعضی شهرها از سوی کسانی که در رساله از آنها یاد شده است ساخته نشده و مؤلف برحسب محافظه کاری و جلب رضایت برخی رجال سیاسی آنها را بنیانگذار شهرها معرفی نموده است. علاوه بر این ممکن است برخی از شهرها در دوران‌های قبل تر ساخته شده باشند، ولی در زمانی خاص، حاکم آن شهر ، آن را گسترش داده و با گسترش دادن آن شهر، نام خود را بر آن نهاده باشد.[۱]

این رساله به دلیل اینکه اطلاعات جامعی نسبت به شهر و سابقه شهرنشینی در ایران و جهان باستان داشته از سوی بسیاری از محققان و پژوهشگران غربی مورد توجه قرار گرفته و به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه، چاپ و منتشر شده است. که می توان به ترجمه های ادگاربلوشه[۲] فرانسوی اشاره نمود که اولین ترجمه این کتاب محسوب می شود.جیمز دارمستر۳ خاور شناس ودین شناس فرانسوی نیز آن را ترجمه نموده است. جاماسپ جی نموچهر جی چاماسپ آسانا نیز در سال ۱۸۹۷ پس از نقد و بررسی این کتاب نسبت به چاپ آن در بمبئی اقدام نمود همچنین سراروند جیوانجی جمشیدی جی مدی در سال ۱۸۹۹ میلادی این کتاب را به زبان های گجراتی، انگلیسی و فارسی به چاپ رساند[۴] در بسیاری از منابع در خصوص ترجمه این کتاب بیان شده است که مهمترین و علمی ترین ترجمه آن ترجمه ای است که مارکوارت[۵] انگلیسی از آن به عمل آورده و آن را به زبان انگلیسی چاپ و به کشورهای جهان معرفی نموده است[۶]. نسخه ترجمه شده مارکوارت توسط صادق هدایت از انگلیسی به فارسی ترجمه شده است .

۵-۲-۱-۸-۱.شگفتی‌ها و برجستگی‌های سیستان

این کتاب رساله کوچکی است در خصوص ناحیه سیستان که در اواخر حکومت ساسانیان در مورد این ناحیه از ایران نوشته شده است تنها نسخه موجود این متن در سال ۱۳۲۲ میلادی

۱- ن.پیگولوسکایا، شهرهای ایران در روزگاران پارتیان و ساسانیان، ترجمه،ص ۱۲۷-۱۵۹-۱۶۲.

۱-Edgar Blochet

۳-James Darmesteter

۴ منخدادایان، اردشیر، کهن ترین متن جغرافیای تاریخی ایران باستان، رشد آموزش جغرافیا شماره ۵ ،ص ۵۱ - ۴۶

۳-Markwart-

۶- تفضلی، احمد ، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۲۶۴-۲۶۵- ۲۶۶.

در آتشکده تاناک در هندوستان توسط مهرآبان کیخسرو استنساخ و جمع آوری شده که حاوی ۳۲ متن و پایان نوشتی به زبان های گجراتی، پهلوی و فارسی است که در سال ۱۸۹۷ میلادی توسط جاماسپ آسانا در بمبئی هندوستان تصحیح گردید. همچنین هرتسفلد[۱] در سال ۱۹۳۰ این متن را برای اولین بار به آلمانی ترجمه نمود. اما کامل ترین ترجمه این کتاب ترجمه است که توسط اوتاس[۲] انجام شده که همراه آوا نویسی می باشد.از این متن دو مورد ترجمه فارسی نیز انجام شده است یکی ترجمه سعید عریان و دیگری ترجمه اشاخاکپور ۳

هر چند از عنوان کتاب چنین استنباط می شود که این کتاب تخصصی در مورد سیستان نوشته شده باشد امّا در برخی از قسمت های آن، سرزمین های دیگر ایران که از آبادانی برخوردار بوده اند نیز مورد توجه مؤلف قرار گرفته است موضوع اصلی این کتاب معرفی ویژگی‌های طبیعی سیستان و نواحی مجاور آن می باشد که در این زمینهتوجه ویژه ای به رودخانه شده است، در این کتاب مطالبی در مورد سرچشمه، حوضه آبریز و طغیان‌های سالانه، طول و عرض، زمین های آبیاری شده توسط این رود، و اهمیّت سیاسی و نظامی این رود خانه ، به چشم می‌خورد. همچنین در این کتاب اشاره‌ای به دریاچه‌های منطقه سیستان شده است که می‌توان به دریاچهی فرزدان، دریاچه کیانسه، کونه اوشداشتار و دریاچه جازموریان اشاره نمود. مطالب مطرح شده در خصوص دریاچه‌های سیستان و رودخانه هیرمند مبیّن این است که در روزگار باستان منطقه سیستان شرایط طبیعی مناسب تری نسبت به شرایط کنونی داشته و آبادتر و برای کشاورزی مساعدتر از امروز بوده است. احتمالاً دریاچه های آن پر آب تر و کیفیت آب آنها مناسب تر از شرایط کنونی بوده است در قسمتی از این کتاب نواحی کوهستانی نیز مورد توجه مؤلف بوده است و از ارتفاعات مهم و مرتفعی در منطقه سخن به میان آمده است که به احتمال زیاد همان ارتفاعات شرقی منطقه سیستان و قله تفتان می‌باشد. همچنین در این کتاب به رودخانه سرباز و نقش آن در کشاورزی سیستان شده وجود این رودخانه یکی از امتیازات و برتری های این قسمت از ایران نسبت به قسمت های دیگر آن

۱-Herzfeld

۲-Utas

۳- دریایی، تورج، شگفتی و برجستگی سیستان: متنی به زبان پهلوی، مجله ایران شناسی ، شماره۳ ،ص ۵۳۴-۵۴۲

www.tabarestan.info تبرستان

شده است. در این کتاب اشاره ای نیز به سوسمار ها و تمساح های پوزه کوتاه ایـن رودخانـه نموده و آنها را هیولایی خطرناک معرفی نموده کـه بـرای کشـاورزان و دامـداران ایـن منطقـه مشکلات زیادی را بوجود آورده اند. همچنین در این کتاب اشاره ای به سیلاب های مهلک و طوفان های شدید شن شده و از آن به عنوان یک بلای خانمان سوز یاد شده است در قسمت دیگری از این کتاب نویسنده به معرفی سه تن از منجیان و مبلغان دیـن زرتشـت و محـدوده تبلیغات آنها پرداخته است[1] این سه تن از مبلغان دین زرتشت و رابطـان تبلیغـاتی زرتشـت بـا سایر مناطق ایران و سرزمین های تحت حکومت و سلطه آنها بوده اند در بیشتر قسمت هـای این کتاب از آنها به نیکی یاد شده است.

www.tabarestan.info تبرستان

با مطالعه این کتاب مشخص می شود که هدف اصلی نویسندگان این کتاب ایـن اسـت تا با دلایلی منطقی سیستان و جنوب شرق ایران را منطقه برتر ایران در دوره باستان معرفی نماید که اهم این دلایل عبارتند از :

۱- شگفتی و برجستگی (سر زمین) سیستان از دیگر شـهرها بـه ایـن دلیـل زیـاد تـر و بهتراست . ۲- رود هلمند و دریاچه فرزدان و دریای کیانسه و کوه اوشداشـتر در (سر زمین) سیستان است . ۳- اشیدر و اوشیدر ماه و سوشیانسفرزندان زرتشـت (در آنجا) زاده و پرورش (یافته) و از آن رستاخیز خواهند کرد . ٤- یکی این که پیونـد و خاندان فرمانروایان کیانی در این کشور به ایشان گزند آمد . ٥- از فرزندان فریدون، سلم که کشور روم و توج که (کشور) ترکستان را به سروری داشتند وایـرج را کـه فرمانروایی ایران را داشت کشتند . ٦- و از فرزندان ایرج بـه جـز کنیـزی دیگرکسـی زنده نماند . ۷- کنیز پس فریدون او را به دریاچه فرزدان هدایت کـرد و در پنهـان داشت تا دهمین پیوند که از آن کنیز پسری زاده شد . ۸- پـس فریـدون بـه دریاچـه فرزدان شد و او از اردیسور آناهیتا مراد خواست و با اراستن ایرانشـهر و فـره کیـان، دیگر ایزدان در محل سیستان یافتند و مراد بالاتر به دست آوردند و با منوچهر و آنهـا ایرانشهر را ستودند . ۹- یکی این که ویشتاسپ شاه، دیـن را در دریاچـه فـرزدان از

۱- تفضلی، احمد ، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام ص ۲۹۰ .

دریاچه های پرآب سیستان به قسمت های دیگر ایران رواج داد . ۱۰-اول در سیستان و سپس در دیگر شهرها و ویشتاسپ شاه با همپرسگی با زرتشت و سین اهومستودان بوستینگ وچون از اولین شاگردان زرتشت و برترین شاگردان او بودند . ۱۱- دین زردشت را در سیستان آموزش و در قسمت های دیگر ایران رواج دادند 100پیشوای مذهبی ازدوده ی خوبان فراز رفتند . ۱۲- نسکی بود که دزد –سر – نیزد خوانند چون سین و برزمهر زرتشتان آن را آماده کردند و به دست آوردند . ۱۳- وقتی که اسکندر رومی گجستگ به ایرانشهر آمد آنهایی راکه به راه مغ مردی میرفتند گرفت و کشت . ۱٤- مرد و غلام بچه ای چند به سیستان آمدند . ۱۵- نسکی (آنجا) بود، با زنان بود بچه ای (که) نسک دزد –سر –نیزد را استوار و به خاطر سپرد ، به این دلیل راه دین در سیستان بازگشت و آراست و آماده کرد ، نو به نو به جز در سیستان آن گاه در دیگر جاهای ایران به یاد نماند . ۱٦- من که درآن جایی هستم که دین را ستایش می کنند و به خاطر شادی نسل من هادخت نسک بخوانید. پایان یافت با درود و شادی و خوشی وشاد و دیرزی و پیروزگار و درستکار وکامکار بود که (این را) نوشت که نگه می دارد و که میخواند[1]

www.tabarestan.info تبرستان

٦-۲-۱-۸-۱. تاریخچه کرخ بیت سلوق(سلوک)

کرخ به معنای ((دژ)) و کرخ بیت سلوک به معنای((دژ سلوکوس می باشد)).این نوشته شامل اسناد و نوشته های محلی است که اطلاعاتی را در مورد جغرافیای ایران باستان در اختیار می گذارد. سال تدوین آن به سده ششم میلادی باز می گردد. در نوشتن این کتاب محلی بیشتر از آثار مکتوب موجود در بایگانی ها و دیگر نوشته های متعلق به شهر های خاورنزدیک در معابد و کلیساها استفاده شده است. هدف از نوشتن این اثر به شهرت رساندن شهر کرخ(کرکوک امروزی) بوده است.که در نخستین بخش از آن اخباری پیرامون بنای این شهر، بنیانگذار آن ساختمانها و نقشه آن آمده است.در این نوشته بنای این شهر را به یکی از شاهان آشوری به نام سارگون و سردانا نسبت می دهند. همچنین در این نوشته اشاره ای به

۱- دریایی، تورج، شگفتی و برجستگی سیستان، مجله ایران شناسی، شماره۳ ،ص ٥۳٤-٥٤۲.

ظهور و افول ادیان مختلف در این شهر شده است. علاوه بر موارد یاد شده در این کتاب حاکمانی را که در دوره های مختلف تاریخی در این شهر حکومت نموده اند را ذکر می نماید. نویسنده اصلی این یاداشت ها مشیحازا نام داشت که در سده ششم میلادی در شهر کرکوک زندگی می نموده او علاوه بر معرفی این شهر مطالبی نیز در مورد شهر اربیل از شهر های دیگر آباد و پرجمعیت ایران در این قسمت نوشته که قابل توجه می باشد مطالب دیگر این نوشته عمدتاً سیاسی و تاریخی بوده و بیشتردر مورد نفوذ موبدان و حاکمان در شهر و مسایل سیاسی و شکنجه ها و اعدام هایی که در داخل این شهر به وقوع می پیوسته اطلاعاتی را مطرح نموده است. همچنین ازنوشته های این کتاب چنین برمی آید که به احتمال زیاد شهر اربیل از نظر قدمت و اداری ارجعیت بیشتری نسبت به شهر کرخ داشته است. در این کتاب شهر کرخ را مرکز استان بیت گرمای و جزئی از فرمانروای ادیابنه در نظر گرفته اند.[1] در قسمتی از این کتاب در مورد دروازه های ورودی این شهر توضیحاتی داده و ذکر شده است که دورتادور این این شهر را دیوار بزرگی فرا گرفته بود که در آن، دو دروازه و شصت و پنج برج وجود داشته که یکی ازاین دروازه ها درشمال غربی و دیگری در جنوب شرقی واقع شده بود . دروازه جنوب شرقی را دروازه شاهنشاهی می نامیدند زیرا بیشتر رفت و آمد های پادشاه و میهمانان او از آنجا انجام می شد. دروازه شمال غربی توتای نامیده می شد. توتای نام معماری بود از اهالی این شهر که نقش مهمی در بنای این شهر داشت او معماری قوی و چیره دست بود که در بین مردم محبوب و از سوی مقامات شهری مورد تایید بود.

کاخ شاهی در مرکز شهر قرار داشت و جلوه خاصی به آن داده بود. به دلیل ارتفاع زیاد، کاخ از بیشتر قسمت های شهر قابل رویت بود و بیشتر خیابان ها به آن ختم می شد به شعاع چند متری از کاخ شاهی مراکز اداری و دولتی قرار داشت. این شهر دارای هفتاد و دو خیابان اصلی و چندین خیابان فرعی و کوچه بود. نامگذاری این خیابان ها یا بر اساس نام پادشاهان ایرانی یا بر اساس نام دودمان آنها یا بر اساس نام حرفه های غالب در آن خیابان ها. از ۷۲ خیابان این شهر ۱۲ خیابان به اسم دودمان حکومتی و مابقی به نام حرفه های مختلفی بوددرآن

۱- ن.پیگولوسکایا ، شهرهای ایران در روزگاران پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت الله رضا، ص ۱۹۸-۱۹٤ .

www.tabarestan.info تبرستان

شهر رایج بود. هر مهاجری که وارد شهر می شد براساس تخصص حرفه ای که داشت در خیابان حرفه خود ساکن می شد و در آنجا کسب کار نموده و در همان محل نیز زندگی می کرد. مهاجران دولتی نیز در محلی خاص که از آب و هوا و شرایط امنیتی بهتری برخوردار بود اسکان می یافتند. این شهر از نظر جمعیتی یکدست نبود و مردم آن از نقاط مختلف ایران به آنجا مهاجرت نموده بودند از جمله این مردم مردمی بودند که از شهر استخر فارس به آنجا مهاجرت نموده بودند و از نظر جمعیتی این گروه حالت اشرافی داشتند که ازجمله این افراد کوچ پنج خانواده از دودمان و بزرگان ایران از استخر به این شهر قابل توجه بود.با ورود این خانوارها به داخل شهر به آنها زمین و تاکستان داده و آنها را محترم می شمردند.[1]

www.pasargadinfo

بررسی مهاجرت های داخلی به این شهرحکایت ازاین دارد که سه گروه از مهاجران به آنجا وارد می شدند و به راحتی می توانستند در آنجا ساکن شوند. گروه اول دودمان پادشاهی که بنا به دلایل حکومتی وارد این شهر می شدند و خانواده آنها اداره امور شهر را عهده دار بودند. این گروه در اماکن خاصی ساکن می شدند که شباهت زیادی به خانه های سازمانی امروزی داشت . این گروه در این شهراز امتیازات خاصی برخوردار بوده و از جهت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تفاوت زیادی با مردم بومی این شهر داشتند گروه دوم پیشه وران بودند که اگر حرفه و شغلی داشتند که مورد نیازاهالی شهر بود به راحتی می توانستند در این شهر ساکن شوند این گروه به دلیل نیاز مردم به حرفهی آنها مورد توّجه بودند و در محله های خاصی از شهر ساکن می شدند استقرار این گروه در مناطق مختلف شهر کرکوک ارتباط زیادی با حرفه ی آنها داشت و هر حرفه ای در خیابان و کوچه خاصیَ استقرار داشت. گروه سوم عالمان و دانشمندان بودند که از سایر سرزمین ها به این شهر مهاجرت می کردند مردم این شهر از نظر علمی، اقتصادی ، مذهبی و سیاسی رقابت زیادی با شهر اربیل داشتند بنابراین سعی در جذب عقاید علمی جدید، مذاهب جدید داشتند و با جذب علما، افراد دینی ، و ایده های برتر سعی می نمودند در این زمینه ازاربیل جلو بیافتند. گروه دیگر مبلغان دینی بودند که ادیان جدیدی را مطرح می نمودند این گروه از سوی مردم اربیل و کرکوک مورد استقبال قرار می گرفتند و

---

[1]- ن.پیگولوسکایا ،شهرهای ایران در روزگاران پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت الله رضا، ص ۶۲ .

در این دو شهر بر سر جذب مبلغان جدید دینی رقابت بود و هر دو شهر تلاش می نمودند با جذب مبلغان جدیدادیان جدیدی را به مردم شهر خود معرفی نمایند.

البته در برخی از منابع از دژ دیگری با همین نام در منطقه خراسان شمالی و در دامنه های جنوبی آلاداغ در شمال شهر استوئین یاد می کنند که نقش مهمی در حکومت پارت ها داشته است. خرابه های این دژ در حال حاضر در شمال غربی منطقه حفاظت شده و پارک ملی سالوک و دومین قله مرتفع قله آلاداغ یعنی کوه سالوک واقع شده است.[۱]

www.tabarestan.info تبرستان

۷-۲-۱-۸-۱.رویدادنامه ادیابنه

این کتاب شبیه نوشته کرخ بیت سلوق می باشد که در مورد شهر اربیل در کشور عراق کنونی و یکی دیگر ازشهرهای ایالت ادیابنه در ایران باستان نوشته شده و از هر جهت شبیه آن است اما محققان و نویسندگان تاریخ مطالب آن را تا حدودی غیر واقعی دانسته و معتقدند که این مطالب بنیه چندان درستی ندارد. نویسنده آن یکی از روحانیون شهر اربیل به نام مشیحازها بوده که در این کتاب شهر اربیل را به عنوان یکی از مهمترین، پر جمعیت ترین و آبادترین شهرهای ایالت ادیابنه معرفی نموده و مشخص است که این دو شهر یعنی شهر کرخ و اربیل در یک ایالت بوده و دائماً با یکدیگر بر سر مسایل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی در حال رقابت بوده اند و در طول تاریخ هر دو شهر سعی در پذیرش عقاید و افکار جدیدی داشته اند تا در رقابت بر یکدیگر فائق آیند. بنابراین آراء، عقاید و افکار جدید بیش هر شهر دیگر ایرانی در این شهر ها مورد پذیرش واقع می شد و سپس به سایر نقاط ایران می رسید. در بسیاری از منابع مطالب این کتاب مورد نقد و تکذیب محققان قرار گرفته از جمله زاخائو در قسمتی از کتاب خود به نادرستی بسیاری از مطالب این کتاب اذعان نموده است از مهمترین مطالب این کتاب که مورد نقد مستشرقین قرار گرفته این است که مؤلف در قسمتی ازآن کوشیده سرزمین ادیابنه را به عنوان قدیمی ترین مرکز مسیحیت در شرق معرفی

۱- مقامی مقیم، غلامرضا، بررسی محیط زیست منطقه حفاظت شده سالوک اسفراین،ص۱۲۷ .

نمایدولی اکثر منتقدین این کتاب امتیازاتی نیز به آن می دهند از جمله امتیازات این کتاب از دید محققان و مستشرقین این است که بسیاری از مطالب تاریخی این کتاب را به دلیل اینکه بدون اظهار نظر و دخل و تصرف به نقل آن پرداخته را معتبر و قابل استناد می داند.

مطالب نوشته شده در منابع مختلف حکایت ازاین دارد که دو شهر اربیل و کرکوک در دوره باستان رقابت شدیدی با یکدیگر داشتند و مقامات اداره کننده شهر تلاش زیادی می نمودند که مرکزیت اقتصادی، سیاسی، دینی و علمی این قسمت از ایران باستان را به خود اختصاص دهند این رقابت فقط در حد فکری، دینی و علمی باقی بوده و هیچگاه منجر به نزاع و درگیری های فیزیکی بین آنها نشده است.

www.tabarestan.info تبرستان

امروزه این دو شهر و بیشتر شهرهای منطقه بین النهرین شکوه و عظمت گذشته خود را از دست داده اند و به دلیل وجود منابع غنی نفتی مورد توجه قدرت های بزرگ قرار گرفته و این قدرت ها با حمایت از گروههای تروریستی سعی دارند ثروت عمده این دو شهر را که عمدتاً نفت خام است را به غارت ببرند حضور گروه های تروریستی به هر دلیل سبب نابودی بسیاری از دستاوردهای فرهنگی این دو شهر شده و بسیاری از آثار فرهنگی که نتیجه فرهنگ چندین هزار ساله این شهر است توسط گروههای تروریستی نابود شده و این دو شهر بدترین دوران تاریخی خود را سپری می نمایند.[1]

۸-۲-۱-۸-۱.فرهنگ پهلویک

این کتاب نوعی فرهنگ لغت مربوط به ادبیات علمی ایران باستان است بسیاری از لغات و اصطلاحات موجود در رشته های مختلف علوم در ایران باستان را توضیح می دهد این کتاب هنگام تصرف ایران بدست اعراب برای حفاظت در مقابل حوادث احتمالی توسط ایرانیان به هندوستان منتقل ودر کتابخانه ها و مراکز علمی این کشور نگهداری می شد تا اینکه در سال ۱۸۷۰ میلادی در شهر بمبئی مورد توجه علمای ایران دوست قرار گرفت و به زبان هندی و انگلیسی ترجمه، چاپ و منتشر گشت. در این کتاب در حدود ۱۳۰۰ لغت و اصطلاح رایج در زبان پهلوی توضیح داده شده است و در هریک از بخش های آن نامهایی از طبیعت،

۱- مقامی مقیم، غلامرضا، مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان های تکفیری و افراطی از دیدگاه علمای اسلام،ص ۳۳۱

زمین، قاره ها، دریاها و دریاچه ها ، رودخانه ها ، کوه ها ، جانداران ، گیاهان، سنگ ها، نام فلزات ، ماهها و تقویم های ایرانی و مشاغل و حرفه های رایج درایران باستان به چشم می خورد برای هریک از این نام ها توضیحاتی مختصر داده شده است.۱

اگر از برخی لغات این کتاب صرف نظر کنیم خواهیم دید که بیشتر لغات توضیح داده شده آن مضامین جغرافیایی داشته که هم مربوط به جغرافیای انسانی و هم جغرافیای طبیعی بوده است. بنابراین با اطمینان کامل می توان این کتاب را اولین و قدیمی ترین فرهنگ لغت جغرافیای طبیعی جهان قلمداد نمود که در ایران باستان تالیف شده است.

www.tabarestan.info تبرستان

۲-۸-۱.مدارک و اسناد جغرافیایی

۱-۲-۸-۱.نقشه های جغرافیایی

در هیچ منبعی به ترسیم نقشه های جغرافیایی در ایران باستان اشاره ای نشده است فقط در برخی از منابع به ترسیم چند کروکی از آتشکده های زردشتی و پراکندگی آنها در ایران اشاره شده . اما در سرحداد و مناطق مرزی ایران نقشه هایی کشف شده که می توان آنها را به ایرانیان نسبت داد.

بنا بر اسنادی که تا کنون کشف شده، قدیمی ترین نگاره‌ها و نقشه‌های ترسیمی کشف شده به سرزمین بین‌النهرین منصوب شده‌اند. نقشه‌ای از سرزمین بابلیون (عراق) حک شده بر گل پخته پیدا شده است که معروف به جهان نمای بابل بوده و درموزه بریتانیا به شماره ۱۵۳/۹۲٦۸۷ نگهداری می‌شود و متعلق به۵۰۰ سال قبل از میلاد و به دوره بابلی جدید (از سلطه پارسها بر بابل) است. هیچ مدرکی دال بر ترسیم این نقشه توسط ایرانیان وجود ندارد اما با چند دلیل می توان این نقشه را به ایرانیان باستان نسبت داد اول اینکه محل کشف این نقشه جهان در محدوده ایران باستان است از اینرو می توان مردم ایران را نخستین ترسیم کنندگان نقشه در جهان معرفی نمود.دوم اینکه این نقشه شباهت زیادی به منشور کوروش دارد و از نظر ظاهری

۱- بیات، عزیزالله . کلیات تاریخ ایران از آغاز تا مشروطیت، ص۷۲ .

تقریباً با منشور کوروش یکسان به نظر می رسد و سوم اینکه به کروکی های ترسیمی از آتشکده های زردتشیان شباهت دارد بنابراین می توان این نقشه را به ایرانیان باستان نسبت داد و آنها را نخستین ترسیم کنندگان نقشه در جهان معرفی نمود.

همچنین درنزدیکی شهر کرکوک باستان شناسان نقشه ای پیدا نموده اند که ازنظر قدمت قدیمی ترین نقشه جهان محسوب می شود.این نقشه که روی یک خشت گلی حک شده مربوط به ۲۲۰۰ سال پیش از میلاد می باشدومربوط به زمان سلسله سارگون از پادشاهان آشور تخمین زده شده است.۱ همانطور که در رویداد نامه کرخ بیت سلوق اشاره شد کرکوک در محدوده ایرانشهر بوده بنابراین می توان آثار علمی این شهر را به ایرانیان باستان نسبت داد.

www.tabarestan.info تبرستان

۲-۲-۸-۱. اسناد بدست آمده از منطقه اورامان در کردستان



شکل ۱۰-۱- یکی از اسناد کشف اورامانات

منطقه اورامانات در استان کردستان به دلیل شرایط مناسب آب وهوایی، زمین شناسی، خاک مناسب و منابع آب غنی، از قدیم مورد توجه اقوام مختلف ایرانی و غیر ایرانی بوده و به احتمال زیاد یکی از اولین سکونتگا ه های بشری محسوب می شود همچنین به دلیل نزدیکی و

۱- جداری عیوضی، جمشید ، اصول کارتوگرافی، ص١٦ .

همجواری با سرزمین های دیگر یکی از قطب های فرهنگی ایران باستان نیز محسوب می شد . مسئله ای که در سال های اخیر اهمیت این منطقه را صد چندان نموده کشف قدیمی ترین سند شناخته شده بشر در این محدوده ی جغرافیایی می باشد.این اسناد که به احتمال زیاد متعلق به سده نخست میلادی است اهمیت زیادی در مدارک و اسناد جغرافیایی ایران باستان دارد . متن این اسناد به دو زبان ایرانی و یونانی روی پوست آهو نوشته شده مربوط به استفاده جمعی انسان از زمین است و استفاده از زمین در علم جغرافیا بهترین شکل رابطه متقابل انسان و محیط به حساب می‌آید و با اطمینان کامل می‌توان این اسناد را در ردیف اسناد جغرافیایی ایران قبل از اسلام به حساب آورد. در یکی از این اسناد که به زبان پهلوی نوشته شده به اشخاص معین قطعات مشخصی از اراضی که عمدتاً تاکستان بوده واگذار شده است. اعضای گروه مانند تعاونی‌های امروزی، سهم مشاعی را به اتفاق و به‌صورت گروهی جمع و گردآوری می‌نمایند . که این خود نمونه‌ای از تضمین جمعی در امر پرداخت و رعایت حقوق و ادای دین است و نوعی تعاون و همکاری را در مورد کاشت، داشت و برداشت محصولات کشاورزی مشخص می‌کند. ولی در اسنادی که به زبان یونانی در منطقه اورامانات به‌دست آمده است، جهت گیری دیگری از زندگی پارتیان را نیز روشن می‌سازد و نشان می‌دهد که جماعات چگونه خصایص و ویژگی‌های گذشته و همچنین اراضی جماعات را از دست داده و به مالکیت خصوصی روی آورده اند و قطعاتی از آن اراضی را، به عنوان سهم، در اختیار اعضای گروه گذاشته اند، که خود زمینه‌ای جهت فروش زمین است و می‌توان گفت، اوّلین سند، مربوط به خرید و فروش املاک درجامعه ایرانی است که ثبت شده است. در این سند خریداران موظف بودند در امر پرداخت سهم، همانند اراضی جماعات به‌صورت جمعی شرکت داشته باشند. قطعه زمین فروخته شده از اراضی جماعات جدا نمی‌شد، و به‌صورت مشاعی امروز، توسط کشاورزان اداره می‌شد. این زمین‌ها در محدوده اراضی جماعات باقی می‌ماند اما در تصرف اعضای معینی قرار می‌گرفت و درآمد و سود آن به مالک تعلق می‌گرفت، که این امر خود می‌توانست از قطعه، قطعه شدن زمین‌های کشاورزی جلوگیری نماید. سومین سند اورامانات که به زبان و خط پهلوی نگارش یافته است در نوع خود بسیار

www.tabarestan.info تبرستان

جالب بوده و به احتمال زیاد به سده نخست پیش از میلاد بر می‌گردد. در این سند که بر روی پوست آهو نوشته شده ، از فروش یک تاکستان سخن به میان آمده است. نام دو نفر، یک نفر فروشنده ویک نفر خریدار در آن قید شده است. معامله با یاد نمودن سوگند، برابر شهودی که نامشان در سند آمده ، صورت گرفته است. از نکات ارائه شده در این سند می‌توان نتیجه گرفت که در روزگار پارتیان علاوه بر مالکیت عمومی، مالکیت خصوصی نیز بر زمین‌های کشاورزی وجود داشته است و صاحبان زمین آن را مورد بهره برداری قرار می‌داده و در خرید و فروش آن نیز مختار بوده اند[۱]

www.tabarestan.info تبرستان

۳-۲-۸-۱.منشور کوروش

منشور کوروش که به صورت یک لوح گلی در سال ۱۲۵۸ خورشیدیتوسط یک باستانشناس انگلیسیدر بین النهرینکشف شد. به دلیل این که این کتیبه در منطقه بابل کشف شده بود تصور می شد که این لوحگلی مربوط به یکی از پادشاهان بابلی باشد اما پس از ترجمه آن مشخصشد مربوط به کورش پادشاه اسطوره ای ایران است .این لوح که بعدها به عنوان نخستین منشور حقوق بشر مطرح و مورد توجّه جهانیان قرار گرفت. در حال حاضر در مقرسازمان ملل نگهداری می شود. با دقت در نوشته های این لوح می توان برخیاز بند های آنرا جغرافیایی دانست به طوری که در بند ۲۸ آن آمده است همه پادشاهان جهان، از دریای بالا تا دریای پایین (به احتمال زیاد منظور از دریای بالا همان دریای مدیترانه و دریای پایین همان خلیج فارس است) و همه پادشاهان آموری و حتّی چادرنشینان به من در بالا شادباش گفتند.

در بند ۲۹ آمده است من شهرهای ((آگاده))((اشنوا))((زمبان))((متورنو))((دیر)) سرزمین گوتی ها و همچنین شهرهای آن سوی دجله را که ویران شده بود از نو ساختم.[۲]

۳-۸-۱.کتیبه‌ها

۱- ن.پیگولوسکایا، شهرهای ایران در روزگاران پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت الله رضا، ص ۱۲۷-۱۲۸ .

۲- توانگر زمین، محمد کاظم ، ترجمه کتیبه های هخامنشی، ص۱۰۶ .

کتیبه‌ها از آثار فرهنگی و سرمایه معنوی یک تمدن به حساب می‌آیند و حاوی اطلاعات با ارزشی از گذشته علمی و فرهنگی یک کشور می‌باشند. کشور ایران یکی از مهمترین امپراتوری های جهان باستان می‌باشد. در این کشور به دلیل وسعت زیاد، وجود افراد هنرمند، دانشمندان سختکوش، شرایط طبیعی مناسب و پادشاهان قدرتمند، کتیبه‌های زیادی مربوط به دوره‌های مختلف تاریخی به جای مانده است، که می‌توان اطلاعات با ارزش جغرافیایی از آنها به‌دست آورد. سبک نگارش این کتیبه ها اغلب ساده بوده و معمولاً نکات ادبی چندانی در آنها رعایت نشده است در اغلب کتیبه ها ابتدا شاه خود را با تمام القاب و عناوینی که دارد معرفی می نماید سپس به معرفی نیاکان خود می پردازد آنگاه هدف از نگارش کتیبه را بیان می کند. و در پایان به درگاه خدا دعا نموده از او طلب یاری می نماید در نگارش کتیبه ها و سنگ نوشته های ایرانی علاوه بر زبان فارسی از زبان های اکدی،ایلامی و یونانی نیز استفاده شده است[1].که نشان دهنده ارتباط گسترده ایرانیان باستان باسایر ملل است. به دلیل اینکه بیشتر این کتیبه‌ها روی سنگ و در مناطق صعب‌العبور حک شده‌اند در حوادث و بلایایی طبیعی وغیر طبیعی که گریبانگیر مردم ایران شده مصون مانده‌اند. با مطالعه این کتیبه‌ها به کتیبه‌هایی برخورد می‌نماییم که علاوه بر بیان مسایل مهم و کلیدی و پند و اندرز، حاوی اطلاعات جغرافیایی ارزشمندی نیز می‌باشند و می‌توان اطلاعات جغرافیایی مهمی در مورد جغرافیای ایران و سایر کشورهای جهان باستان از آنها برداشت نمود در بین حکومت های ایران باستان بهترین و معتبرترین کتیبه ها، کتیبه هایی هستند که از دولت هخامنشیان باقی مانده و در بین پادشاهان هخامنشی نام دو پادشاه یعنی کوروش و داریوش در کتیبه ها بیشتر از سایرین به چشم می خورد. با دقت در متن این کتیبه ها می توان به توان علمی و تلاش عالمان ایرانی برای اعتلای فرهنگ ایرانی پی برد.بدون شک کتیبه های بازمانده از ایران باستان به قدری زیاد است که معرفی آنها نیاز به نوشتن چندین کتاب دارد و از سویی بسیاری از آنها ارتباطی با موضع بحث ما یعنی جغرافیای ایران باستان ندارند هدف از مطرح نمودن کتیبه ها در این کتاب معرفی آنها به عنوان یک اثر جغرافیایی می باشد در صورتیکه این کتیبه ها سرشار از اطلاعات علمی در

www.tabarestan.info تبرستان

۱- ترابی، سید محمد، نگاهی به تاریخ ادبیات ایران بیش از اسلام، ص۳۹.

هر یک از علوم مخصوصاً تاریخ می باشد. بنابراین به معرفی کتیبه هایی می پردازیم که حاوی اطلاعات جغرافیایی باشند از مهمترین این کتیبه‌ها می توان به کتیبه‌های زیر اشاره نمود:

۱-۳-۸-۱.کتیبه‌های داریوش

در بین پادشاهان هخامنشی بیش از همه اسم داریوش روی کتیبه ها حک شده است .در فاصله سال‌های ۵۲۲تا۴۸۵، قبل از میلاد، تعداد سی کتیبه در مناطق مختلف ایران باستان به دستور داریوش حک شده و به‌صورت یک مجموعه ارزشمند و کم نظیر به یادگار مانده است، که در برخی از آنها می‌توان به برخی از ویژگی‌های جغرافیای طبیعی و انسانی ایران باستان پی برد. این کتیبه‌ها که عمدتاً روی سنگ و در صخره های صعب العبور حکاکی شده است، اطلاعات جغرافیایی، تاریخی، سیاسی، نظامی و دینی مهمی را از دوره باستان مشخص می‌نماید[۱] این کتیبه‌ها بعنوان مهمترین،دقیق ترین و مقاوم ترین اسناد تاریخی و جغرافیایی جهان به حساب می‌آیند که در هیچ جای جهان مشابهی ندارند به همین دلیل هیچ حادثه طبیعی و انسانی نتوانسته ماندگاری آنها را تهدید نموده و به آنها خسارت وارد نماید.

۱-۱-۳-۸-۱.کتیبه‌های تخت جمشید

از داریوش در تخت جمشید هفت کتیبه بر جای مانده است. در اکثر این کتیبه‌ها به سرزمین ایران متصرفات و مناطق خراج گذار ایران در زمان حکومت داریوش اشاره شده است. همچنین به نحوه لشکر کشی‌های او به سرزمین‌ها و کشورهای مجاور و نحوه اضافه شدن برخی از سرزمین‌ها به قلمرو او در این کتیبه اشاره شده است .[۲]

در روی هر یک از اینکتیبه ها که متنی به سه زبان پارسی باستان (۱۰ سطر)، عیلامی (۷ سطر) و بابلی (۸ سطر) به خط میخییک متن مشترک حک شده .ترجمهآنها چنین است:

داریوش شاه بزرگ، شاه شاهان، شاه کشورها، پسر ویشتاسپه، از تخمه هخامنشی، داریوش شاه گوید: این است کشوری که من دارم. از جایگاه سکاهاییکه آن سوی سغندتا برسد به

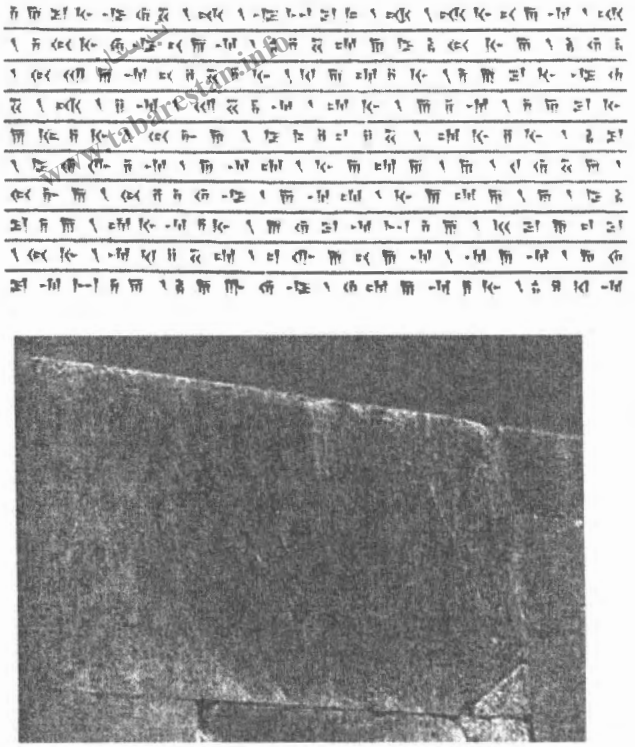
۱- افتخارزاده، محمودرضا ، تحریر اوستایی تاریخ ایران باستان، ص۹۸

۲- تفضلی ، احمد ، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام ص ۲٦٤-۲٦٥- ۲٦٦.

www.tabarestan.info تبرستان

حبشه، از هندوستانتا برسد به لودیه، که آن را اهورامزدا، مُهست (بزرگترین) خـدایان، بـه مـن بخشیده‌است. اهورامزدا مرا و این خاندان شاهیم را بپایاد[1].

بدون شک اگر این کتیبه‌ها به دقت مطالعه شوند و خواننده آنها از قدرت بالای تجزیه و تحلیل مسایل تاریخی و جغرافیایی برخوردار باشد، می‌تواند اطلاعات قابل توجه جغرافیایی و تاریخی مانند موقعیت جغرافیایی ، تقسیمات کشوری ، جغرافیای سیاسی، جغرافیای تاریخی و جغرافیای نظامی ایران و سرزمین های مجاورآن در روزگار باستان از آنها کسب نماید.



شکل ۱۱-۱- دو نمونه از کتیبه های تخت جمشید

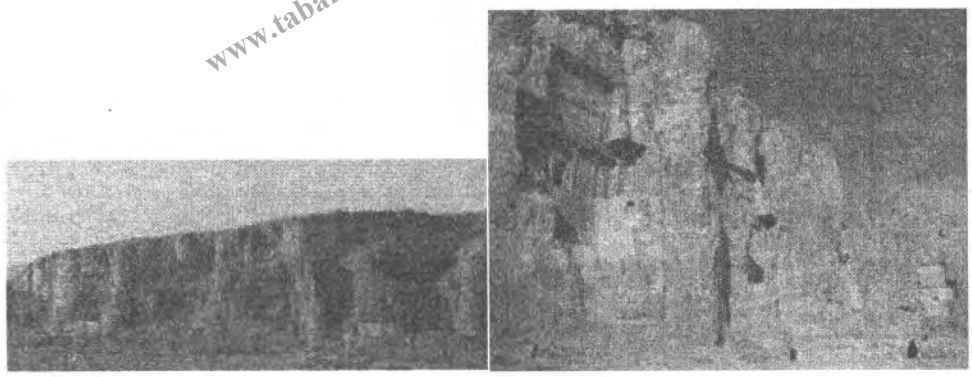
۲-۱-۳-۸-۱.کتیبه‌های نقش رستم

۱-شاهپور شهبازی، علیرضا، مستند تخت جمشیدص ۸۹ الی ۹٤

۲-۱-۳-۸-۱.کتیبه‌های نقش رستم

نقش رستمیکی از مهمترین آثار باستانی سرزمین ایراناست که آثار مهمی را از دوران عیلامی، هخامنشی و ساسانی در خود جای داده است .بر سینه این کوه مقبره های بسیارعظیمی به جای مانده که پادشاهان هخامنشی در آنجا آرمیده اند. این آثار در ۳ کیلومتری تخت جمشیدو در کنار جاده جدید شیراز-مرودشتواقع شده است. در این منطقه باستانی نقوش زیادی مربوط به دوره های مختلف تاریخی حک شده است که هشت مورد از آنها برجسته تر می باشد.

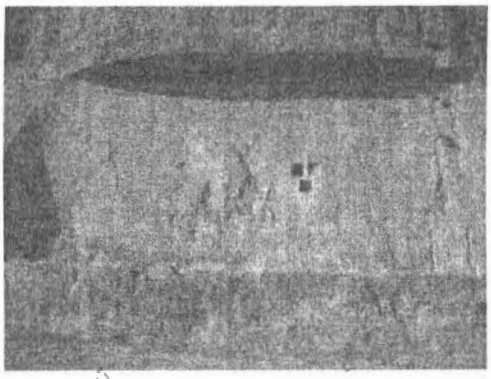
www.tabarestan.info تبرستان



شکل ۱۲-۱- نمایی از کتیبه ها و مقبره های نقش رستم

نقش اول

این نقش به صورت فضای خالی بزرگ حجاری نشده ای به چشم می خورد که احتمالاً به منظور حجاری حوادث تاریخی اواخر دوران ساسانی تهیه گردیده است البته در برخی از منابع از آن به عنوان "تقسیم آب مصرفی برای زمین های مزروعی کنار نقش رستم" یاد می نمایند. به عبارتی می توان آن را نقشه ای جهت تقسیم آب در این منطقه در نظر گرفت که از نظرجغرافیایی دارای اهمیت می باشد.



شکل ۱۴-۱- نمایی از نقش اول نقش رستم

تبرستان
www.tabarestan.info

نقش دوم

نقش دوم در مورد تاجگذاری نرسی پسر شاپور اول و فرمانروای ارمنستان در سال ۲۹۴ میلادی بر بهرام سوم پسر بهرام دوم و نوه بهرام اول (یعنی پسر برادرزاده خود) شورید و تاج و تخت ایران را به دست آورد.

نقش سوم

پیروزی بهرام دوم (۲۷۴-۲۹۴ میلادی) را بر دو دشمن خویش نشان می دهد.

نقش چهارم

پیروزی شاپور اول (۲۳۹-۲۷۰ میلادی) بر والرین امپراطور روم را نشان می دهد. در زمان شاپور اول، سه پادشاه رومی به ایران حمله ور شدند. یکی "گردیانوس" جوان بود که در ۲۴۲ میلادی کشته شد. دیگری "فیلیپ عرب" بود که در برابر شاپور ناچار به عجز شد و قبول کرد که باج سالیانه بپردازد و سوم "والرین" بود که در ۲۶۲ میلادی با هفتاد هزار سرباز و امیر و سناتور رومی به دست ایرانیان اسیر گشت. شاپور پیروزی خود را بر دیوار کعبه زرتشت در نقش رستم توصیف نمود.

نقش پنجم

این نقش از دو قسمت تشکیل شده است. نقش بالایی به آذر نرسه یا شاپور ذوالاکتاف می باشد که تقریبا از بین رفته و نقش پایین متعلق به هرمز دوم می باشد (۳۰۲-۳۱۰ میلادی)این نقش صحنه پیروزی هرمز را بر دشمن او نشان می دهد.

نقش ششم

تبرستان www.tabarestan.info

در زیر مقبره داریوش دوم و بر روی کعبه زرتشت، نقش حجاری شده ای مربوط به دوران ساسانی نظر بینندگان را به خود جلب می نماید. طول این نقش ۷.۶ و بلندای آن ۳ متر است . در این نقش یک سوار تاج دار، نیزه خود را بر گردن دشمن فرو کرده است

نقش هفتم

در این نقش پادشاه در حالی که شمشیری را به نشانه قدرت با دو دست گرفته، در میان اعضای خانواده سلطنتی ایستاده است. تاج پادشاه با بال عقاب به نشانه ربهٔالنوع پیروزی تزیین شده است.

نقش هشتم

نقش بهرام دوم و خانواده اش که روی یک حجاری قدیمی عیلامی کنده شده است. این قسمت از کوه، نقشی از اوایل هزاره اول قبل از میلاد وَ متعلق به فرمانروایان عیلامی داشته است که بعدها با ایجاد نقش بهرام دوم صدمه شدیدی دیده است.

کتیبه های نقش رستم بهترین اسناد مربوط به جغرافیای تاریخی ایران است مخصوصاً نقش اول آن که بهترین اثر و سند در مورد تقسیم آب در جغرافیای ایران محسوب می شود.

۳-۱-۳-۸-۱. کتیبه های بیستون

بیستون، مجموعه‌ای تاریخی است در ۳۰ کیلومتری شرق کرمانشاه که در سال ۲۰۰٦ میلادی توسط سازمان یونسکو در فهرست میراث فرهنگی جهان ثبت شد.

کهن‌ترین آثار موجود در آن متعلق به دوران پارینه سنگی و جدیدترین آن مربوط به دوران صفویه است اما شهرتش را بیش از همه مدیون کتیبه و نقش برجسته داریوش اول هخامنشی (٤٨٦-٥٢١ پیش از میلاد) است که در ارتفاع حدود ۸۰متری از پای کوه، بر دل صخره نقر شده این کتیبه مربوط به دوره حکومت داریوش می‌باشد و به دستور مستقیم او حک شده است و عمدتا سه سال اول زمامداری او را به آیندگان معرفی می نماید این سنگ نوشته به سه زبان نوشته شده که ٤١٤سطر آن در پنج ستون و به زبان پارسی، ۵۹۳ سطر و در ۸ ستون به زبان عیلامی و ۱۱۲ سطر در دو ستونَ به زبان بابلی نوشته شده است.[۱]

در این سنگ نوشته‌ها، به دستور داریوش شاه ایران اطلاعاتی از جهان شناخته شده در دوران حکومت او حک شده که این اطلاعات مطالب با ارزشی ازکشورهای همسایه ایران، شهرهای مهم ، دولت های خراج گذار و سرزمین هایی که او به آنها دست یافته و آنها را به قلمرو ایران افزوده را مشخص می‌کند. می‌توان گفت این کتیبه‌ها گونه‌ای نقشه تشریحی از بخش عمده دنیای شناخته شده در آن زمان و تقسیمات کشوری ایران را ارائه داده که در نوع خود در جهان بی نظیر بوده و مهمترین اسناد جغرافیایی ایران باستان به حساب می‌آید.

در بند ششم از ستون اول این کتیبه داریوش از بیست و سه سرزمین یاد می کند که در زمان امپراتوری خود بر آنها حکومت نموده که این سرزمین ها شامل پارس، خوزستان،بابل، آشور، عرب، مصر، ساکناندریا، سارد، یونان،ماد،ارمنستان، کپدوکیه، پارت، زرنک، هرات، خوارزم، بلخ، سغند،قندهار، سکائیه ، ثتگوش، رخج و مک می شده است.

همچنیندربند های هفتم و هشتم این ستون داریوش به نحوه حکومت خود در این سرزمینها می پردازد و چگونگی اداره این سرزمین ها را یاد آور می شود.در بند چهاردهم به نحوه سامان دهی سرزمین های جدید پس از تصرف ، در بند ۱۸ به قابل کشتیرانی بودن رودخانه دجله و عبور سپاه ایراناز این رودخانه و رسیدن او به دشمن وپیروزی بر او، در بند ۱۹ به رودخانه فرات و شهری زیبا در ساحل آن به نام زازان و تصرف آن توسط داریوش اشاره نموده است.

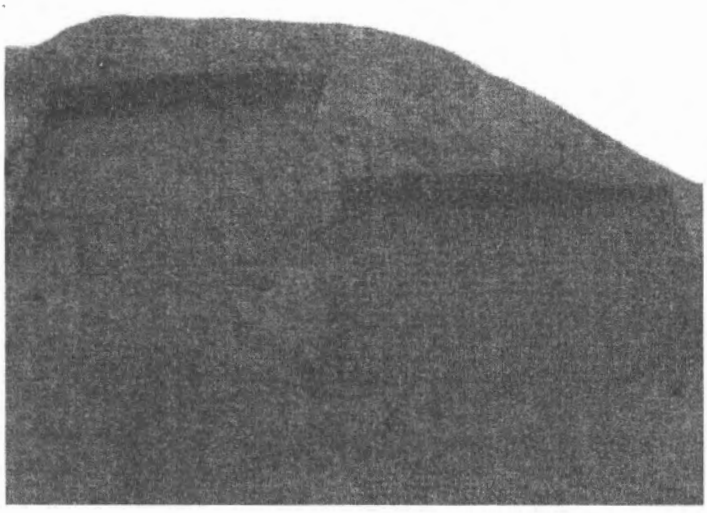
۱- توانگر زمین، محمد کاظم، ترجمه کتیبه هاي هخامنشي، ص۱۴ .

www.tabarestan.info تبرستان

در بند دوم ستون دو این کتیبه او به شورش های سازمان یافته ای اشاره می نماید که در برخی از متصرفات او از جمله خوزستان، مصر،پارت، هرات، بلخ و مرو جهت سرنگونی و کسب استقلال از حکومت مرکزی علیه او شده و او چگونه توانسته این شورش ها را سرکوب نماید.

همچنین در بند ۲ ستون سوم به نحوه مطیع شدن سرزمین پارت و گرگان اشاره می کند.با دقت در متون این کتیبه می توان آن را نوعی اطلس گویا از تاریخ و جغرافیای ایران باستان در دوره حکومت داریوش در نظر گرفت که محدوده چند میلیون کیلومتر مربعی کشور ایران را به خوبی توصیف نموده و اطلاعات با ارزشی را در مورد جغرافیای تاریخی و سیاسی ایران بیان کرده است.

www.tabarestan.info تبرستان



شکل ۱۵-۱- نمونه ای از کتیبه های بیستون

٤-۱-۳-۸-۱. کتیبه‌های شوش

در شوش نیز به عنوان یکی از مهمترین مراکز سیاسی، اقتصادی و تاریخی ایران در عهد باستان ۲۰ کتیبه از داریوش باقیمانده که روی لوح های مرمری،گلی، آجری و زیر ستون های کاخ آپادانا حک شده اند که در برخی از آنها به مرزهای سرزمین ایران ، مستعمرات ایران، محدوده و موقعیت تقریبی امپراتوری ایران، سرزمین‌های تحت حکومت، کشورهای قدرتمند

و شناخته شده ، قدرت های بزرگ و رقیب امپراتوری ایران، مناطق خراج گذار او و مستعمرات این امپراتوری در جهان آن روزاشاره شده است. همچنین مطالبی در مورد نحوه ساخت کاخ آپادانا و مصالحی که در آن بکار رفته شده و کشورهایی که این مصالح از آنجا تأمین شده مطالبی حک شده است. با دقت در این کتیبه می توان اطلاعات با ارزشی از جغرافیای ایران باستان مخصوصاً محدوده حکومت ، ارتباط با سرزمین های دیگر و قلمرو سرزمین ایران در این دوره پی برد.از بین این کتیبه ها دو مورد اهمیّت بیشتری در جغرافیای ایران باستان دارد، یکی از آنها در مورد محدوده و قلمرو امپراتوری ایران در زمان حکومت داریوش است که با نام اختصاری Dse و دیگری در مورد ساخت کاخ آپادانای شوش است که به اختصار Dsf نامیده می شود

www.tabarestan.info تبرستان

کتیبه Dse

این کتیبه بیش از کتیبه های دیگر شوش ارزش جغرافیایی دارد به طوری که در بند دوم آن داریوش اشاره به سرزمین پهناور ایران در زمان حکومت خود می کند و در بند سومآن این محدوده ها را نام می برد و می گوید علاوه بر سرزمین پارس کشور های دیگری نیز وجود دارند که من بر آنها حکومت می نماییم و آنها به من مالیات پرداخت می کنند که این کشورها عبارتند از: سرزمین ماد شامل همدان و سرزمین های محدوده آن ، سرزمین اوجکه سرزمین خوزستان را در بر می گرفت، سرزمین پرثو یا پرسو شامل پارت ها و سرزمین محل سکونت آنها در شمال شرق ، سرزمین هریو شامل سرزمین های اطراف هرات می شود، سرزمین باختری محدوده ای را در غرب شامل می شد در برخی ازمنابع از این ایالت به عنوان ایالت بلخ نیز یاد شده است . سرزمین سوگود که شامل سرزمین های آنسوی سیحون و جیحون یا ماوراء النهر را دربر می گرفت. سرزمین اووارزمیشامل خوارزم بود، سرزمین زرک ناحیه سیستان و جنوب شرق ایران را شامل می شد، هرووتی قسمت شمالی و شرقی هرات را دربر می گرفت، ثتگوش در منابع امروزی محدوده آن به درستی مشخص نیست، مچیا، سرزمین بلوچستان را دربر می گرفت، گدار شامل قندهار و سرزمین های اطراف آن می شد، هید، شبه قاره هند را در بر می گرفت، سکاهئوورگا،سکاهای هرمخوار،سکاتیگرخئودا،سکاهای

تیزکلا ،بابیرو، بابل ،اثورا،آشور،اربای،ناحیه شمالی عربستان را شامل می شد که به صورت قبیله ای اداره می شد سرزمین مودرای،مصر باستان را در بر می گرفت و محدوده آن تا نزدیک سودان گسترش می یافت ، سرزمین ارمین کشور ارمنستان را دربر می گفت سرزمین کتپوتوک، ناحیه ای در مرکز ترکیه امروزی را شامل می شد که تحت سیطره رومیان بود ، سرزمین سپرد، لیدی،یئونا،یونان،سکودر،سرزمینی در محدوده مقدونیه امروزی را در بر می گرفت سرزمین پوتایا شامل شمال افریقا و به خصوص لیبی ، تونس و مراکش امروزی را شامل می شدسرزمین کوشی یا محدوده اتیوپی و حبشه را دربر می گرفت و سرزمین کرکاکشوری بود در جنوب آسیای صغیر.[۱]

www.tabarestan.info تبرستان

با دقّت در بندهای این کتیبه می توان اطلاعات جغرافیایی ارزشمندی از یک سوم جهان باستان کسب نمود در این کتیبه نزدیک به ۳۰ کشورباستانی که داریوشبر آنها حکومت می نموده سخن به میان آمده و اگر به درستی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد اطلاعات جغرافیایی و توصیفی جهان باستان را می توان از آن استخراج نمود.

کتیبهDsf

در این کتیبه به نحوه ساخت کاخ آپادانا و تقسیم کار در انجام این پروژه عظیم و نقش مردم هر قسمت از سرزمین ایران و کشورهای مجاور در ساخت آن اشاره شده است. با دقّت در این کتیبه می توان به اطلاعات ارزشمندی در خصوص قلمرو ، اقتصاد ، منابع زیر زمینی، نیروی انسانی و هنر کشورهای مجاور ایران پیبرد.

در بند سوم این کتیبه در مورد ساخت کاخ آپادانا آمدهَ است: جهت ساخت کاخ آپادانا ابتدا پی کنی و زیر سازی آن را مردم شوش انجام دادند ، خشت و آجر مورد نیاز آن توسط مردم بابل تهیه شد.الوار مورد نیاز جهت سقف آن توسط آشوری ها از ارتفاعات لبنان آورده شد برخی از چوب ها نیز از سرزمین بابل به آپادانا حمل گردید. الوار کاج مورد نیاز نیز از یونان به شوش منتقل گردید.علاوه بر این برخی از چوپ هاکه برای حکاکی مناسب تر و جهت تاق ها و رفها مورد نیاز بود از قندهار و کرمان به آپادانا حمل گردید. طلای مورد نیازبرای تزئین

۱- توانگر زمین، محمد کاظم ، ترجمه کتیبه هاي هخامنشي، ص۷۰ .

سردر ها از ناحیه اسپارت و بلخ به آپادانا حمل شد.علاوه بر طلا برخی ازسنگ های قیمتی مورد نیاز جهت نماسازی این کاخ از سغند آورده شدو برخی از سنگ های قیمتی نیز از خوارزم به این مکان حمل گردید.



شکل۱۶-۱- یکی از کتیبه های شوش

نقره و چوب های سنگ مانند که استحکام زیادی داشتند و هم زیبایی خاصی به کاخ می دادند از کشور مصر به آپادانا حمل گردیدزیورها و تزئینات دیوارهای کاخ از سواحل آسیایی مدیترانه یعنی سواحل لبنان و فلسطین به اینجاحمل گردید.عاج مورد نیاز جهت ظروف تزئینی نیز از کشور حبشه و شرق قاره افریقا وارد شد.همچنین از هندوستان و هرات نیز مقداری عاج وارد شده است.

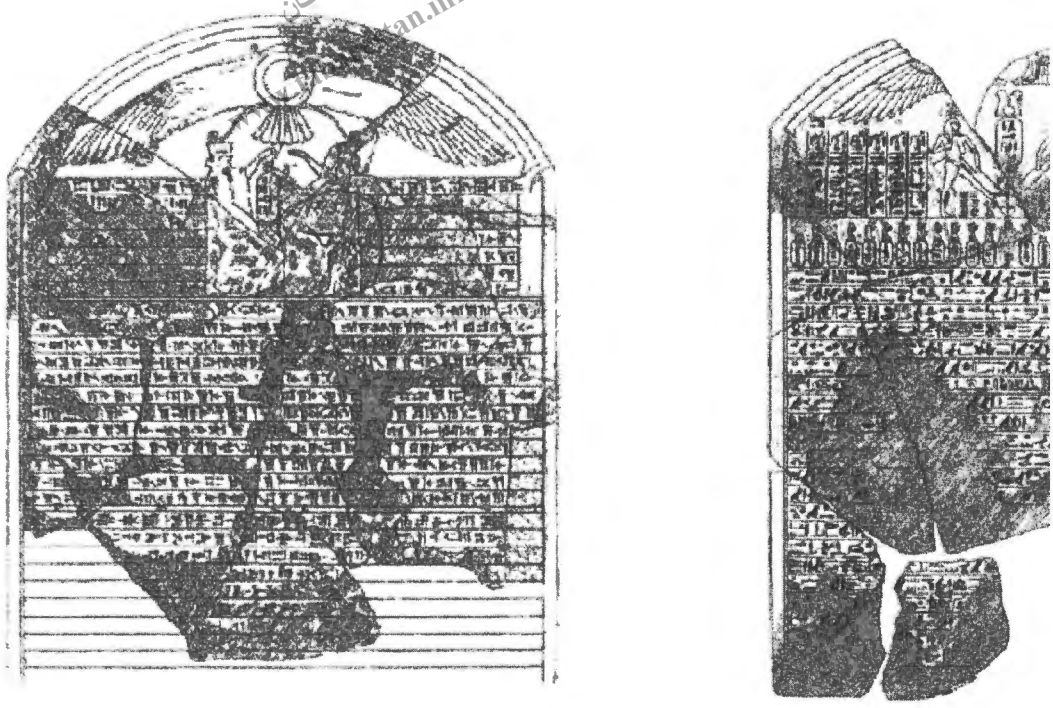
همچنین ستون های سنگی از روستایی به نام ابیرادوش در خوزستان به آپادانا حمل شد و سنگ تراشان یونانی ، ساردی و ارمنی آنها را تراشیدند.

زرگران مادی و مصری، نجّاران مصری و ساردی ، آجرپزان بابلی کار تزیئنات داخلی این

کاخ را عهده دار بودند.[۱]

۵-۱-۳-۸-۱. کتیبه‌های سوئز

در این کتیبه‌ها، مانند سایر کتیبه‌های ایران باستان ابتدا اشاره‌ای بـه مرزهـا و محـدوده‌هـای سرزمین تحت حکومت و مستعمرات داریوش، پادشاه ایران شده سپس نحوه تصرّف آنها بیان



شکل۱۷-۱- دو نمونه از کتیبه های سوئز

شده همچنین در قسمتی از این کتیبه، اشاره‌ای به دستور تاریخی داریوش ، پادشـاه ایـران برای حفر کانال سوئز و ارتباط دریای مدیترانه به دریـای سـرخ شـده اسـت .[۲] ایـن کتیبـه را

۱- توانگر زمین، محمد کاظم ، ترجمه کتیبه های هخامنشی، ص۷۹.

۲- افتخارزاده، محمودرضا، تحریر اوستایی تاریخ ایران باستان، ص۹۸ .

می‌توان یکی از اسناد مهم جغرافیای ایران باستان و نشانه قدرت، عظمت و تسلّط حکومت‌های ایران باستان بر قسمت‌های وسیعی از دنیای باستان به خصوص منطقه جنوب غربی آسیا و شمال آفریقا به حساب آورد. محدوده ای که در این کتیبه ذکر شده حدود نیمی از جهان شناخته شده در دوران باستان بوده است.

این کتیبه مهمترین کتیبه ای است که مربوط به داریوش است و در کانال سوئز در کشور مصر پیدا شده که بر روی سنگ در فاصله ۳۳ کیلومتری در غرب کانال سوئزامروزپیپدا شده است. که به خط عیلامی و بابلی حکاکی شده است. همچنین در پشت این کتیبه به زبان مصری در مورد حفراین کانال توضیح داده شده است.

www.tabarestan.info تبرستان

در بند سوم این کتیبه آمده است. من پارسی هستم : مصر را تسخیر نموده ام سپس دستور دادم تا این ترعه را بین رودخانه ((پیروا)) و دریای پارس حفر کنند تا کشتی ها بتوانند از مصر به سمت پارس بروند و این آرزوی بزرگ من برآورده شود.[۱]

۲-۳-۸-۱. کتیبه‌های خشایار شاه

در فاصله سال‌های ٤٨٦تا٤٦٥ قبل از میلاد تعداد ۱۸ کتیبه از خشایار شاه به جای مانده از مهمترین کتیبه‌های بازمانده از خشایار شاه که مطالب جغرافیایی را در بر می‌گیرند، می‌توان به کتیبه‌های تخت جمشید اشاره نمود که در این کتیبه‌ها خشایار شاه، به معرفی و بیان موقعیّت جغرافیایی سرزمین‌های تحت حکومت ایران و مستعمره‌های این کشور، سرکوب و فرونشاندن شورش‌های مخالفان در سرزمین ایران و سرزمین‌های تحت سلطه او انجام داده‌اند پرداخته و به نحوی قدرت نمایی پادشاهان ایرانی را در کشور ایران و کشورهای مجاور به رخ دشمنان ایران کشیده است.این کتیبه به نحوی اقتدار داخلی و قدرت نمایی خارجی پادشاهان ایرانی را در ژئوپولوتیک و جغرافیای سیاسی جهان مطرح می کند.

یکی از مهمترین کتیبه های حکاکی شده توسط خشایار شاه کتیبه ای است که در روی قصری در منطقه وان در کشور ترکیه امروزی حک شده است. در این کتیبه پس از ذکر اهورامزدا به عنوان خدای بزرگ جهان، در بند دوم به این مطلب اشاره میکند. که من خشایار

۱- توانگر زمین، محمد کاظم ، ترجمه کتیبه های هخامنشی،ص۷۹ .

شاه بر سرزمین های پهناور جهان حاکم هستم که این سرزمین ها آباد است و ایـن آبـادانی را من برای این سرزمین ها به ارمغان آورده ام.

۳-۳-۸-۱. کتیبه شاپور یکم

تاریخ این کتیبه مربوط به سال ۲٦۰ میلادی می‌باشد که به دستور شاپور یکم، حـک شـده است. در این کتیبه، مطالبی پیرامون مرزهای دولت ساسانی با سرزمین‌هـا و اقـوام مجـاور بـه چشم می‌خورد. در یکی از بندهای آن اشاره ای به ابر شهر ایرانی شده و از حیث جغرافیـای می‌توان این کتیبه را یکی از اسناد مهم جغرافیایی ایران باستان دانست.[۱] همچنین در این کتیبـه شمار استان‌های کشور در دوره ساسانیان ذکر شده است کـه از ایـن حیـث منحصـر بـه فـرد می‌باشد و می‌توان این کتیبه را یکی از مهمترین اسناد مربوط به تقسیمات سیاسـی و کشـوری در ایران و جهان باستان به حساب آورد. علاوه بر این در این کتیبه، سرزمین‌های تحت اشغال و خراج گذار ایران در دوره ساسانیان معرفی شده‌اند[۲] که از نظر قـدرت سیاسـی ایـران، قابـل توجّه می‌باشد.

مطالعه کتیبه‌های ایران باستان، نشان از توان بالای علمی، فرهنگی و هنری این کشـور دارد و این مطلب را در ذهن هر پرسشگر تداعی می‌کند که قطعاً بایستی در تمامی زمینه‌های علمی در ایران باستان، آثار مکتوب علمی وجود داشته که در حوادث مهمّی کـه کشـوربا آن روبـرو شده از بین رفته و این کتیبه‌ها به دلیل اینکه روی سنگ حکاکی شده بر جای مانده اسـت. در حقیقت این کتیبه را می‌توان کتابخانه‌های نسوزی دانست که هیچ انسان بی فرهنگـی نتوانسـته آن را نابود کند.

٤-۳-۸-۱. کتیبه پیوتین گرایا

منطقه تاکستان در استان قزوین که به سـرزمین «تـات‌هـا» معـروف اسـت درگذشـته «سـیاده» یـا «سیادهن»نامیده می‌شد. نام «سیادهن» بر روی یکی از کتیبه‌های دوران هخامنشـی موسـوم بـه پیـوتین گرایا حک شده است. این کتیبه که به زبان یونانی نوشته شده و هم اکنون در موزه شهر وین، نگهداری

۱- یارشاطر، احسان ، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیانص۱۲۸ .

۲- افتخارزاده، محمودرضا ، تحریر اوستایی تاریخ ایران باستان ، ص۱۰۱.

می‌شود.از قدیمی‌ترین اسناد نوشتاری به دست آمده در مورد این قسمت از ایران است. کتیبه «پیوتین گرایا»متعلق به دوران حکومت هخامنشیان (۲۳۰۰ سال پیش) دومین سلسله بزرگ ایران قبل از اسلام است در این کتیبه که به زبانی یونانی حک شده و در موزه شهر وین کشور اتریش نگهداری می‌شود اشاره ای به جغرافیای منطقه ای ایران شده ، آمده است تاکستان و ساوه از شهرهای سرسبز و آباد شمال فلات ایران است.

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل دوم

نقش جغرافیدانان غیر ایرانی در جغرافیای ایران باستان

سرزمین ایران به دلیل وسعت زیاد ،موقعیّت جغرافیایی مناسب و تنوع آب و هوایی همواره مورد توّجه کشورگشایان،جهانگردان و جغرافیدانان باستان بوده است. به همین دلیل منابع جغرافیایی و جغرافیدانان معروفی در مورد این سرزمین پهناور مطلب نوشته اند بررسی های علمی حکایت از این دارد هیچ کشور دنیا به اندازه ایران مورد توّجه جغرافیدانان خارجی نبوده است به همین دلیل قبل از معرفی جغرافیدانان ایرانی لازم است اشاره ای مختصر نیز به جغرافیدانان سایر کشورهایی که در مورد ایران آثار علمی مکتوب داشته اند شود و آثار جغرافیایی آنها مورد بررسی قرار گیرد. بنابراین این فصل در دو بخش تحت عنوان جغرافیدانان خارجی و ایرانی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

www.tabarestan.info تبرستان

۱-۱. نقش جغرافیدانان یونانی در جغرافیای ایران قبل از اسلام

اگر امپراتوری های جهان باستان را از نظر ساختار حکومتی بررسی نماییم می توانیم امپراتوری روم را یک امپراتوری کاملاً نظامی، امپراتوری ایران را یک امپراتوری نظامی- دینی و امپراتوری یونان را یک امپراتوری علمی در نظر بگیریم از این رو در تاریخ علمی بیشتر کشورها دانشمندان یونانی نقش برجسته تری داشته اند. مهمترین عاملی که یونان باستان را از نظر علمی بر سر زبانها آورد این بود که حملات اسکندر به کشورهای دیگر نقش مهمی در انتشار دانش یونانیان به جهان شناخته شده آن زمان داشت به طوری که حمله او دانش یونانی را تا فواصل دوری از مشرق زمین پیش برد او سراسر شرق شناخته شده را مورد تاخت و تاز خود قرار داد و دانش و فرهنگ یونان را نیز در محدوده و متصرفات پراکنده گرداند او قصد گسترش امپراتوری خود را در سرزمین های ناشناخته شرق را داشت که به دلیل شورش برخی از سربازان خود ناچار به بازگشت شد و منابع علمی زیادی از کتابخانه های ایران را برای عالمان یونانی به سوغات برد. پس از بازگشت اسکندر از ایران تأثیر فرهنگ یونانی در ایران باقی ماند و حتی در زمان روی کار آمدن حکومت های مستقل نیز آثار فرهنگی این تأثیرات نمایان بود به عنوان مثال در زمان حکومت اشکانیان نیز چند شهر یونانی که از زمان اسکندر و جانشینان او باقی مانده بودند که از نظر حکومت مستقل بودند و به پادشاهان اشکانی خراج می پرداختند از جمله این

شهر ها می توان سلوکیه پایتخت سلوکی ها را نام برد . عـدد شـهرهای مسـتقل یونـانی در ممالک اشکانی از ٦٠ شهر متجاوز بود وجود این شـهر هـا در کشـور ایـران سـبب انتشـار فرهنگ یونانی در مشرق زمین بود.[1] آنچه در مورد نقش جغرافیدانان یونانی در شـکوفایی دانش جغرافیای ایران مطرح می شود در غالب کتاب و سفرنامه قابل بررسـی مـی باشـد از این رو این منابع در غالب آثار به جای مانده از جغرافیدانان یونانی قابل بررسی مـی باشـد. تاثیر جغرافیدانان یونانی از دو دیـدگاه قابـل بررسـی مـی باشـد اول اینکـه آنهـا مسـتقیماً جغرافیای ایران باستان را مورد مطالعـه قـرار داده و اطلاعـات ارزشـمندی را از جغرافیـای ایران باستان به منابع جغرافیای ایران اضافه نمودند دوم اینکه با ترجمه آثار جغرافیایی آنهـا توسّط مسلمانان بسیاری از افکار، عقاید، روشها و اطلاعات علمـی آنـان از طریـق اعـراب وارد جغرافیای ایران گردید. بیشترین مطالب مطرح شـده در آثـار مورّخـان و جغرافیـدانان یونانی در مورد ایران مطالبی است که در مورد خلیج فارس و سرزمین هـای جنـوب ایـران نوشته اند.

www.tabarestan.info تبرستان

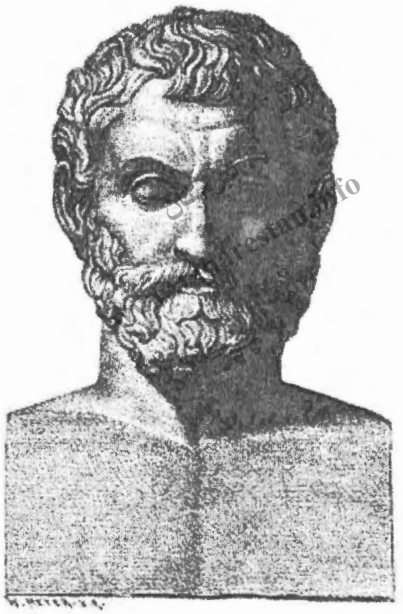
بر اساس نوشته‌های مورّخان یونانی ماننـد هـرودت (٤٨٤ – ٤٢٥ ق.م) کتزیـاس - 445) 380ق.م)، گزنفون (٤٣٠ – ٣٥٢ ق.م) استرابن (٦٣ ق.م – ٢٤ م) که پیش از مـیلاد مسـیح می‌زیسته‌اند؛ یونانیان نخستین ملتی هستند که به این دریـا نـام پـرس و بـه سـرزمین ایـران پارسه، پرسای، پرس‌پولیس یعنی شهر یا مملکت پارسیان داده‌اند.

« هکاتیوس هلطی» از علمای قدیم یونان که به پدر جغرافیا ملقب است، در سال ٤٧٥ قبل از میلاد از نام دریای پارس استفاده کرده است. در نقشه‌های باسـتانی از قـول هـرودوت و گزنفون به این دریا، دریای پارس اطلاق شده است و بطلمیوس جغرافی نگار، نقشه‌نگـار و ریاضیدان مشهور قرن دوم میلادی، در کتاب جغرافیای عالم که به زبان لاتین نگاشـته شـده و همچنین در نقشه‌ای که کشیده، از خلیج‌فارس با نام پرسیکوس سینوس یاد کرده است.

---

[1] - ترابی، سید محمد، نگاهی به تاریخ ادبیات ایران بیش از اسلام، ص٥١.

جغرافیدانان یونانی در توسعه دانش جغرافیا در ایران بیشتر از ملل دیگر موثر بودند بر این اساس بر حسب زمان تاثیر گذاری آنان در جغرافیای ایران مطالب مختصری در مورد آنان بیان می گردد.



۱-۱-۲. تالس[1]

تالس در قرون ششم و هفتم قبل از میلاد می زیست در ادبیات علمی جهان از تالس به عنوان یک ریاضیدان یاد می شود امّا با مطالعه آثار او می توان چنین نتیجه گرفت که تالس جغرافیدانی بود که ریاضی زیاد می دانست و در راه رسیدن به اهداف جغرافیایی خود از دانش ریاضیات به عنوان یک ابزار مطمئن استفاده می نمود او پرورش یافته مکتب شهر ملطیه[2] واقع در کرانه شرقی دریای اژه در سواحل غربی ترکیه امروزی بود . در زمان تالس این شهر به یکی از مراکز علمی_ تجاری یونان تبدیل شده بود که کشتی های سراسر جهان در آن لنگر انداخته اطلاعات تجاری، علمی، اقتصادی و مسیر های جدید کشتیرانی را از این شهردریافت می نمودند. ملاّحان و تجّار، ثروت و اطلاعات مربوط به چیزهائی را که شبیه تعلقات فراسوی

1-Thales
2 -Miletus

حواشی افق های یونان بودند و اطلاعات در مورد اروپا و شمال دریای سیاه یا درباره کشورهای عجیب آسیا در مشرق یا آنچه می توانست در جنوب مصر پیدا شود را به ملطیه می آوردند . بین سال های ۷۷۰ و ۵۷۰ قبل از میلاد ملطیه در حدود هشتاد مستعمره در سواحل دریای سیاه و مدیترانه ایجاد نمود. در این هنگام نه تنها جریانی از اطلاعات جغرافیایی در این شهر بوجود آمد بلکه یک گروه از متفکّرین راجع به اینکه چگونه تمام این اطلاعات گوناگون را در یک نوع نظم پر معنی جمع آوری کنند اندیشه می کردند . همچنین گزارشات مربوط به هندسه مصری، جبر سومری و نجوم آشوری به ملطیه سرازیر شد[۱] به همین خاطر این شهر از هر جهت مناسب برای رشد افکار علمی و بخصوص جغرافیایی گردید و زمینه رشد جغرافیدانان بزرگی چون تالس و آناکسی ماندر در آن فراهم شد. تالس در ابتدا یکی از تجار شهر ملطیه بود که در این شهر به تجّارت روغن زیتون اشتغال داشت. و در بنادر دریای اژه و مدیترانه به تجّارت زیتون ، چوب صدر و سنگ های تزئینی جهت تزئینات کاخ ها و معابد می پرداخت ، و در تمامی سواحل مدیترانه یعنی از تنگه جبل الطارق تا دریای اژه به کشتیرانی مشغول بود. به دلیل اینکه تجربیات گسترده ای در زمینه دریا نوردی داشت در زادگاه خود مورد توجه بسیاری از دریا نوردان قرار گرفت و اقدام به جمع آوری وتدوین اطلاعات مربوط به راههای مهم تجاری نمود و آنها را در اختیار تجّار و دریانوردان قرار می داد . اطلاعات جغرافیایی و دریا نوردی او در کتابچه ای شبیه به اطلس های امروزی دریاهای شناخته شده جهان آن زمان را ترسیم نموده در اختیار دریانوردان قرار می داد او خالق نظریات گسترده ای در بیشتر علوم زمان خود بود اما اگر آثار او از نظر جغرافیایی مورد بررسی قرار گیرد او را اولین جغرافیدانی می دانند که در مورد موقعیّت اشیاء در کره زمین سخن گفته است. بنابراین می توان او را بنیانگذار سیستم مختصّات جغرافیایی در جهان معرّفی نمود. تأثیرات این دانشمند در جغرافیا به واسطه این است که او اولین جغرافیدانی است که در سطح وسیعی از دانش ریاضی در علم جغرافیا استفاده نمود.هر چند در بسیاری از منابع اراتوستن را پدر علم جغرافیا می دانند اما تالس با وارد نمودن ریاضیات به علم جغرافیا بیش از همه به این

www.tabarestan.info تبرستان

---

۱ - نظري، علي اصغر، تاريخ علم جغرافيا، ص ۵.

علم هوّیت علمی بخشید و مکتب تالسی را در فلسفه جغرافیا به نام خود ثبت نمود . در این مکتب پدیده های جغرافیایی بر اساس مدل ها و نظریات ریاضی مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. امّا آنچه سبب شد تا در این کتاب از تالس به عنوان یک جغرافیدان یاد شود این بود که او در مورد سواحل جنوبی خلیج فارس ، دریای عمان و مرزهای غربی ایران مطالب قابل توجهی نوشته است که به عنوان اسناد جغرافیای تاریخی ایران قابل بررسی می باشد. به دلیل دریانورد بودن تالس اطلاعات جغرافیایی او در مورد ایران محدود به جنوب ، غرب و شمال ایران می باشد در آثار او اطلاعات قابل توجهی در رابطه با مربوط به نواحی شرقی ایران به چشم نمی خورد.

www.tabarestan.info تبرستان

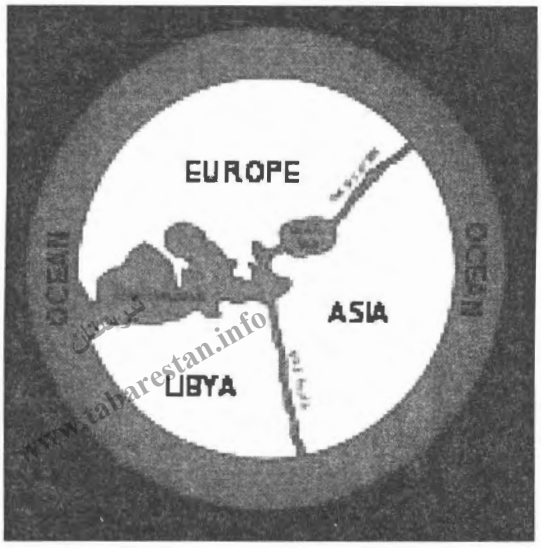


۲-۱-۲. آناکسی ماندر[۱]

یکی از مهمترین جغرافیدانان یونانی می باشد که اطلاعات مهمی در مورد مناطق جغرافیایی ایران از جمله دریای خزر ارائه نموده است آناکسی ماندر اولین نقشه جغرافیایی و تقیسمات جغرافیایی از جهان شناخته شده باستان را در قرن هفتم و ششم قبل از میلاد ارائه داد.[۲] این نقشه اولین نقشه ای است که با مقیاسی معین ترسیم شده است در این نقشه یونان در مرکز و سایر قسمت های اروپا و آسیا نسبت به یونان، در اطراف آن ترسیم شده است.

1-Anaximandert

۲ - صفي نژاد،جواد، مباني جغرافياي انساني ، ص۲.



www.tabarestan.info تبرستان

نقشه جهان ترسیم شده توسط اناکسی ماندر

در بیشتر منابع، او را اولین جغرافیدانی می دانند که همراه با تالس ریاضیات را وارد جغرافی نمود و در مساحی پدیده های جغرافیا از آن استفاده نمود. مطالب او در مورد ایران بیشتر محدود به سواحل جنوبی ایران و رودخانه های دجله و فرات می باشد او نقشه ای از سواحل جنوبی ایران تهیه نموده که از نظر جغرافیای ساحلی قابل توجه می باشد او این سواحل را به خوبی می شناخته و تا محدوده قرنه(محل اتصال رودخانه دجله و فرات در استان بصره عراق) با قایق طی نموده در مورد جغرافیای آنجا مطلب نوشته است. می توان گفت نقشه تهیه شده او در مورد خلیج فارس قدیمی ترین نقشه علمی در مورد این قسمت از ایران است.

دربسیاری از منابع آناکسی ماندر را بنیانگزار جغرافیای ریاضی شناخته اند زیرا او برای اولین بار تمایل محور خورشید، بی انتها بودن جهان و چرخش عالم را به دور ستاره قطبی کشف نمود او با وجود اینکه از شاگردان مکتب تالس بود اما نظریه او در مورد زمین که معتقد بود زمین به صورت دیسک شناور در آب است را قبول نداشت و زمین را استوانه ای تصّور

می نمود که در آب شناور و بخش بالایی آن جهان مسکون را تشکیل می دهد.[۱]

آناکسی ماندر بیش از جغرافیدانان زمان خود در جغرافیای ایران تأثیر گذار بوده و می توان تاثیر گذاری او را در جغرافیای ایران پس از اراتوستن در نظر گرفت.

۳-۱-۲. اریستاکر

اریستاکر از جغرافیدانان یونان باستان می باشد که همراه با آناکسی ماندر نخستین نقشه جهان را ترسیم نمود او بر خلاف برخی از جغرافیدانان زمان خود تمایلی به ثبت اطلاعات دیگران نداشت و اطلاعات علمی مورد نیاز خود را از طریق سفر به نواحی مختلف جهان کسب می نمود مهمترین و پر ماجرا ترین سفر او سفری بود که از طریق خلیج فارس و رودخانه دجله تا ترکیه امروزی و از آنجا از طریق کوه های توروس و آنتی توروس به دریای سیاه انجام داد و اطلاعات ارزشمندی در مورد منطقه بین النهرین کسب نمود. او جهان شناخته شده باستان را به سه قسمت آسیا، اروپا و لیبی(آفریقا) تقسیم می نمود که مرز بین اروپا و آسیا را رودخانه دون، ولگا و کوههای اورال کنونی، و مرز بین لیبی(آفریقا) و آسیا را رود نیل و مرز این سه قاره را دریای اروپای جنوبی (دریای مدیترانه) ، سواحل افریقای شمالی و آسیای جنوب غربی در نظر گرفته بود.[۲] تقسیمات این جغرافیدان از جهان باستان را می توان علمی تر از سایر تقسیمات در نظر گرفت چرا که او برای این تقسیمات از آب استفاده نموده و مرز تفکیک قاره ها را پهنه های وسیع آبی دانسته است که از نظر علمی به واقعیت نزدیکتر می باشد. اریستاکر کشور ایران را یکی از کشور های وسیع جهان می دانست که مرزهای غربی آن رودخانه فرات در کشور عراق کنونی مرز شرقی آن رودخانه سند یا اینـدوس در کشور پاکستان کنونی ، مرز جنوبی آن خلیج فارس و مرز شمالی آن را دریای خزر می دانست. اگر از برخی از اشتباهات پیش و پا افتاده او در مورد حدود مرزها ی غربی ایران اغماض شود می توان گفت او مرزهای ایران را در دوره باستان دقیق تر از هر جغرافیدانی ترسیم نموده است.

www.tabarestan.info تبرستان

---

۱ ـ جداری عیوضی، جمشید، اصول کارتوگرافي ،ص،۱۹.

۲ ـ صفي نژاد،جواد،مباني جغرافياي انساني، ص۲.

٤-١-٢.هکاتائوس ١

با درگذشت تالس و آناکسی ماندر، در شهرملطیه جغرافیدان دیگری به نام هکاتائوس ظهور نمود که تحولی اساسی در علم جغرافیا بوجود آورد وی در قرن پنجم قبل از میلاد در یونان می زیست شهرت او به خاطر ساده نویسی او بود که با نثری ساده و روان جهان شناخته شده خود را توصیف نموده است. او جهان را به دو قسمت تقسیم نمود یک قسمت جهان شناخته شده آن روز که به سه قسمت آسیا، اروپا و آفریقا تقسیم می شد و دیگری جهان ناشناخته و به گفته او جهان تاریک بود که در افق های دور دست قرار داشت. وی عقیده داشت آب و منابع آن باید در صدر مطالعات جغرافیایی قرار گیرد او همچنین بر این باور بود که بایستی منابع شناخته شده جهان که در اطراف ما وجود دارد را به شکل قابل استفاده درآورده از آن برای اداره بهتر آینده استفاده نمود.٢ هکاتائوس اولین نثر نویس یونان محسوب می شود، که در مورد جغرافیا مطالبی را به نثر نوشته است.

www.tabarestan.info تبرستان

٥-١-٢.بطلمیوس



بطلمیوس معروفترین جغرافیدان و منجم یونانی حوضه اسکندریه می باشد، که در قرن دوم

1-Hecataeus

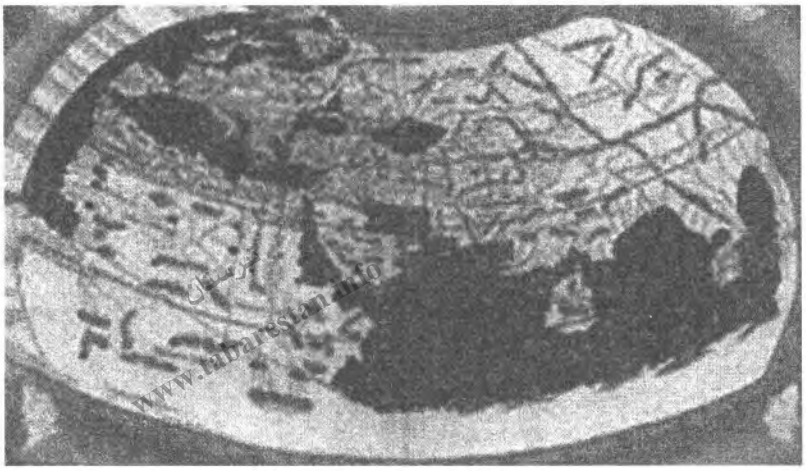
٢ - نظري، علي اصغر ، تاريخ علم جغرافيا ، ص ٨.

میلادی می زیست و مدت های مدّیدی کتابخانه اسکندریه تحت مدیریت او قرار داشت و نقش مهمی در انتقال کتاب از سرزمین های تحت تصرف اسکندر به اسکندریه داشت. او بیش از تمامی جغرافیدانان زمان خود از نقشه استفاده می نمود و بسیاری از فنون و روش های کارتوگرافی را به دنیای علمی تقدیم نمود به همین دلیل او را پدر کارتوگرافی جهان لقب داده اند چراکه او نخستین نقشه های جهان شناخته شده را با روش ها و اصول علمی و کامل ترسیم نمود . از آنجایی که اکثر جغرافیدانان بعد از اسلام ایران بیشتر اطلاعات خود را از کتاب‌های بطلمیوس اخذ نمودند، اطلاعات علمی خود را مدیون کتاب‌ها و نوشته‌های جغرافیایی او می دانند. جغرافیدانان جهان اسلام چه ایرانی و چه عرب پایه و اساس علم جغرافیا و نقشه کشی در اسلام را ازمنابع اطلاعاتی این دانشمند می‌دانند. مسلمانان کتاب جغرافیای او را ترجمه نمودند و با اسامی ((مسالک و الممالک)) و((جغرافی)) پایه اولیه علم جغرافیا را در جامعه اسلامی بنیانگذاری نمودند و ایرانیان نیز این علم را از طریق اعراب وارد جامعه علمی خود نمودند.با بررسی منابع جغرافیای ایران باستان و مسلمانان می توان گفت جغرافیای ایران باستان و مسلمانان بیش از همه مدیون این جغرافیدانان می باشد. اما مهمترین سند جغرافیایی او نقشه جغرافیایی است که این دانشمند در مورد شهرهای شناخته شده جهان ترسیم نموده و شهرهای مهم جهان را در آن مشخص نموده که شهرهای ایران نیز در این نقشه به صورتی کامل ترسیم شده است. شکل ۵ نقشه ترسیمی این دانشمند از ایران را مشخص می کند[۱] در این نقشه موقعیت بیش از ۵۰۰ شهر ایران مشخص شده که این شهرها بر اساس مناطق و نواحی شکل گیری در ۱۸ ناحیه جغرافیایی در روی نقشه معین شده اند که بر اساس نواحی شکل گیری عبارتنداز:

www.tabarestan.info تبرستان

---

۱ ـ مفرد، علی، شهرهای ایران باستان در نقشه های بطلمیوسی۱۱ خرداد ۱۳۹۴،سایت نشریات و مقالات آفتاب



نقشه شهر هاي جهان(بطلميوس قرن دوم ميلادي)

۱- نام شهرهای ناحیه آران (آلبانیای قفقاز) در نقشه های بطلمیوس

آگوانی، آلبانیا یا اران (سرزمین آتش) ، تاگودا (تاووز)، سامیا (شمکور)، باکچیا (گنجه)، دگلانا (داشکسن)، نیگا (نوخا)، آلبینا (آغدام)، موسیکا (کازاخ)، سامونیس (سومگائیت)، پورتئه آلبانیا (دربند)، بزیاتا (برزنج)، بروسا (برذعه)، گائترا (گوکجه)، آدیبلا (امیشلی)، مامِچیا (مینگه چائور)، آلبانیا (محل آلو وآتش، باکو)، آلاموس (دَوَچی)، شاداشا (شابران)، سمینا (شاماخی)، سکاشینا (شکی)، توگوا (شیروان)، گائوفون (کوبّا)، سانینا (نفت چالا)، گبالـه (قبله)، کوبوتا (کوباچی)، میسیا (مَرَزه)، یوبولا (جولاچ)، ایونا (آو یونه،عیونا،محل چشمه، بولاغ)، اِمبولا (بیلقان)، اوسیکا (اوردوباد)، آرساراتا (آستارا)، ساکالبینا (هشت پر) و چُلواتا (سالیانی).

۲- نام شهرهای منطقه آذربایجان در نقشه های بطلمیوس

مارگیانه (مراغه) ،موروندا یا ماندااگارا (مرند) و فراسپَ (تخت سلیمان)، زاوزاکا (خراجو)، سراسَ (کوره سره) و نازادا (نقده) ، تاروا (تبریز)، ماتوستانا (مراغه) و زورزوا (دوزدوزان) گنج شیچیکان (چیکان حالیه) زوزوا (کت ران) آناریوم (نامحدود و گسترده) ، سیگوه (سئوکوه، محل سود و خراج) ، آستاکانه (محل انگور) ارومیه، اورمیاته، آرمائیت (جایگاه رسا و

گسترده) ، ساوجبلاغ (مهاباد، محل خراج و سود) ، ملکان (انگوران) ، سوگوسرا (سرای استراحت و خواب کاروانها) و کوبینا (محل چشمه و چاه و ناف) شبستر، اردبیل (اردی ویل) موروندا (مرند)، تونزارما (دزمار)، فناسپه (هشترود)، آوزاگا (زنوز)، زازاگا (محل طلب دعا،) و سراسَ (سراسکند)،نزدا (نقده) و آرسیس کا (سقز).

۳- شهرهای ناحیه جنوب غربی دریای مازندران در نقشه های بطلمیوس

فارامبارا (فامنین)، تیگرانا (زنجان)، گاوازین (قزوین) و آلوسا (آوج)،گابالـه (قبلـه)، سـانینا (نفت چاله)، اوسا (ویل وان)، ناندا (نمین)، فازابا (پیلسوار)، تازینـا/دژ کادوسـیان (تـازه آبـاد)، ورنه (خلخال)، گابریس (گرمی)، سازوآ (شنگیر)، ساندیلن (سندس)، زالاسـا (کلشـتر)، کورنـا (کنارسر)، امانا (امین آباد)، ثاساسرا (صومعه سرا) و سیروپلیس (کیور چال).

٤- نام شهرهای ناحیه ماد کاسپیانه در نقشه های بطلمیوسی

فاذابا/پهاذابا (بیله سوار)، ناندا (نمین)، گابریس (گرمی)، فراسپَ/پراسپَ (تخت سلیمان)، کورنا (کنار سر)، زالاسه (کلشتر)، آکولا (گلوگاه)، اوراکانا (انزلی)، گالا (کلسر انزلی)، ماناداگارسیس (رشت)، فناکا (فومن)، الیکادرا (لاهیجان). آگانزانا (قزوین)، بتینا (بوئین زهرا)، وساسپا (اسفاران)، نیگوذا (کمیجان)، رازوندا (رزن)، ونکا (ونک)، سنائیس (سنگاوین)، تراواسکا (طرز آباد)، چوآن (چوبینه)، آرادیس (آرا قلعه)، کوکاسترا (قهاوند)، گوریمنا (فرمیهن)، اکباتانا (همدان)، نیفاواندا (نوازن)، زانیا (سنیجان)، آروزیس (آرزومند)، رهاسپا (لنجرود)، گِرِپا (گرماب یا قره تپه)، دوتتهه (جوزان)، سیگبنا (سامن)، ارشاکیا (اشتاد)، قئونه (قروه)، هراکلیا (هرائین)، لاراسا (لالجین)، گابنه (قیدار)، داریائوسا (بناب)، سینکار/زینکار (زنجان)، الیسداسا (ارشت)، ماناداگارا (ماه نشان)، فناسپا (گوجه قلعه/گاو جا دژ)، زازاکا (خراجو)، آرسیساکا (سقز)، آلینزا (ایرانشاه)، بیثیا (بیجار)، کابرسا (قروه)، زارانیس (سریش آباد قروه)، پاراچا (بهار)، ثبرگه کارین (سنقر)، تیبرکانا (تویسرکان)، آندریاکا (محلات)، آرگارو دسَ (ورجان)، آباکائنَ (ابرآشتیان)، آرادریفا (کاشان)، تائوتیکه (گرمسار)، ایوروپا (ری).

۵- نام شهرهای ناحیه حد فاصل رشت تا ساری در نقشه های بطلمیوسی

www.tabarestan.info تبرستان

مانداگارسیس (محل چشمه مردابی)، آلیگادرا (محل چسباندن و بافتن)، سانائیس (واقع در سینه)، رهازوندا (محل رودباری)، فناکه (محل مواد غذایی)، ساگا (سنگی)، سرامانا (سرای ماندگاری و ساروجی) و مَروسا (محل پرچشمه و پر آب) لاهیجان (محل بافتن پارچه ابریشمی)، سنگان (محل واقع در سینه)، رودبار، فومن (محل میوه و مواد غذایی)، ساقی کلایه (دژ سنگی)، ساری (محل استوار و ساروجی) و آمل (محل آب نیرومند)

۶- نام شهرهای ناحیه هیرکانیا (گرگان) در نقشه های بطلمیوسی

www.tabarestan.info تبرستان

ابربینا (بنای سترگ)، آسموریا (محل تیز)، هیرکانیا (محل بهره)، مسوکا (چشمه بزرگ)، سیگین (محل زیبا)، کاسپا (محل دیده بانی)، سوربا (نیرومند)، آدریاسپا (محل رام کردن اسپ) و بارانگا (محل بارگیری). استراباد (گرگان)، اینچه برون (دماغه باریک)، کوکلان، گنبد کاوس، صوفیان، رامیان و بناور.

۷- نام شهرهای منطقه ری در جغرافیای بطلمیوس

تراوایا (محل دفاعی و پیروزی)، آورادیس (بالایی)، دروازه کاسپی، زریما (سر سبز)، ایوروپوس (دارای چشمه آب وسیع)، سیگریانیکا، آباسِنا (محل پشتی)، تاوتیکا (محل گرم)، کاناتهه (محل آب انبار)، آرگاروس دسا (محل با ارزش)، کلاواسا، آندریا ، آرادریفا ، فیروزکوه، دماوند، دروازه خوار، زرند، شهر رغه/ری (محل چشمهٔ عالی)، ساوه، ابر آشتیان، گرمسار، قم، ورجان، کرمجگان، محلات و کاشان

۸- نام شهرهای منطقهٔ لرستان در نقشه های بطلمیوس

آلیزا، گابینا (محل محافظتی)، زارانیس (محل بلندی توانا)، سابراسا و آلاراسا ، الشتر، بروجرد (محل باروی گرداگرد)، خرم آباد، شاپورخواست (چغلوندی) و الیگودرز

۹- نام شهرهای نواحی منطقه ساگارتی (کرمانشاهان) در نقشه های بطلمیوس

بیتهایا (بیستون)، کارینا (کرمانشاهان) و تهبرگا (تَوی بر کا، محل سلاح برنده، کریتاش باستانی، کرند) بانه، سیساره (سنندج)، دِگیا (دوکان)، زیگیرا (زولان) و اوروبا (خورمال)

۱۰-نام شهر های نواحی اصفهان (پارتاکانه) در نقشهٔ بطلمیوس

ورذان (گلپایگان یا بروجن)، کابان (گابهٔ اصفهان)، مس آباتائه (میمه)، سوارا (سمیرم)، آسپادانا (اصفهان)، آبینه (ابیانه)، پوتی کارا (ارجان)، اوزوآ (اژیه)، آکسیما (اکوه زیمه، کوهپایه).

تبرستان www.tabarestan.info

۱۱- نام شهرهای ناحیه پارس در نقشه های بطلمیوس

پوریوسپانا (یاسوج)، پوتیکارا (ارجان)، آرده آ (اردکان)، تراگونیکا (کازرون)، تائپا (بُرازجان)، (محل سیراف)، روگو مانیس (دیر)، یونائا (کنگان)، پارتا (ولایت)، چورودنا (خورموج)، ماتونا (میمند فیروز آباد)، تائوکه (توج)، گابرا (جهرم)، باتسینا (فسا)، کورّا (قیر)، سینا (سیمکان)، آربوآ (سروستان)، کائوفیاکا (کفری)، پرسپولیس (شیراز/تخت جمشید)، نیسرگه (نگارستان)، مارهاسیوم (مرودشت)، سیکتا (استخر)، کوتامبا (استهبان)، پارادون (داراب)، پاساراکاچا (لار)، گابائه (جویم)، اوزیا (اِوَز)، مامیدا (لامرد)، بریسوآنا (بستک)، باگرادا (بندر لنگه).

۱۲-نام شهرهای ناحیه اَهواز و عِراق در نقشه های بطلمیوس

کیسیا (سرزمین پایینی) انو ختَ (به زبانهای کهن ایرانی یعنی محل پایینی) ، اَوَذَ (در پایین نهاده، اهواز)، رَاکَ (محل سربز، عراق) کَسکر (محل سبز و کشتزاری)

۱۳-نام و نشان شهرهای ناحیه خوزستان در نقشه های بطلمیوس

الدیمایی، چالداپیتس (هالتاماتی) و کیسیا (سرزمین پایینی) مشخص شده است. برگان (دزفول)، سوسا (شوش)، آگارّا (شوشتر)، سِلا (رام هرمز)، انوختَ (محل پایینی، اهواز) تاریانیا (خرمشهر)، گران (آبادان). پاسینی (آراسته و زیبا) مطابق بصره (بس سرئو) به معنی بسیار زیبا در منطقهٔ خَراسَنَ (محل خورابه ها) است.

۱٤-نام شهرهای پارت ناحیه (سمنان و خراسان) در نقشه های بطلمیوس

دوردومانا (درجزین)، آرسیانه (آهوان)، آمبرداکس (دامغان)، هکاتوم پیلون (ویرانه قومس در دامغان)، کاریپراکا (خرقان)، رهوآره (شاهرود)، پَربره (بُزغان)، سوفیس (توس)، میسیا /مه نیسایا (نیشابور)، سینداگا (شهمیرزاد)، سمینا (سمنان)، آسپاک (عشق آباد)، آپامیا (بام)، چوانا (گناباد)، پاساگرتیا (بشرویه)، رهودا (فردوس)، ارتاکانا (بردسکن)، بهاگا (فیض آباد)، آرمیانا (فریمان)،تستاخا (زاوه/تربت حیدریه)، سیمپسیمدیا (ششتمد).

تبرستان www.tabarestan.info

۱۵- نام شهرها و قصبه های ناحیه کرمان (کرمان و هرمزگان) در نقشه های بطلمیوس

پورتوسپانا (رفسنجان)، تاسپیس (بردسیر)، کارمانا (کرمان)، سابیس (سیرجان)، کوپهانتا (کهنوج)، تروآسکا (جیرفت)، اوروآ (فهرج)، آلکساندریا (بم)، چودا/خودا (نرماشیر)، پارا (پهل)، کاساراپیچ (گچین)، آچیندا (کولقان)، نپیستا (نیم کار)، ترسیانا (تیار)، هُرمز ، کومانا (کندال)، رهوگن (زیارت کله)، سافالوس (سیریک)، ماسین (کرکوشکی)، تیسا (توجک)، هیدریاکوس (بونجی مسکی)، درنابیلا (زیرکوه)، بادموسارنا (جاسک کهنه).

۱٦- نام شهرهای ناحیه بلوچستان در نقشه های بطلمیوس

رهریگا (ریگ)، موله روم (گوردوم)، کوئمبا (چابهار)، رهیزانا (گواتر)، بونیس (زابلی)، اومیز (سرباز)، سوسیانکا (ایرانشهر)، اوسکانا (خاش)، کوتوبارا (جالق)، موسارنا (میرجاوه)، بادارا (بزمان)، کونی (گونیج)، پارسیس (ایرانشهر)، آربیس (بمپور).

۱۷-نام شهرهای منطقه مرگیانه در نقشه های بطلمیوس

(مرو)، آنتوخیا (شمال غرب مرو)، دائنا (تجن)، آرگادینا (آرچمن)، ماسونیوم (بزمین)، آریاکا (یارجا)، آراتها (آرتیق)، رهه آ (آساک)، گوریانه (قره غان)، نیسایه (نیسای شمال خراسان)، اوریانا (قیزیل آروات)، سنا (سنگان).

۱۸-نام شهرهای ناحیه سغند در نقشه های بطلمیوس

اِستوبارا (اترار)، تریباکترا (طراز)، الکساندریا اوکسیانه (شهری در کنار شاخه کشکه رود در نزدیکی شهر سبز/کش باستانی)، اندیکومُردانا (ماه سرور)، درپسا متروپولیس (دوشنبه)، اوکسیانه (وخش)، مروکا (مرکنده، سمرقند)، چولوبسینا (بُخارا)، سیروس پولیس (بُنجیکث، اوراتپه در اسروشنه)، الکساندریا اکسترمه (خجند) و انیسس (اندیجان).

تبرستان www.tabarestan.info

٦-١-٢. استرابون[1]



بر خلاف بسیاری از جغرافیدانان باستان که اطلاعات خود را در مورد اماکن جغرافیایی با مسافرت به آنجا کسب می نمودند. این جغرافیدان کمتر اهل سفر و جهانگردی بود او هرگز کشور ایران را ندید اما در سال ۲۰ میلادی اوضاع جغرافیایی ایران را با روش های کتابخانه ای بررسی نمود و شرایط طبیعی این کشور مخصوصاً شکل کشور ایران، موقعیت جغرافیایی آن، کوه های البرز و زاگرس و رودخانه هایی که از این کوه سرچشمه می گرفته اند را به

1-Strabo

درستی تشریح نموده است. او همچنین خلیج فارس را به خوبی توصیف نموده اما عرض آن را خیلی کم ذکر نموده است. همچنین از نظر جغرافیای انسانی او از شهرهایی در منطقه شمال ایران و مخصوصاً منطقه گرگان نام برده که اکنون وجود ندارند و موقعیت آنها را فقط می توان با حدس و گمان تشخیص داد.۱ اطلاعات او نه فقط در مورد ایران بلکه در مورد بسیاری از نقاط دنیا جنبه کتابخانه ای داشت او اطلاعات بسیاری از جغرافیدانان، سیاحان، دریا نوردان و فرماندهان نظامی که از سراسر جهان در اختیار او گذاشته بودند در مجموعه ای گرد آوری نموده بود که در برخی از منابع این اطلاعات را نخستین دایرة المعارف جغرافیایی جهان می نامند.۲

www.tabarestan.info تبرستان

دید جغرافیایی استرابون با جغرافیدانان دیگر متفاوت بود او بر خلاف جغرافیدانان قبل از خود تنها به مناطق مسکونی زمان خود نظر نداشت بلکه تمام کره زمین را مد نظر قرار می داد او مطالب مربوط به نجوم ، ریاضیات و جغرافیا را که توسط دانشمندان قبلی تحت عنوان فلسفه تدوین شده بود از یکدیگر تفکیک نمود و معلومات آنها را توسعه داد و دانشی جدید به نام جغرافیا و کارتوگرافی را پی ریزی کرد.۳

۷-۱-۲. اراتوستن



در اغلب منابع اراتوستن را پدر علم جغرافیا می دانند زیرا او نخستین کسی بود که از

---

۱ - مشیری، سیدرحیم ، منابع و ماخذ جغرافیای ایران، ص۱۹ .
۲ - صفی نژاد،جواد،مبانی جغرافیای انسانی،،ص۲ .
۳ - جداری عیوضی، جمشید، اصول کارتوگرافی ، انتشارات دانشگاه پیام نور،ص ۲۲ .

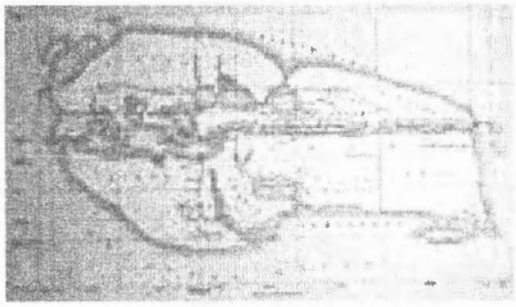
جغرافیا سخن گفت[۱]. و به فکر جمع آوری و تدوین اطلاعات جغرافیایی افتاد. همچنین آثار علمی او به بیشتر زبان های دنیا مخصوصاً عربی و فارسی ترجمه و در کشورهای خاورمیانه چاپ و منتشر شده است. او در قرن سوم قبل از میلاد در یکی از مستعمرات یونان در شهر سیرن لیبی به دنیا آمد و در آتن بسیاری از علوم زمان خود را فرا گرفت. او بیشتر عمر خود را در کتابخانه اسکندریه و به عنوان کتابدار صرف نمود و از اطلاعات علمی آنجا نهایت استفاده را برد او نخستین جغرافیدان خارجی بود که نام ایران را در نوشته‌های خود آورده و از این کشور کهن، به عنوان یکی از تمدن‌های باستانی به‌نیکی یاد کرده او یک مهندس نقشه‌کش و یک جغرافیدان مشهور جهانی بود، زیرا با روش‌های مختلف هندسی آشنایی داشت و کارهای مهمی در زمینه ترسیم نقشه‌های جهانی انجام داده بود، که از مهمترین آنها می‌توان به اندازه گیری محیط کره زمین و همچنین اندازه گیری طول یک نصف النهار برای نخستین بار اشاره نمود ، اندازه‌گیری میزان انحراف مدار خورشید و تهیه نقشه‌های جغرافیایی برای مناطق مختلف جغرافیایی زمان خود از مهمترین کارهای علمی او محسوب می شود.[۲] او همچنین کتابی توصیفی در مورد اکومن (مناطق مسکونی) زمان خود نوشته است که تقسیمات سیاسی کشور ها مدّ نظرش بوده است که در آن از کشورهای لیبی، مصر و تونس امروزی سخن گفته است.اما کار ارزنده و برجسته این جغرافیدان اندازه گیری محیط کره زمین و همچنین طول تقریبی یک نصف النهار بود که با اندازه گیری های امروزی تفاوت قابل توجهی ندارد او با تکنولوژی آن زمان محیط کره زمین را ۳۹۳۷۵ کیلومتر محاسبه نمود که این مقدار با اندازه گیری های واقعی امروزی تفاوت چندانی ندارد.

به واسطه این محاسبه در بیشتر منابع از او به عنوان پدر جغرافیای علمی و جغرافیای ریاضی یاد می نمایند.[۳]

www.tabarestan.info تبرستان

---

۱ ـ نظري، علي اصغر، تاريخ علم جغرافيا،ص ۲۲ .
۲ ـ ممتحن، حسينعلي ، پژوهشي در تاريخ فرهنگ اسلام و ايران، ص۶۸ .
۳ ـ صفي نژاد، جواد، مباني جغرافياي انساني، ص۳ .



نقشه ترسیمی اراتوستن از جهان باستان(قرن سوم قبل از میلاد)

تبرستان www.tabarestan.info

۸-۱-۲. هیپارک[1]

پس از درگذشت اراتوستن، هیپارک جانشین او در کتابخانه اسکندریه شد و کارهای علمی او را ادامه داده به سرانجام رساند. او علاوه بر اینکه خود در مورد جغرافیای ایران باستان مطالب زیادی نوشت، مطالب اراتوستن را نیز در مورد محدوده ی دریای خزر را اصلاح نمود زیرا خط ترسیمی اراتوستن از دروازه ی خزر تا نقطه پرسیس اشتباهاً جنوبی ذکر شده و بر این اساس در روی نقشه ی ترسیمی او این دریا گسترش نصف النّهاری پیدا می نمود امّا هیپارک متوّجه شده که در اصل این مسیر شرقی بوده و این دریاچه گسترش مداری داشته و در جهت شمالی- جنوبی گسترش یافته است . او از نظر سبک مطالعاتی سبک مخصوص خود را داشت و مانند تالس مسایل و مشکلات جغرافیایی را با روش های ریاضی حل می نمود.او نخستین کسی بود که دایره را به ۳٦۰ درجه تقسیم نمود و با این ابداع او اولّین قدم جهانی را در راه تدوین سیستم های اطلاعات مکانی جغرافیایی برداشته است. به عبارتی می توان او رابنیانگذار مختصات جغرافیایی محسوب نمود. او همچنین اولین جغرافیدانی بود که ترسیم سطح کروی را روی سطح صاف دشوار می دانست و برای رفع آن طرح هایی را ارائه نمود که عمدتا مربوط به قوانین ریاضی و اصول تهیّه اشکال سه بعدی مربوط می شد.[2] طرح های ارائه شده او در مورد ترسیم سطوح کروی روی سطوح صاف اولین قدم در راه ایجاد سیستم های تصویر محسوب می شوند. نقشه های ترسیمی او از جهان نسبت به نقشه هایی که تا قبل از او

1- Hipparch

۲ - نظري،علي اصغر، تاريخ علم جغرافيا ، ص ۲۵-۲۶.

ترسیم شده بود از دقّت بالاتری برخوردار و به نقشه های قـرن ۲۰ شـباهت داشـت. مهمتـرین اقدام او در زمینه جغرافیا و نقشه کشی این بود کـه او بـرای اولّـین بـار در قـرن دوّم مـیلادی پیشنهاد نمود به جای ترسیم دو خط عمود بر هم در نقشه ها یک رشته خطوط متقـاطع عمـود بر هم با زوایای قائمه بکشند که مطابق با درجات معینی باشد.[۱]

۹-۱-۲. هرودوت

به دلیل اینکه هرودوت یک مـورّخ اسـت بنـابراین اطلاعـات او در مـورد جغرافیـا حالـت توصیفی وسفرنامه ای دارد. هرودت اولّین مورخی است که در قرن پنجم قبل از مـیلاد ضـمن جمع آوری مطالب تاریخی اطلاعات با ارزشی در مورد جغرافیای آن زمان به صورت توصیفی ارائه داده است. او بیش از همه جغرافیدانان تقسیمات جهانی آناکسی ماندر را قبول داشـت و مانند او جهان شناخته شده آن زمان را به سه قسمت آسیا، اروپا و لیبی(افریقا) تقسیم می نمـود او محدوده ی غربی قاره اروپا را اقیانوس اطلس امروزی و حد شرقی آن را کوه های آرال در مرکز اروپا می دانست و حد شرقی آسیا را کوه های هندوکش در شرق ایـران مـی دانسـت و قاره افریقا را محدود به مناطق مسکونی شمال این قـاره و شـامل لیبـی و قسـمتی از مـراکش تونس و تا نزدیک سومالی و حبشه و اتیوپی می دانست که تا حبشه ادامه می یافت و دریای احمر را حد فاصل بین عربستان و سرزمین لیبی مـی دانسـت. او همچنـین دریـای مدیترانـه و دریای سیاه را حد فاصل و عامل جدایی این سه قاره در نظر می گرفت .

با دقت در مطالب هرودوت می توان به محـدوده ی مسـکونی آن زمـان و نحـوه ی اداره سیاسی آن پی برد که چقدر کره زمین محدوده ناشناخته داشته است آسیا به هندوکش محـدود می شده و ماورای آن اطلاعاتی در دست نبوده اروپا به محدوده مدیترانه و افریقـا بـه مصـر و شمال آن محدود می شده است از نظر سیاسی نیز کل جهان در سیطره ی سه امپراتوری ایـران، یونان و روم می شده و بقّیه کره زمین ناشناخته و در منطقه تاریک قرار می گرفته است.

۱۰-۱-۲.کتزیاس[۲]

در قرن چهارم و پنجم قبل از میلاد در یونان می زیست بیشتر جهـان شـناخته شـده زمـان

---

۱ ـ راد، محمد تقي، نقدي بر استرابون، ص ۱۵.

2-Ketesias

www.tabarestan.info تبرستان

خود را سفر نموده و می شناخت و مطالب خود را به صورت سفر نامه یاد داشت می نمود مدّت زیادی از عمر خود را به عنوان پزشک در دربار ایران به سر برده و اطلاعات با ارزش تاریخی و جغرافیایی خاصی را به یونان منتقل و در کتاب خود نوشته است.۱ به علت حضور طولانی در ایران اطلاعات تاریخی و جغرافیایی او نسبت به مورخان و جغرافیدانان یونانی مستندتر می باشد مطالب او در مورد تاریخ و جغرافیای ایران بیشتر جنبه توصیفی و سفرنامه ای دارد تفاوت او با سایر جغرافیدانان یونانی در توصیفی بودن مطالب او می باشد. به همین دلیل در بسیاری از منابع، او را یک مورّخ می دانند تا یک جغرافیدان. از این رو مطالب او بیش از همه به مطالعات هرودوت مورّخ یونانی شباهت دارد.

www.tabarestan.info تبرستان

۲-۱. نقش جغرافیدانان رومی در جغرافیای ایران قبل از اسلام

هر چند سوابق علمی روم باستان هم سطح یونان نیست و در این امپراتوری قدرت نظامی بر قدرت علمی و فرهنگی برتری دارد امّا در این امپراتوری نظام پرور، آثار علمی در رشته های مختلف به چشم می خورد نقش دانشمندان رومی در رشته های مختلف علمی برابر یونان نیست ولی در دوره ی باستان بعد از یونان می توان بیشترین آثار علمی را به دانشمندان رومی نسبت داد آنچه دانشمندان رومی در مورد ایران باستان نوشته اند به دلیل ویژگی های نظامی آنها بیشتر مربوط به مسایل نظامی و مخصوصاً دریا نوردی و مسیر تردد کشتی های جنگی است و از آنجایی که جغرافیا از ارکان اصلی نظام محسوب می شود بنابراین رومی ها بیشتر در مورد جغرافیای ایران باستان مطلب نوشته اند تا علوم دیگر، امّا از نظر علمی اطلاعات آنها در مورد جغرافیای ایران به هیچ عنوان قابل قِیاس با جغرافیدانان یونانی نیست اما از اطلاعات باز مانده از نویسندگان ایران، هندوستان و مصر باستان به مراتب بیشتر و مدّون تر است. بنابراین بعد از یونان نقش جغرافیدانان رومی در جغرافیای ایران باستان نقشی برجسته بوده است. به هر صورت اطلاعات و آگاهی دانشمندان رومی به هر اندازه که باشد برای رهایی از جهل، قابل احترام است.

همانند جغرافیدانان یونانی جغرافیدانان رومی نیز علاقمند به مطالعه سواحل جنوبی ایران

---

۱ - مشیري، سیدرحیم، منابع و ماخذ جغرافیاي ایران، ص۷ .

بودند و تحقیقات خود را بیشتر روی این قسمت از ایران متمرکز می نمودند. به طوری که کوین توس کوروسیوس روفوس[1] مورخ رومی که در قرن اول میلادی می‌زیسته این دریا را دریای پارس یا آبگیر فارس خوانده است.

مهمترین جغرافیدانان رومی که در مورد جغرافیای ایران در دوره باستان اظهار نظر نموده اند عباتند از

۱-۲-۲. بولی نیوس[2]

بولی نیوس در نیمه دوّم قرن اوّل بَعد از میلاد می زیست از او آثار علمی زیادی باقی مانده امّا اثری که او را معروف نمود و در ردیف جغرافیدانان برجسته ی جهان باستان قرار داد اطلاعات ارزشمندی بود که در مورد دریاها مخصوصاً دریای عرب، دریای مدیترانه و دریای سیاه را در بر می گرفت او این اطلاعات را به صورت کتابچه ای تدوین و در اختیار دریا نوردان قرار داده بود. این کتابچه دستی به دلیل کامل بودن و دقّت بالای اطلاعاتش سبب شهرت او در بین دریانوردان و افسران نظامی روم شده بود. اهمیت این کتاب در دریانوردی به حدّی بود که در کابین بیشتر کشتیهای دوره باستان این کتاب به چشم می خورد.

او همچنین کتابی در مورد جغرافیا نوشته که اطلاعات او در مورد ایران دراین کتاب محدود به سرزمین پارت در خراسان کنونی می باشد او بهتر از هر جغرافیدان رومی سرزمین پارت را مورد مطالعه قرار داده است. همچنین در این کتاب به عبور جاده ای ترانزیتی بین چین و اروپا اشاره شده که مسیر اصلی آن از امپراتوری ایران عبور نموده است

۲-۲-۲. کویین توس کورتیوس[3]

بیشتر اطلاعات این جغرافیدان در مورد جغرافیای ایران مربوط به سواحل جنوبی آن است او نقش مهّمی در شناسایی سواحل جنوبی ایران مخصوصاً خلیج فارس ، تنگه هرمز، جزایر کیش و قشم و رودخانه های دجله و فرات داشته است . علاوه بر سواحل جنوبی ایران او مطالب قابل توجّهی درمورد ارتفاعات ایران بیان نموده و از ارتفاعاتی سخن گفته که دور تا

1- Quintus Curtius Rufus
2-Boliniyos
3-Kuintus Curtius

www.tabarestan.info تبرستان

دور ایران را احاطه نموده او مساحت این ارتفاعات در حدود ۱۶۰۰ استادیوم طول و در حدود ۱۲۰ استادیوم عرض داشته اند(استادیوم واحد اندازه گیری طول در یونان باستان بود که هر استادیوم به احتمال زیاد معادل۱۵۷،۱۸۵ و یا ۲۱۰ متر بوده است). این جغرافیدان با مقاصد نظامی به ایران سفر نموده و از طرف امپراتوری روم ماموریت داشت که نواحی استراتژیکی ایران را جهت ترسیم نقشه های نظامی شناسایی و در اختیار حاکمان رومی قرار می داد به همین دلیل در اطلاعات او مطالب مهمی در مورد مساحی ارتفاعات، دریاها ، دریاچه ها ، ارتفاعات ، طول راه ها و رودخانه ها به چشم می خورد. حاصل مطالعات این جغرافیدان به صورت یک نقشه سیاسی و نظامی ترسیم و در اختیار حاکمان زمان او قرار گرفت.[۱]

www.tabarestan.info تبرستان

۳-۲-۲.مارینوس[۲]

مارینوس از اهالی شهر صور بود که در قرن دوّم میلادی می زیست. و در دربار امپراتوری روم به کار ترسیم نقشه های نظامی مشغول بود. نقش او در جغرافیای ایران قبل از اسلام به ترسیم نقشه از سواحل جنوبی ایران محدود می شود. کار برجسته او در جغرافیای ایران و جهان باستان این بود که برای اوّلین بار در ترسیم نقشه ها برای مشخّص نمودن موقعیّت مکانی پدیده های جغرافیایی از خطوط عرضی و طولی استفاده نموده و به گونه ای علمی موقعیّت پدیده ها را با این خطوط مشخص نموده بود این ابتکار او هنوز هم در مهندسی نقشه برداری مورد استفاده قرار می گیرد.[۳]

در کل آثار جغرافیدانان روم در مورد جغرافیای ایران نسبت به جغرافیدانان هندی و مصری برجسته ولی نسبت جغرافیدانان یونان کم رنگ تر جلوه می نماید.

---

۱ - مشیري، سیدرحیم ، منابع و مآخذ جغرافیاي ایران،ص۲۱.

2-Marinus

۳ - همان منبع مشیري، ص ۳- ۲۷.

فصل سوم

www.tabarestan.info تبرستان

جغرافیدانان ایران باستان

۳. جغرافیدانان ایران در عهد باستان

همان طور که مطرح شد آثار مکتوب علمی در زمینه جغرافیا بازمانده از ایران باستان قابل توّجه نیست ، بنابراین نمی توان از دانشمند مهّمی نام برد که در زمینه جغرافیا آثار درخشانی داشته باشد. با مطالعه تمام آثار و متون به جای مانده از ایران باستان، در تمام دوره های علمی مشخص شد که دانشمند و جغرافیدان ایرانی که بتوان آن را درردیف جغرافیدانان یونانی یا رومی قرار داد در ایران باستان به چشم نمی‌خورد و آثار باقیمانده حتی قابل مقایسه با آثار جغرافیدانان هندی، مصری و اعراب قبل از اسلام نیزنیست. متاسفانه آثار باقی مانده چندان قابل توّجه نیست امّا همان مقدار هم که برای ما به یادگار مانده قابل احترام بوده و وظیفه هر دانشمند ایرانی است که در حفظ، گسترش و تجزیه و تحلیل آن کوشا باشد. مطالعه آثار علمی بازمانده از دوره ایران باستان، نشان از این دارد که برخی پادشاهان . امرای ایرانی آثاری مانند دستورات حکومتی ، کتیبه و دست نوشته‌هایی دارند که می‌توان آنها را در ردیف متون جغرافیایی و نویسندگان آنها را در ردیف جغرافیدانان ایران باستان قرار داد. از جمله این افراد، می‌توان به پادشاهانی چون اردشیر بابکان و انوشیروان اشاره نمود. علاوه بر این برخی از نویسندگان ایران باستان، به طور غیر مستقیم به مسایل جغرافیایی پرداخته و در آثار آنها مطالب جغرافیایی به چشم می‌خورد. با دقت در آثار به‌دست آمده از ایران باستان، می‌توان افراد زیر را در ردیف جغرافیدانان ایران باستان به حساب آورد.اما واقعیت این است که اگر به صورت تخصصی به قضیه نگاه کنیم و آثار جغرافیایی ایران باستان را با جغرافیدانان یونانی مورد بررسی قرار دهیم تنها می توانیم از دو نفر یاد نماییم یکی موسی خورنیه جغرافیدان معروف ارمنی و دیگری ایزودور خارکسی نویسنده معروف کتاب چاپارخانه های پارت ها به غیر از این دو نفر که اختصاصی به مطالعه جغرافیا ی ایران باستان پرداخته اند بقیه افرادی که از آنها به عنوان جغرافیدان یاد می شود تنها در بخشی از نوشته های خود در مورد جغرافیای ایران مطلب نوشته اند.

www.tabarestan.info تبرستان

۱-۱. اردشیر بابکان

اردشیر بابکان، مؤسس و یکی از مهمترین پادشاهان ساسانی بود که با علاقه مباحث علمی

را پیگیری می نمود به طوری که در بین پادشاهان ساسانی بیشتر از همه از او به عنوان پادشاهی عالم یاد می نمایند. هر چند کتاب خاصّی از او به جای نمانده اما وصایا و نصایح او حاوی مطالب مهّمی در خصوص کشور داری در ایران باستان است که اگر با دقت مورد بررسی قرار گیرد، می‌توان این وصایا، نصایح و اندرزها را در ردیف مطالب جغرافیایی نظامی، سیاسی و اقتصادی ایران باستان قرار داد. مهمترین اثری که می‌تواند اردشیر بابکان را در ردیف جغرافیدانان ایران قرار دهد، کتابی است تحت عنوان «رساله عهد اردشیر» مؤلف این کتاب مشخص نیست ولی می‌توان آن را به خود اردشیر بابکان نسبت داد، چرا که از پادشاهی به نام اردشیر بابکان بعید نیست که خود نسبت به تدوین این رساله اقدام نموده باشد. اردشیر بابکان، جلسات مشورتی با علمای داخلی و خارجی زمان خود داشت ونتایج این جلسات را خود نگارش می‌نمود. او علاوه بر دانشمندان زمان خود با طبقات و اقشار مختلف زمان خود، مشورت می‌نمود و اطلاعات کسب شده از آنان را یادداشت می‌کرد. بنابراین نسبت دادن این رساله به اردشیر بابکان جای تعّجب نیست. قدر مسلّم بخش‌ها و بندهای زیادی از این رساله علمی، ارتباط نزدیکی با علم جغرافیا دارد. به‌عنوان مثال در بندهای ۱۲ و ۱۳ این رساله به طبقات اجتماعی زمان حکومت اردشیر ازجمله به طبقه کشاورزان ، صنعت‌گران، دبیران، شاهزادگان، روحانیون، نظامیان و سایر طبقات اجتماعی ساکن در ایران باستان، در زمان حکومت او اشاره شده است،[۱] که می‌توان آنها در ردیف متون جغرافیای اقتصادی، فرهنگی، نظامی و سیاسی آن زمان قرارداد. همچنین در این رساله، اردشیر بابکان مطالبی در مورد اصول کشور داری بیان می‌کند که می‌توان مطالب جغرافیایی مربوط به اصول کشورداری و جغرافیای سیاسی ایران باستان را از آن استخراج نمود. همچنین در این رساله، مطالب و دستوراتی آمده است که می‌توان در زمینه‌های جغرافیای سیاسی، نظامی و اقتصادی، اطلاعات جغرافیایی از آن کسب نمود. رساله اردشیر بابکان به دلیل اهمیّت علمی، پس از تصّرف ایران از سوی دانشمندان عرب به زبان عربی ترجمه شده و در کتاب نهایه الارب منصوب به اصمعی در صفحات ۱۸٦ تا ۱۹۲ این کتاب درج شده است. همچنین در قسمتی از شاهنامه فردوسی،

www.tabarestan.info تبرستان

---

۱ - تفضلی، احمد ، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص۲۱٦.

اشاره‌ای به برخی از قسمت‌های این کتاب شده است[۱] کل این کتاب نیز در سال ۲۷۹ هجری توسط ابوجعفر احمدبن یحی بن جابر البلذری از فارسی پهلوی به شعر عربی ترجمه شده است.[۲] دکتر محمود جعفری دهقی نیز در کتاب خود این کتاب را، یکی از آثار منحصر به فرد در باب سرزمین فارس و زندگی اردشیر بابکان مؤسس دودمان ساسانی دانسته است[۳]. یکی از دلایل ماندگاری این کتاب علی رغم اینکه منصوب به پادشاهان ساسانی بوده این است که به زبان عربی ترجمه شده و از گزند حملات در امان مانده است.

تبرستان www.tabarestan.info

۲-۱. انوشیروان

علاوه بر اردشیر بابکان یکی دیگر از پادشاهان ساسانی که در زمینه مسایل علمی تبحر داشت انوشیروان بود. در بین پادشاهان ساسانی بیش از همه، از نظر علمی، آثاری را به اردشیر بابکان و انوشیروان نسبت می‌دهند. انوشیروان دوستدار علم بود و جهت گسترش و آموزش علم و دانش، علاوه بر دانشمندان ایرانی از دانشمندان خارج از ایران، مخصوصاً دانشمندان یونانی، مصری و رومی نیز کمک می‌گرفت. در زمان او عده ای از علمای ایرانی مسئول ترجمه متون خارجی به فارسی بودند و متون یونانی و رومی را به فارسی ترجمه نموده در اختیار انوشیروان قرار می دادند به دلیل اهمیت نظامی متون جغرافیایی در اولویت ترجمه ای آنها قرار داشت . از آثار باقیمانده از ایران باستان که به نام انوشیروان نوشته شده و یا به او نسبت داده شده است. می‌توان او را یکی از جغرافیدانان زمان خود به حساب آورد. کتاب منتصب به او ((کارنامه انوشیروان))[٤] نام دارد. هر چند مؤلف این کتاب مشخص نیست، ولی می‌توان مطالب مطرح شده در این کتاب را به خود انوشیرَوان نسبت داد، زیرا این کتاب به روش سفرنامه‌های باستانی نگارش یافته که پادشاهان ایرانی به هنگام سفرهای طولانی خود، نسبت به نگارش آن اقدام می‌نمودند. بنابراین می‌توان گفت این کتاب نوعی سفرنامه است که در طی سفرهای انوشیروان به مناطق مختلف ایران، یا توسط انوشیروان و یا به پیشنهاد او

---

۱ – تفضلی، احمد، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام ، ص۲۱۹.

۲ – همان منبع ، ص ۲۱۵.

۳ – جعفری دهقی، محمود، بازشناسی منابع و ماخذ تاریخ ایران باستان از ورود آریایی ها تا سقوط ساسانی، ص۲۳٤.

٤ – تفضلی، احمد ، تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، ص ۲۲٤.

نگارش شده است. بررسی‌های به عمل آمده روی متن این کتاب از نظر جغرافیا، قابل توجه می‌باشد به عنوان مثال در بخش سوم و چهارم این کتاب، اشاره‌ای به سرزمین‌هایی می‌شود که این پادشاه از دولت‌های همجوار ایران تصرف نموده است و سال ها بر آنها حکومت کرده و بر قلمرو ایران افزوده است. بنابراین می‌توان مطالب این بخش از کتاب را در ردیف متون جغرافیای سیاسی، اقتصادی و نظامی ایران باستان قرار داد. وی همچنین در بخش ششم این کتاب به سفر خود به منطقه خزر و قفقاز اشاره نموده و مطالبی نیز در مورد جمعیت شهرها و آبادی‌های منطقه قفقاز مطرح می‌نماید که می‌تواند در ردیف متون جغرافیای شهری و تاریخی ایران باستان قرار گیرد. در بخش نهم این کتاب، انوشیروان از مذاکره خود با چهار دسته از اقوام بومی ساکن در ناحیه خزری یاد می‌کند که قبلاً از قلمرو ایران جدا بوده و با حمله به مرزهای شمالی برای شهرهای این منطقه ایران مشکل سازی می نمودند که در این مذاکرت برخی قبایل آرام شده اما برخی از آنها به حملات خود ادامه می دهند که سرانجام توسط انوشیروان شکست خورده و تسلیم او می شوند. با دقت در این فصل کتاب می‌توان آن را در ردیف جغرافیای سیاسی قرار داد. در بخش یازدهم کتاب به حضور اقوام و گروه های مختلفی اشاره می نماید که در ایران و در کنار هم زندگی نموده و روابط متقابل با هم دارند که این روابط متقابل را ناشی از نیاز اقشار مختلف جامعه به یکدیگر می داند. او همچنین به تشکیل گروه های مشترک اشاره‌ای نموده و در این باب مطالبی را نوشته که از نظر جغرافیای اجتماعی و فرهنگی قابل بررسی می‌باشد. این کتاب به زبان عربی ترجمه شده اما مترجم آن به درستی مشخص نیست ولی بیشتر محققان و نویسندگان احتمال می‌دهند که این کتاب توسط ابن مقفع به عربی ترجمه شده باشد.

www.tabarestan.info تبرستان

۳-۳. ایزیدور خاراکسی

ایزیدور خاراکسی را شاید بتوان تنها جغرافیدان ایران به حساب آورد که در مورد جغرافیای ایران و جهان مطلب نوشته است. او اهل خاراکس، شهری در سواحل خلیج فارس بود. وی در اوایل میلاد مسیح می‌زیست و از جغرافیدانان ، مورّخان و دانشمندان معروف زمان خود به حساب می‌آمد. وی به دلیل موقعیّت دریایی محل زندگی خود ابتدا یک دریا نورد بود

و سفرنامه ای در مورد سفرهای دریایی خود نوشت سپس از طریق خشکی بیشتر محدوده ایران باستان را طی نمود و تألیفات ارزشمندی در مورد جغرافیا و تاریخ ایران باستان نوشت اما مهمترین اثر او که جغرافیای ایران را در بر می‌گیرد و مطالبی در مورد جغرافیای ایران باستان در اختیار خوانندگان قرار می دهد کتاب « چاپارخانه‌های پارتها» نام دارد. این کتاب از اهمّیت خاصّی در تاریخ و جغرافیای ایران در دوره اشکانیان برخوردار است و به گفته محققان، این اثر شبیه یک سفر نامه می‌باشد که می‌توان از آن آثار جغرافیایی زمان زندگی او را استخراج نمود. ایزدور در تألیف خود ، جاده امپراتوری پارت را که از شهر زوکمای در سواحل فرات به اسکندریه در مصر کنونی کشیده شده بود را توصیف و در این مسیر از نوزده ساتراپ نشین پارتی یاد می‌کند. وی در این اثر خاستگاه اشکانیان را شهر آساک ذکر می‌کند[۱]. او گزارشی نیز در مورد صید ماهی و مروارید در خلیج فارس، پیروزی مهرداد دوم اشکانی برسکاها و اطاعت آنان از پارتیان و در نتیجه اتصال مرزهای پارتیان به هندوستان به طوری که قندهار در درون سرزمین پارت قرار گرفته بود.[۲]

وی همچنین کتابی راجع به پارت نوشته که می توان آن را جغرافیای پارت نامید در این کتاب چند صفحه ای پس از ذکر موقعّیت جغرافیایی پارت و ذکر کشورهای همسایه این سرزمین به تفصیل درباره یک راه کاروان رو در این منطقه یاد می کند که از شهرت بین المللی برخوردار بوده است این راه بین المللی از سواحل غربی سوریه در محدوده دریای مدیترانه شروع و پس از عبور از بین النهرین و ترکیه امروزی و رسیدن به سرزمین پارت به آسیای مرکزی می‌رفته سخن گفته است.[۳] در حقیقت این جاده مشابه جاده ابرشیم بوده و می توان آن را عامل پیوند دهنده فرهنگ ایران،روم، یونان و هندوستان به حساب آورد.

همچنین سفرنامه ای را نیز به این جغرافیدان نسبت می دهند که در زمان تولد حضرت مسیح نوشته شده و اطلاعاتی را از زبان استرابو در مورد ایران و اطلاعاتی را در مورد

---

۱ -مقامی مقیم، غلامرضا، استان شناسی خراسان شمالی، ص۶۸

۲ - جعفری دهقی ، محمود، بازشناسی منابع و ماخذ تاریخ ایران باستان از ورود آریایی‌ها تا سقوط امپراتوری ساسانی، ص۱۸۶.

۳ - پیگولوسکا یا ، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم، ص۲۰

www.tabarestan.info تبرستان

بطلمیوس و فن نقشه کشی او مطرح می نماید. علاوه بر این در این سفر نامه اطلاعاتی در خصوص راه های ارتباطی بین النهرین ، ری ، خراسان ، نیشابور و دریای خزر و شهرهای جنوبی خلیج فارس به چشم می خورد، که در مورد جغرافیای ایران قابل توجّه می باشد.[۱]

٤-۳. موسی خورنی



تبرستان
www.tabarestan.info

موسی خورنی (٤۰۷-٤۹۲) تاریخ نگار ارمنی که گزارش‌هایی در مورد ایران و زرتشت و آیین ایران باستان، نوشته است وی تاریخ ارمنستان را بر اساس گزارش‌های یونانی نوشته است۲. ایشان یک مورّخ ارمنی می‌باشد اما مدارک و اسناد تاریخی محل زندگی او را در ارمنستان قسمتی از خاک ایران در دوره باستان به حساب می آورند هرچند او یک مورّخ است اما با مطالعه در آثار او می‌توانیم موسی خورنی را یک جغرافیدان بدانیم که علاوه بر تاریخ در نوشته‌ها و گزارش‌های او مطالبی در مورد جغرافیای کشور ایران نیز به چشم می خورد. همچنین او کتابی در مورد جغرافیا تألیف نموده که برای اطلاع از اوضاع جغرافیای ایران در زمان سلسله‌های اشکانی حائز اهمیت است۳. او در این رساله، ایرانشهر(کشور ایران) برحسب جهات چهارگانه، به چهار ناحیهٔ شرق، غرب ، جنوب و شمال تقسیم نموده است. چنین تقسیم بندیی از زمان انوشیروان در ایران رواج یافته است. در این رساله، همانند اغلب

---

۱ – مشیری، سید رحیم ، منابع و ماخذ جغرافیای ایران ،ص ۲۲

۲ – افتخارزاده، محمودرضا ، تحریر اوستایی تاریخ ایران باستان ایران آیین و فرهنگ، ص۱۲.

۳ – بیات، عزیزالله، کلیات تاریخ ایران از آغاز تا مشروطیت ، ص۱۰ .

آثار زبان پهلوی، اسطوره‌ها ، واقعیت‌های تاریخی، اعتقادات زردشتی و اندکی مسایل علمی درهم آمیخته شده‌اند.

او همچنین کتابی با مضامین جغرافیای تاریخی تألیف نموده است که برای اطلاع از اوضاع جغرافیای ایران در سلسله‌های اشکانی وساسانی حائز اهمیت است. این کتاب که در اروپا به جغرافیای موسی خورنیه معروف است ارزش زیادی در تاریخ و جغرافیای ایران قبل از اسلام مخصوصاً سالهای آخر سلسله سامانی دارد. بنابراین ، این کتاب را می توان نخستین اثر جغرافیای تاریخی مربوط به ایران دانست که یک جغرافیدان و مورخ ایرانی نوشته است. او در این کتاب نقشه ای از موقعیت جغرافیایی ایران مقارن حمله اعراب ترسیم نموده که دقیق تراز سایر نویسندگان معاصر او می باشد. بنابراین می توان او را اولین بنیانگذار نقشه در بین دانشمندان ایرانی محسوب نمود و این نقشه را قدیمی ترین نقشه ترسیم شده توسط جغرافیدانان ایرانی به حساب آورد اهمّیت کتاب موسی خورنی در زمینه تاریخ و جغرافیا به قدری زیاد است که بسیاری از جغرافیدانان اروپایی از این کتاب به عنوان منبع استفاده نموده اند به طوری که یوزف مارکوارت جغرافیدان و مورّخ اروپایی کتاب خود را با عنوان « ایرانشهر بر مبنای جغرافیای موسی خورنی» بر مبنای کتاب جغرافیایی او نوشته است.[۱]

هر چند کتاب موسی خورنی از طرف محققان غربی مورد توجه قرار گرفت و در اغلب کشورهای اروپایی ترجمه، چاپ و منتشر شد اما محققان شرقی از جمله مستشرقان روسی نظر مثبتی در مورد آن ندارند به عنوان مثال دیاکونوف مستشرق روسی معتقد است که اطلاعات جغرافیایی این کتاب متعلق به نویسنده دیگری است به نام اینانی شیراکسکی.[۲] که توسط موسی خورنی به کتاب تبدیل شده است . در هر صورت با توجه به منتقدان و موافقان، این کتاب اهمیّت زیادی در جغرافیای ایران قبل از اسلام دارد و می توان آن را به عنوان یک اثر جغرافیایی ایرانی ارج نهاد و به عنوان یک میراث فرهنگی از آن بهره برد.

---

۱ - مارکوارت، یوزف، ایرانشهر برمبنای جغرافیای موسی خورنی .

۲ - بیات، عزیزالله، کلیات تاریخ ایران از آغاز تا مشروطیت ، ص۸۰ .

www.tabarestan.info تبرستان

فهرست مکان ها

الف

آباسِنا،۹٦

آباکائنَ،۹۵

آبینه،۹۷

آپادانا،۷۸،۷۷،۷٦

آپامیا ، ۹۸

آدیبلا ،۹٤

آذربایجان،۳۷ ،۹٤،۵٦،٤٦

آراتها،۹۸

آرادریفا ،۹٦،۹۵

آرادیس، ۹۵

آرارات ،۳۲

آران،۹٤

آربوآ،۹۷

آربیس،۹۸

آرده آ ،۹۷

آرساراتا ،۹٤

آرسیانه ،۹۸

آرسیساکا ،۹۵

آرگارو دسَ، ۹۵

آرگاروس دسا ،۹٦

آرمائیت،۹٤

آرمیانا ۹۸

آروزیس۹۵

آریاکا ،۹۸

آسپادانا،۹۷

آسپاک،۹۷

آستاکانه ،۹٤

آسموریا ،۹٦

آشور،۵٦،۷۵،۷۷

آکسیما ،۹۷

آکولا ،۹۵

آگاده،٦۸

آگارّا ،۹۷

آگانزانا ،۹۵

آگوانی،۹٤

آلاراسا۹٦

آلاموس ،۹٤

آلبانیا ،۹٤

السیداسیا،۹۵

الشتر،۹٦

آلبینا (آغدام)،

تبرستان
www.tabarestan.info

الدیمانی،۹۷
آلکساندریا،۹۸،۹۹
آلیزا،۹۶
آلیگادرا،۹۵،۹۶
الیگودرز، ۹۶
آلینزا، ۹۵
آلوسا ،۹۵
آمانا ،
آمبرداکس،۹۸
آمریکا،۶،۱۲
آمل ،۵۶،۹۶
ابربینا (بنای سترگ) ،۹۶
آموی ،۵۶
آنتوخیا،۹۸
آنتی توروس،۹۱
آندریا ،۹۶
آندریاکا۹۵
آوازگاه،۹۵
آهورن ۳۱
اپارسن،۳۷
اتریش ،۸۳
اتیوپی ،۷۸،۱۰۳
اثورا،۷۷
ادیابنه، ۶۱،۶۳،۶۴
اراسپ، ۵۶
اربای،۷۷
اربیل،۶۱،۶۲،۶۳،۶۴
ارتاکانا، ۹۸
اردبیل ،۹۵
ارزه ،۴۳
ارشاکیا، ۹۵
ارمنستان ،۳۴،۷۳،۷۵،۷۸،۱۱۳
ارمین،۷۸
اروپا،۸۸،۹۰،۹۱،۹۳،۱۰۳،۱۰۴ .
اروستان ، ۴۷
ارمیه،۹۴
اسپروچ ،۴۰
استخر ،۱۴،۴۶،۴۹،۵۶،۶۲
استراباد ،۹۶
اِستوبارا ،۹۹
استوئین،۶۳
اسکندریه،
۱۴،۱۵،۱۶،۱۷،۱۸،۲۰،۲۱،۹۲،۹۳،۱۰۱،۱۰۲
۱۳
آسیا،۸۱،۸۸،۹۰،۹۱،۹۲،۱۰۳
آسیای صغیر،۳۰،۷۸
آسیای مرکزی،۱۱۲
اشنوا،۶۸

تبرستان
www.tabarestan.info

اصفهان،٤٦،٥٦،٩٧
افریقا ،۱۰۳،٥٥،٧٨،٧٩،٨١،٩٢
افغانستان،٢٧،٣٢،٣٧
اقیانوس هند، ٤٠
اکومن،۱۰۰
امانا (امین آباد) ،٩٥
اِمبولا ،٩٤
آناریوم ،٩٤
اندیکومُردانا ،٩٩
انگلیس،
انو ختَ ،٩٧
انیسس،٩٩
اوج،٧٧
اوراکانا، ٩٥
اورامان، ٦٦،٦٧
اورمیاته،٩٤
اورهه،٥٥
اوریانا ،٩٨
اِوَز،٩٧
اوزوآ٩٧،٩٨
اوروبا ،٩٧
اوزیا ،٩٧
اوسا،٩٥
اوسکانا ،٩٨
اوسیکا ،٩٤،٩٩
اومیز ،٩٨
اووارزمی،٧٧
آهواز ،٩٧
ایران خورده کردشاپور،٥٦
ایران آسانکرت کواذ ،٥٦
ایران ویج
ایرانشهر ،٣٨،٤٦،٥٤،٥٩،٦٠،٦٦،١١٣،١١٤
اینچه برون، ٩٦
ایندوس ،٢٩
ایوروپا ،٩٥
ایونا،٩٤

ب

بابل ،٧٨،٦٨،٦٥،٧٥،٧٧
بابیرو،٧٧
باتسینا ،٩٧
بارانگا ،٩٦
بادارا،٩٨
بادموسارنا ،٩٨
باکچیا ،٩٤
باگرادا ،٩٧
بامیام ،٣٧
بانه،٩٧
بتینا ،٩٥

www.tabarestan.info تبرستان

برازک،٤٧
برگان ،٩٧
بروجرد ،٩٦
بروسا ،٩٤
بریتانیا ،٦٥
بریسوآنا،٩٧
بزیاتا،٩٤
بست ،
بصره ،٩٠،٩٧
بغداد، ٥٦
بلخ،٣٧،٥٤،٧٥،٧٦،٧٧،٧٨
بلوچان،٥٥
بلوچستان،٧٧،٩٨
بمبئی، ٥٧،٥٨،٦٤
بناور،٩٦
بندر بوشهر ،٤٦
بونیس ،٩٨
بهاگا ،٩٨
بیت گرمای،٦١
بیتهایا، ٩٧
بیثیا ،٩٥
بیستون،٥٥،٧٤،٧٦
بیشاپور ،٥٦
بین النهرین،١١٢،١١٣
،٣٠،٦٤،٦٥،٦٥،٦٨
پ
پارا ،٩٨
پاراچا ،٩٥
پارت،٧٥،٧٦،٧٧،٩٧،١٠٤،١١٢
پارتا ،٩٧
پارس ،٤٦،٧٧،٨١
پارسه،٨٦
پارسیس ،٩٨
پاریس،١٨،٢٥،٥٠،٧٥
پاساراکاچا ،٩٧
پاساگرتیا ،٩٨
پاسینی ،٩٧
پاکستان ،٢٧،٢٩،٩١
پذشخوارگر ،٥٥
پراسپَ، ٩٥
پَربره ،٩٨
پرثو،٧٧
پرس ،٨٦
پرسای،٨٦
پرس‌پولیس،٨٦،٩٧
پرسیکوس سینوس،٨٦
پلات پیر ،٥٦
پنجاب ،٣٠

www.tabarestan.info تبرستان

پوتایا ،۷۸
پوتیکارا ،۹۷
پورتوسپانا ،۹۷
پورتشه،۹٤
پوریوسپانا، ۹۷
پوشنگ ،٥٤
پهاذابا ،۹٥
پیشینگه،۳۸
پیشیانه،۳۹
پیشین،۳۹
ت
تائپا ، ۹۷
تائوکه ،
تاروا ،۹۷
تاریانیا ،۹۷
تازینا،۹٥
تتیس،۲٦
تهبرگا ،۹۷
تاسپیس ،۹۸
تاکستان ،۸۲،۸۳
تاگودا ،۹٤
تاوتیکا، ۹٦
تخت جمشید، ۷۰،۷۱،۷۲،۸۱
تراگونیکا ،۹۷
تراوایا،۹٦
ترسیانا ،۹۸
ترکستان،٥۹
ترکیه ،۷۸،۸۱،۸۷،۹۱،۱۱۲
تروآسکا،۹۸،۹٥
تریباکترا، ۹۹
تستاخا، ۹۸
تنگه جبل الطارق، ۸۸
تنگه هرمز،۱۰٥
توج،٥۹
توزک ،٥٦
توس،٥٤
توروس۹۱،٥٤
توگوا ،۹٤
تونزارما، ۹٥
تونس ،۷۸،۱۰۱
تویسرکان،٥٥
تهران،۲۹
تیبرکانا، ۹٥
تیزکلا، ۷۷
تیسا ،۹۸
تیسفون، ٥٤،٥٥
تیگرانا ،۹٥
ث

www.tabarestan.info تبرستان

ثاساسرا ،۹۵
ثبرگه کارینِ ،۹۵
ثتگوش،۷۵،۷۷

ج

جغتای،۳۹
جی ،۵٦
جوین،۳۹
جیحون ،۷۷

چ

چچیست، ۲٦
چُلواتا ،۹٤
چوآن (چوبینه) ،۹۵
چوانا ،۹۸
چودَا ،۹۸،
چورودنا ،۹۷
چولوبسینا،۹۹
چین ،۱۰۵،۱۵

ح

حبشه،۷۱،۷۸،۷۹،۱۰۳
حیره ،۵۵

خ

خاراکس۱۱۱
خاش رود ،۳۱
خاورمیانه،۱۰۱
خراسان، ۲۹،۹۸،۱۰۵،۱۱۳
خَراسَنَ، ۹۷
خرم آباد،۹٦
خسروشاد،۵٤
خسرو مشت آباد،۵٤
خسروپورکواد ،۵٤
خلیج فارس
،۸٦،۸۹،۹۰،۹۱،۱۰۰،۱۰۵،۱۱۱،۱۱۳
٤٦،٤۷،٦۸
خنnت،۲۸
خنیره ،٤۳
خوارزم ،۵٤،۷۷،۷۹
خواسترا،۳۲
خوس پاس،۳۲
خوزستان ،۳۷،۷۵،۷٦،۷۷،۹۷

د

دائنا، ۹۸
دارابگِرد،۵٦
دایتیا، ۲۸
دب اصغر،٤۷
دب اکبر ،٤۷
دجله ،۲٦،۲۹،٦۸،۹۰،۹۱،۱۰۵
درپسامتروپولیس،۹۹
دروازه خوار،۹٦

تبرستان
www.tabarestan.info

دریاچه ارومیه، ۳۷،۲۶
دریاچه جازموریان،۵۸
دریاچه زرنومنت ،۳۷
دریاچه فرزدان،۳۷،۵۸،۵۹،۶۰
دریاچه کیانسه،۳۱،۵۸،۵۹
دریاچه نمک قم ،۴۶
دریاچه هامون ،۲۶،۲۷،۳۲،۳۱
دریای احمر ،۷۹
دریای اژه ،۸۷،۸۸
دریای بالا،۶۸
دریای پایین،۶۸
دریای پارس،۸۱،۸۶،۱۰۵
دریای خزر،۹۱،۹۵،۱۰۲،۱۱۳
،۳۷،۳۹،۵۶،۸۹
دریای سیاه، ۸۸،۱۰۵
دریای عمان ،۴۰،۸۹
دریای فراخکرد،۳۷
دریای کیانسه،
دریای مدیترانه،۸۸،۱۰۳،۱۰۵،
۶۸،۷۹،۸۰
دژکادوسیان،۹۵
دشت کویر ،۴۶
دگلانا ،۹۴
دِگیا ،۹۷
دماوند،۲۶،۳۹،۴۶،۵۵،۹۶
دوردومانا ،۹۸
دیر،۶۸

ر

رازوندا ،۹۵
رام هرمز ،۵۶
راک،۹۷
رامیان،۹۶
ران،
رخج ،۷۵
رخوت،۵۶
رشت ،۹۵
رود لورا ، ۳۹
رودبار،۹۶
رودخانه ارس،۲۸
رودخانه دون،۹۱
رودخانه سند،۲۶،۲۸،۲۹،۹۱
رودخانه گرگان،۲۸
رودخانه وه دائیتی،۳۶
رود سرباز،۵۸
روذیت،۳۹
روگو مانیس (دیر) ،۹۷
روم ۵۹،۱۰۳۷۳،۱۰۶
،۷،۱۱،۱۳،۱۶،۱۷،۲۳،۲۹

تبرستان
www.tabarestan.info

رهاسپا،۹۵
رهریگا ،۹۸
رهوآره،۹۸
رهودا ،۹۸
رهوگن ،۹۸
رهه آ ۹۸
رهیزانا،۹۸
ری،۵۶،۹۶،۱۱۳
زابلستان ،۵۶
زارانیس ،۹۵،۹۶
زازاگا ،۹۵
زازان،۷۵
زالاسا ،۹۵
زاوزاکا ،۹۴
زرک،۷۷
زرند،۹۶
زرنک،۵۶،۷۵
زمبان،۶۸
زورزوا ،۹۴
زوزوا،۹۴
زیگیرا ،۹۷
س
سابراسا ،۹۶
سابیس، ۹۸
سارد،۷۵
ساری ،۹۵،۹۶
سازوآ ،۹۵
سافالوس ،۹۸
ساقی کلایه (دژ سنگی) ،۹۶
ساکالبینا ،۹۴
ساگا (سنگی) ،۹۶
ساگارتی ،۹۶
سالوک،۶۳
سامونیس ،۹۴
سامیا،۹۴
سانائیس (واقع در سینه) ،۹۶
ساندیس (سندس) ،۹۵
سانینا ،۹۴،۹۵
ساوجبلاغ ،۹۵
ساوه،۸۳
سبزوار،۳۹
سپاهانِ،۴۶
سپنتودات،۳۹
ستاره قطبی ،۴۶،۴۷،۹۰
سراسَ ،۹۵
سرامانا ،۹۶
سغند ،۷۰،۷۵،۷۹
سکاشینا ،۹۴

www.tabarestan.info تبرستان

سکائیه ،۷۵
سکاتیگرخئودا،۷۷
سکاهای هرمخور،۷۷
سکاهئوورگا،۷۷
سکستان ،۳۷
سکودر،۷۸
سلوکیه،۸۶
سِلا ،۹۷
سمران ،۵۶
سمرقند ،۵۳،۵۴
سمنان،۹۸،۲۹
سمینا، ۹۸،۹۴
سنا ،۹۸
سنائیس (سنگاوین) ،۹۵
سنگان،۹۶
سوارا ،۹۷
سوسیانکا، ۹۸
سوریه،۱۱۲
سوفیس ،۹۸
سوگود،۷۷
سوگوس،۹۵را
سومالی، ۱۰۳
سوه ،۴۳
سیاده،۸۲
سیادهن،۸۲
سیاه کوه ،۳۲
سیحون، ۷۷
سیروپلیس (کیور چال).موروندا ،۹۵
سیروس پولیس ،۹۹
سیرن،۱۰۱
سیساره ،۹۷
سیستان،۵۸،۵۹،۶۰،۷۷
،۵۶،۴۰،۳۷،۳۲،۲۸،۲۶
سیکتا ،۹۷
سیگبنا ،۹۵
سیگوه ،۹۴
سیگین ،۹۶
سیمپسیمدیا ،۹۸
سینا (سیمکان) ،۹۷
سینکار،۹۵

ش

شاپورخواست ،۹۶
شاداشا ،۹۴
شادفرخ ،۵۳
شادفرخ خسرو ،۵۴
شام،۵۵
شبستر ،۹۵
شبه قاره هند،۳۰
شوش،۴۹،۵۰،۵۶،۷۶،۷۷،۷۸،۷۹،

www.tabarestan.info تبرستان

شوشتر ،٥٦
شهر رغه،٩٦
شیراز،٧٢
ص
صوفیان،٩٦
ط
طبرستان ،٤٨
ع
عراق ،٦٣،٦٥،٩٠،٩٧
عرب،٧٥
عربستان،١٣،٣٠،٤١
ف
فاذابا،٩٥
فارامبارا ،٩٥
فارس ،٤٩،٦٢
فرات،١٠٥،
فرارود،٣١
فراسپَ ،
فراه ،٥٦
فرانسه،١٨،٢٥
فردوفش ،٤٣
فرهمند ،٣٧
فلات ایران،٨٣
فلسطین ،٧٢
فناسپا ،٩٥
فناسپه ،٩٥
فناکه ،٩٥،٩٦
فومن ،٩٦
فیروزکوه،٩٦
ق
قئونه ،٩٥
قاین،٥٤
قشم ،١٠٥
قم،٤٦،٩٦
قندهار،٧٥،٧٧،٧٨
قومس ،٥٤
ک
کائوفیاکا ،٩٧
کابان ،٩٧
کابرسا،٩٥
کارمانا ،٩٨
کارپیراکا،٩٨
کارین،٩٥
کارینا ، ٩٧
کاساراپیچ ،٩٨
کاسپیانه،٩٥
کاشان،٩٦
کاناتهه ،٩٦

تبرستان
www.tabarestan.info

کبدوکیه،۷۵
کرمجگان،۹۶
کسکه،۹۷
کلاواسا،۹۶
کوبینا ،۹۵
کوبوتا،۹۴
کوتامبا ،۹۷
کوتوبارا ،۹۸
کورا ،۹۷
کورنا، ۹۵
کوکاسترا (قهاوند) ، ۹۵
کوکلان،۹۶
کومانا، ۹۸
کونی ،۹۸
کنه اوداستار،۵۸
کوه اوپائیری سیته، ۳۱
کوه اوشیدم ،۳۱
کوه بدخشان،۳۱
کوه خدا،۳۱
کوه خواجه ،۳۱،۲۷
کوه زردوزه،۳۱
کوه وائین گسه ،۳۱
کوه های بادغیس،۳۱،۳۲
کوه هریتی(البرز)،۳۲
کوه های هندوکش، ۱۰۳،۳۷،۳۱
کیسیا ،۹۷
کابل ،۵۶
کابلستان ،۳۹
کاشغر ،۵۶
کانال سوئز ،۸۱،۸۰
کرت ،۳۹،۳۷
کرخ، ۶۳،۶۱،۶۰
کرخ بیت سلوق ۶۳،۶۰
کرخ بیت سلوک، ۶۳،۶۰
کردستان،۶۶
کرکا،۷۸
کرکوک،۶۶،۶۴،۶۳،۶۲،۶۱،۶۰،
کرمان،۷۸،۵۶،۲۹،۹۸
کرمانشاه،۷۴،۵۴،۴۶،
کنگاور،۵۴
کوفه،۵۵
کونه اوشداشتار، ۵۹
کوه تفتان ،۵۸،۲۷
کوه بابا ،۳۷
کوههای البرز،۹۹،۴۶،۳۷،۳۶،
۳۵،۳۱،۳۲،۲۹،۲۶
کوههای آلاداغ،۶۳
کوههای اورال، ۱۰۳،۹۱

www.tabarestan.info تبرستان

کیش، ۱۰۵
گ
گائترا ،۹٤
گائوفون ،۹٤
گابائه، ۹۷
گاباله،۹۵،۹٤
گابرا ،۹۷
گابریس ،۹۵
گابِنه ،۹۵
گابینا ،۹٦
گابهٔ اصفهان،
گدار،۷۷
گران ،۹۷
گِرِپا ،۹۵
گرگان،۵٤،۷٦،۱۰۰
گرمسار،۹٦
گنبد کاوس،۹٦
گنج شیچیکان ،۹٤
گنجه،۵٦
گور ،۵٦
گوریانه ،۹۸
گوریمنا ،۹۵
ل
لاراسا ،۹۵
لاهیجان ،۹٦
لبنان،۷۹
لرستان،۹٦
لوزه،۵
لودیه،۷۰
لیبی،۷۸،۹۱،۱۰۳
لیدی،۷۸
م
ماتوستانا ،۹٤
ماتونا ،۹۷
ماد،۷۵،۹۵
مارگیانه ،۹٤،۹۸
مارهاسیوم ،۹۷
ماسونیوم ،۹۸
ماسین ،۹۸
مامِچیا ،۹٤
مامیدا ،۹۷
مانداگارا ،۹٤،۹۵
مانداگارسیس ،۹٦
ماورالنهر،۳۰
متورنو،٦۸
مچیا،۷۷
محلات ،۹٦
مدینه ،۵۵

تبرستان
www.tabarestan.info

مراکش ،۱۰۳،۷۸
مرنیجان،۵۵
مرو،۷۶
مرودشت،۷۲
مرورود ،۵٤،۳۷
مَروسا ،۹۶
مروکا، ۹۹
مزیشونت ،۳۲
مس آباتائه ،۹۷
مِسوکا ،۹۶
مصر ۱۰۳،۸۸،۷۹،۷۶،۵۵،۱۶،۱۳
مقدونیه،۷۸
مکه ،۵۵،
مک،۷۵
ملطیه ۸۸،۷۸
ملکان ،۹۵
موروندا،۹٤،۹۵
موسرکان،۵۵
موسارنا ،۹۸
موصل،۵۵
موله،۹۸
منطقته البرروج،۳۸
میسیا ۹٤،،۹۸
میشیگان،۶،۱۲

ن

نازادا،۹٤
نپیستا ،۹۸
نصیبین،۵۵
نقش رستم،۷۱،۷۲،۷۳،۷٤
نوازک ،۵٤
نهاوند،۵۵
نهر نیرو،۵۶
نیسایه ،۹۸
نیسرگه ،۹۷
نیشابور ،۱۱۳،۵٤
نیفاواندا ،۹۵
نیگا ،۹٤

و

وان،۸۱
وانراوان ،۵۶
وایتی گئس ،۳۲
ورجان،۹۶
ورذان ،۹۷
ورن ،۲۹
ورها ،۳۷
وروبرش،٤۳
وساسپا ،۹۵
ولگا،۹۱

www.tabarestan.info تبرستان

ونکا ،۹۵
ووروجرش،۴۳
ویددفش ،۴۳
ویسمکان،۵۵
وین ،۸۲،۸۳
ه
هاردشیر ،۵۶
هاروت رود،۳۱
هرات ،۳۲،۷۵،۷۶،۷۷،۷۹
هراکلیا ،۹۵
هُرمز ،۵۶،۹۸
هرمزگان،۹۸
هرمند ،۳۷
هرووتی ،۷۷
هرهویتی ،۳۰
هریو ،۷۷
هف اختر ،۴۶،۴۷
هفت اقلیم ،۳۰،۳۱،۴۳
هفت رود ،۳۰
هفت کشور ،۳۱
هکاتوم پیلون ،۹۸
هگمتانه خسروشاد ،۵۴
هلمند ،۲۷،۵۹
همدان ،۳۷،۴۶،۵۵
هند مند،۲۷
هندوستان،۷۷،۷۹،۱۰۴،۱۱۲
،۱۵،۱۹،۲۳،۲۶،۳۵،۴۵،۵۸،۶۴،۷۰
هوسپاس رود،۳۱،۳۲
هیدریاکوس ،۹۸
هیدو ،۷۷
هیرکانیا ،۹۶
هیرمند ،۲۷،۳۱،۵۸
هیلمند ،۲۷،۳۷
ی
یئونا ،۷۸
یزد ،۲۹
یمن ،۵۵
یوبولا ،۹۴
یونائا ،۹۷
یونان،
۲،۷۵،۷۸،۷۹،۸۵،۸۷،۸۸،۹۰،۱۰۱،۱۰۳،۱۰۴
۳،۱۴،۱۳،۱۲،۱۱،۷۰،۸۵،۸۷

تبرستان www.tabarestan.info

فهرست اشخاص

الف

آتکنیل دوبران،۲۵،۳٤

آذرباد ،٤۱

آذرباد ایمیدان ،٤۱

آموردزنگی،٥٦

آناکسی ماندر،۸۸،۸۹،۹۰،۹۱، ۹۳

آناهید ،۳۰

آنتیوخوس ،٥۰

آنده آلن چوکسی،۲۵،۳٤

ابراهیم آیتی،۳۹

ابراهیم پورداود،۲۵،۲٦،۱۳٥

ابن سینا ، ۱٦

ابن مقفع ،٤۸،۱۱۱

ابن ندیم ،۲۱،۲۲،۱۳٥

ابوالحسن علی ابن یوسف بن ابراهیم قفطی ،۱٤

ابوالفرج گریگوریوس بن هارون ،۱٤

ابوجعفر احمدبن یحی بن جابر البلذری ،۸۰

ابولقاسم پاینده ،۱۷

ابودوانق،٥٦

احسان یارشاطر ،۸۲

احمدتفضلی،۱۳٥،۱۳٦،

۳۳،٤۰،٤۱،٤۲،٤۳،٥۷،٥۹،۷۰،۱۰۹،۱۱۰

احمد کسروی ،٤٥

ادگاربلوشه ،٥۷

اراتوستن ،۸۸،۹۱،۱۰۰،۱۰۲

اردشیر ،٤۸،٤۹،٥٦

اردشیربابکان، ۱۷۰

،۳۰،٤٤،٤٥،٤۹،٥٦،۱۰۸،۱۰۹

اردشیرپسربابک،٥٦

اردشیر پوراسفند،٥٦

اردشیر خدادایان ،٥٥،٥٦،٥۷،۱۳٦

،٥۱،٥۲،٥٤

اردشیران ،٥٦

اردوان شاه،٥٦

اردیسور ،٥۹

اناهیتا ،٥۹

ارسطو ،۱٥

ارنست رنان ،۱۸

اریستاکر ،۹۱

اژیدهاک ،۲۹

استرابون ،۸٦،۹۹،۱۰۰

اسفندیارپورگشتاسپ ،٥٤

www.tabarestan.info تبرستان

اسکندپورفیلیپ ،٥٤
اسکندر
،۱۳،۱٦،۱۸،۲۲،۳۰،٤۷،٤۹،٥٤،٦۰،۸٥،۹۳،
اشپینکل،۳٤
اشاخاکپور ،٥۸
اشیدر،٥۹
اشوهشت ،٤۱
افراسیاب تورانی ،٥٦
افلاطون ،۱٥
امتوس ،٥٥
انوشیروان ،۱٥،۱٦،۱۰۸،۱۱۰،۱۱۱
اوتاس،٥۸
اهورامزدا ،۲۸،۳۰،۳۳،٤۲،۷۰،۷۱
ایران گشنسب ،٥٦
ایرج ، ٥۹
ایزودور خارکسی ،۱۰۸،۱۱۱
اینانی شیراکسکی ،۱۱٤
ب
بارتولد ،۳٤
بستور ،٥٦
بطلمیوس،
،٦،۱۳،۳۲،۹۲،۹۳،۹٤،۹٥،۹٦،۹۷،۹۸،۱۱۳
بلاش ،٥٦
بولی نیوس ،۱۰٥
بهرام ،٥٤
بهرام اول ،۷۳
بهرام دوم ،۷۳،۷٤
بهرام سوم ،۷۳
بهرام پسر یزدگرد ،٥٦
بهرام فرهوش،٤٥،۱۳۷
بهرام گورنهمورث ،۳٤
بهمن انصاری،۳۱،۱۳٥
ت
تالس ،۸۷،۸۹،۹۰
ترجمانالممالک فرهنگ،۲۱
تشیتر،۳۸
تکاورپورشاه ،٥٦
تنسر ،٤۷،٤۸
توتای ،٦۱
تورج دریایی ،٤٦،٥۸،٦۰،۱۳٦
توس پورنوذر ،٥٤
ج
جاماسپ جی نموچهر جی چاماسپ ،٥۷
جاماسپآسانا،٥۸
جرج بی کوچ ،۱٦،۲۱،۲۲،۱۳٦
جرجی زیدان ،۱٤،۱۳٦
جکسن،۳۲
جلیل دوستخواه،۳،٤۰،۱۳٦

www.tabarestan.info تبرستان

۹،۳۷،۳۲،۳۰،۲۹،۲۸

جم ،۵۵،۵٤

جمشیدجداری عیوضی ،۱۳٦،۱۰۰

،۹۱،٦٦

جواد صفی نژاد ،۱۰۱

،۱۳۷،۱۰۰،۹۱،۸۹

جورج کیش ،۱۲،٦

جیمز دارمستر ،۵۷

جیونجی جمشیدی جی مدی،۵۷

ح

حاج خلیفه ،۱۳٦،۱۵

حسن انوشه ،۱۳۵،۳٦

حسین شکوهی ،۱۳۷،۱۲،٦

حسینعلی ممتحن ،۱۳۸،۱۰۱

،۱۹،۱۷،۱٤،۱۳

خ

خسرو انوشیروان ،۵٤

خشایار شاه ،۸۱

خویش زادسپرم،۳٤

د

داراپورذارا،۵٦

داریوش،٦۹،۷۰،۷٤،۷۵،۷٦،۷۷،۷۸،۸۰

دیمتریوس فامیروس ،۱٤

دینشاه انکساریا،۳٤

ذ

ذبیح الله صفا ،۱۳۷،۱۹،۱۵،۷،٦

ر

رارهامپورگودرز،۵٦

رستم ،۵٦،٤۵

رقیه بهزادی ،۳٤،۳۳

رپیکا ،۵۱

ز

زهره فنی ،۱۳۷،۲٤

زاخائو،٦۳

ژ

ژوستی نین،۱٦

ژول سزار،۱۷

س

سارگون ،٦۱

سعدبن ابی وقاص ،۱۹

سعید بختیاری ،۷

سعید عریان ، ۵۸

سلوکی ها ،۸٦

سوشیانس،٦۰

سید رحیم

مشیری،۱۱۳،۱۰۰،۱۰٤،۱۰٦،۱۳۷

سیاوش پورکاووس ،۵٤

سیامک،۳۲

تبرستان www.tabarestan.info

سید محمد ترابی ،۱۳۵،۸۶،۶۹،۳۵،۱۶
سین اهومستودان بوستینگ ،۶۰
ش
شاپور ،۷۳،۵۵،۵۴
شاپور اول ،۸۲،۷۳
شاپورپوراردشیر ،۵۶،۵۵،۵۴
شاپور ذوالاکتاف،۷۴
شبلی نعمانی ،۱۳۷،۱۹،۱۸،۱۷
شوشین دوخت ،۵۶
شهریار ،۴۵
ص
صادق هدایت ،۱۳۸،۵۷،۴۵
ض
ضحاک۵۶،۵۴
ع
عبدالطیف بغدادی ،۱۴
عبدالله ابن جعفر حمیری،۱۰
عزیزالله بیات ،۱۱۴
۱۳۵،۱۱۳،۶۵،۴۸،۴۶،
علی اصغر نظری ،۱۰۲،۱۰۱،۹۲،۸۸
علی اکبر زرین کوب ،۱۳۸،۱۸
علی جواهر کلام ،
علی مفرد،۱۳۷،۹۳
علیرضا شپورشهبازی،۷۱
عمر ،۱۴
عمروعاص ،۲۱،۲۰،۱۵،۱۴
عیسی شهابی ،۱۳۷،۱۳۶،۵۱
غ
غلامرضا مقامی مقیم ،۱۳۷،۱۳۸،۱۱۲
،۵۴،۵۴،۲۵،۲۴،۲۶،۲۹،۳۹،۴۰،۵۲،۵۳
،۲۱۰
ف
فخر داعی گیلانی ،۱۷
فردوسی ،۴۵
فرنبغ ،۳۲
فریدون ،۵۹،۵۵،۵۴،۲۹
فریدون پورتوین ،۵۶
فیلیپ حتّی ،۱۳۶،۱۷
فلیپ عرب،۷۳
ق
قاسم هاشمی نژاد ،۱۳۸،۶۴،۴۵
قیصر ،۵۵
ک
کاووس ،۵۴
کاووس پورکاد(کیکاوس پسر کیقباد) ، ۵۴
کتزیاس ،۱۰۳،۸۶
کواذپورپیروز ، ۵۶
کوروش ،۶۹،۶۸،۶۶

تبرستان
www.tabarestan.info

کویین توس کورتیوس ،۱۰۵
کیخسرو ، ٥٤
کیومرث،۳٦
گ
گرشاسب،۳۸،۳۹
گردیانوس،۹۳
گزنفون،۸٦
گشتاسب ،٥٤
گشتاسپ شاه ،٥٤
گشن جم ،۳٤
گوستاولوبون ،۱۷
گیومرتن،۳٦
ل
لهراسب ،٥٤
م
مارکورات ،٥۷
مارینوس ،۱۰٦
مانی،٥٦
مجتبی مینوی ، ۱٦،۱۷،٤۷،٤۸،٤۹،۱۳۸
محمد تقی راد ،۱۰۳
محمد حسن گنجی ،۷،۸،۱۳۷
محمدجواد مشکور ،٤٥
محمد کاظم توانگر زمین،۸۱
،٦۸،۷٥،۷۸،۸۰
محمد یوسف کیانی،٥۳
محمود جعفری دهقی ،۱۱۲،۱۳٦
،٤٥،٥۱،٥٦،۱۱۰
محمود رضا افتخارزاده،۸۳،۱۱۳،۱۳٥
،۲۷،۳٥،٤۱،۷۰،۸۰
مزدک ،٥٦
مشیحازا ،٦۱
مصاحب ،۱۸
مصطفی بن عبدالله ،۱٤
منوچهر امیری،۳۲
موسی خورنی ،۱۰۸،۱۱۳،۱۱٤
مولر،۳٤
مهرآبان کیخسرو،٥۸
مهرداد بهار ،۳۷،٤۰،۱۳٥
،۳۰،۳۳،۳٤،۳٥،۳٦
مهشید میرفخرایی،٤۰،۱۳۸
میترا ،۳۰
ن
ن.پیگولوسکایا ، ٦۸،۱۱۲،۱۳٥
،٤٥،٤۹،٥۰،٥۷،٦۲
نرسی یهودی تبار ،٥٤
نرسی پسر شاپور،۷۳
نری اشکانی ،٥٤،٥٥
نلدکه ،٤٥

www.tabarestan.info تبرستان

و

والرین،۷۳

ورازهپورگیو ، ۵۵

وسترگارد،۳٤

وست،۳٤

ویندشیمن،۳٤

ویشتاسپه ،۷۰

ویلیامز جکسن،۳۲

ه

هاشم رضی ،۲۸،۳۱،۱۳٦

هارت من،۳٤

هرتسفلد ،۵۸

هرودت ،۱۰۳

هکاتائوس ،۹۳

هنریک ساموئل نیبرگ ،۵۳

هیپارک ،۱۰۲

هینک،۳٤

ی

یوزف مارکوارت. ،۱۱٤

یوستی،۳٤

یزگردپسرشاپور،۵۵

تبرستان
www.tabarestan.info

منابع و مآخذ

۱. ابن ندیم، الفهرست، چاپ تجدد، تهران ۱۳۵۰.

۲. آرسکی.ف.ن.، نقدی بر استرابون، ترجمه محمد تقی راد،انتشارات پویش، تهران،۱۳۵٦.

۳. افتخارزاده، محمود رضا، تحریر اوستایی تاریخ ایران باستان، ایران آیین و فرهنگ، انتشارات رسالت قلم، چاپ اول زمستان ۱۳۷۷.

٤. انصاری،بهمن،یشت های کهن،www.Tarikh Book.ir

تبرستان www.tabarestan.info

۵. انصاری،بهمن،شهرستان های ایران،انتشارات کتابخانه تاریخ فا، تهران۱۳۹۱.

٦. انوشه، حسن، تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، جلد سوم احسان یارشاطر، ترجمه ، انتشارات امیرکبیر، چاپ دوم، ۱۳۷۳.

۷. برنال، جان، علم در تاریخ، جلد ۱، ترجمه اسدپور، پیرانفر، انتشارات امیرکبیر، تهران، ۱۳۵٤.

۸. بهار، مهرداد، بند هشن (ادبیات اوستایی به زبان پهلوی)ترجمه، انتشارات توس، تهران، ۱۳٦۹.

۹. بهار، مهرداد، پژوهشی در اساطیر ایران،پاره نخست،انتشارات توس،تهران ۱۳٦۲.

۱۰. بیات، عزیزالله، کلیات تاریخ ایران از آغاز تا مشروطیت، مؤسسه میراث ملل، تهران، ۱۳۷۰.

۱۱. بیات، عزیزالله، کلیات جغرافیای طبیعی و تمدنی ایران، انتشارات: امیرکبیر ، ۱۳۸۳

۱۲. پیگولوسکا، تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم، ترجمه کریم کشاورز، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳٤٦ .

۱۳. پیگولوسکایا، شهرهای ایران در روزگاران پارتیان و ساسانیان، ترجمه عنایت‌الله رضا، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۷.

۱۴. پورداود، ابراهیم، (۱۳۸۰).یسناها بخشی از کتاب اوستا، ، چاپ اول،تهران، انتشارات اساطیر

۱۵. پورداود، ابراهیم، (۱۳۷۷).یشت ها، جلد دوم ، چاپ اول ،تهران، انتشارات اساطیر

۱٦. ترابی، سید محمد، نگاهی به تاریخ ادبیات ایران بیش از اسلام، انتشارات عطار چاپ دوم تهران، ۱۳۷۱.

۱۷. تفضلی، احمد، مینوی خرد، بند ٤۳، بنیاد فرهنگ ایران،۱۳٥٤.

۱۸. تفضلی، احمد، تاریخ ادبیا ت ایران پیش از اسلام، انتشارات سخن تهران چاپ چهارم ، ۱۳۸۳.

۱۹. جداری عیوضی، جمشید، اصول کاتوگرافی ، انتشارات دانشگاه پیام نور،۱۳۷۱.

۲۰. جرجی زیدان، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه مرحوم جواهر کلام جلد ۱ تا ٥ ، ۱۳۳٦ .

۲۱. جعفری دهقی، محمود، بازشناسی منابع و ماخذ تاریخ ایران باستان از ورود آریاییها تا سقوط امپراتوری ساسانی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۲.

۲۲. جورج بی کوچ، ابن‌سینا نابغه‌ای از شرق، ترجمه دکتر ذبیح‌الله منصوری، انتشارات نگارستان کتاب، ۱۳۸۷.

۲۳. حاج خلیفه، مصطفی بن عبداله، کشف الظنون فی اسمی الکتب و الفنون، جلد۱، چاپ استانبول، ۱۹٤۳ .

۲٤. حتی، فیلیپ، تاریخ عرب، تالیف ترجمه ابولقاسم پاینده جلد ۲، چاپ تبریز، ۱۳٤٤ .

۲٥. خدادایان، اردشیر، کهن ترین متن جغرافیای تاریخی ایران باستان، ،مجله رشد آموزش تاریخ شماره ٥ ، وزارت آموزش و پرورش ۱۳۸۰.

۲٦. دریایی، تورج، شاهنشایی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چاپ چهارم، اسفند، نشر قومس، تهران، ۱۳۸۷

۲۷. دریایی، تورج، شگفتی و برجستگی سیستان: متنی به زبان پهلوی، مجله ایران شناسی،سال هشتم، پائیز۱۳۷٥.

۲۸. دوستخواه،جلیل، اوستا کهن ترین سرودها و متنهای ایرانی،انتشارات مروارید‌چاپ هفتم، جلد اول، تهران ۱۳۸۲.

۲۹. رضی، هاشم، اوستا(گاثه ها، یسنا، ویسپرد، خرده اوستا) ، چاپ دوم.سازمان انتشارات فروهر،تهران،۱۳۷٤ .

۳۰. رضی، هاشم، وندیداد، (ترجمه، مقدمه، واژه نامه،یاداشت‌ها) ، انتشارات فکر روز، تهران، ۱۳۷٦.

تبرستان www.tabarestan.info

۳۱. ریپکا، یان، تاریخ ادبیات ایران، ترجمه عیسی شهابی، انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران،۱۳۵٤.

۳۲. زرین کوب، علی اصغر،تاریخ تمدن ایران از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه، موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۱.

۳۳. شبلی، نعمانی، کتابخانه اسکندریه، ترجمه فخر داعی گیلانی، ۱۳۱۵ .

۳٤. شکوهی، حسین، فلسفه جغرافیا، انتشارات گیتا شناسی ،تهران،۱۳۷۷ .

۳۵. شهابی،عیسی،تاریخ ادبیات ایران، نوشته ریپکا،یان،انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب، تهران ۱۳۵٤.

۳٦. صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات در ایران جلد چهارم،انتشارات فردوس،چاپ دوازدهم، تهران، ۱۳۷۵

۳۷. صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، انتشارات فردوس، جلد اول ، تهران، ۱۳۷۱

۳۸. صفا، ذبیح الله، تاریخ ادبیات ایران، جلد سوم، انتشارات فردوس تهران، ۱۳۷۰

۳۹. صفی نژاد، جواد، مبانی جغرافیای انسانی، انتشارات دانشگاه تهران،۱۳۷۱.

٤۰. فرهوشی، بهرام، ترجمه کارنامهٔ اردشیر بابکان، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۵٤.

٤۱. فنی، زهره، مقدمه‌ای بر تاریخ علم جغرافیا، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۵

٤۲. گنجی، محمد حسن ، جغرافیا در ایران از دارالفنون تا انقلاب اسلامی، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی،۱۳۸۰

٤۳. مشیری، سید رحیم، منابع و ماخذ جغرافیا ی ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران،۱۳۷۳

٤٤.مفرد، علی ، شهرهای ایران باستان در نقشه های بطلمیوسی، سایت ، نشریات و مقالات آفتاب خرداد ۱۳۹٤.

٤۵. مقامی مقیم، غلامرضا، بررسی محیط زیست منطقه حفاظت شده سالوک اسفراین،پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی تهران۱۳۷۹.

٤٦. مقامی مقیم، غلامرضا، مشاهیر جغرافیای ایران از هزاره اول قبل از میلاد تا سال ۱۳۹۰

www.tabarestan.info تبرستان

هجری شمسی،انتشارات سخن گستر، مشهد،۱۳۹۱.

٤٧. مقامی مقیم،غلامرضا، پژوهشی پیرامون جغرافیا و جغرافیدانان ایران باستان،فصلنامه آموزه های جغرافیایی،وزارت آموزش و پرورش، دبیرخانه کشوری درس جغرافیا، شماره دوم ،۱۳۹۰.

٤٨. مقامی مقیم، غلامرضا، استان شناسی خراسان شمالی، انتشارات آموزش و پرورش،تهران،۱۳۹۲

٤٩. مقامی مقیم،غلامرضا،،جغرافیای استان خراسان شمالی،شرکت چاپ و نشر کتاب های درسی ایران، تهران، چاپ اول،۱۳۸٤.

٥٠. مقامی مقیم، غلامرضا،مجموعه مقالات کنگره جهانی جریان های تکفیری و افراطی از دیدگاه علمای اسلام، قم ۱۳۹۳.

٥١. ممتحن، حسینعلی، پژوهش در تاریخ فرهنگ اسلام و ایران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه شهید ، بهشتی، تهران،۱۳۷٤

٥٢. میرفخرایی، مهشید، ۱۳۹۲،بررسی دینکرد ششم، تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول،

٥٣. مینوی، مجتبی، نامه تنسر، تهران، ۱۳۱۱

٥٤. مینوی، مجتبی، نامه تنسر به گشنسب، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم،۱۳٥٤.

٥٥. نجیب بکران، محمد،جهان نامه، به کوشش دکتر محمد امین ریاحی، تهران، انتشارات ابن سینا،۱۳٤۲.

٥٦. نظری، علی اصغر، تاریخ علم جغرافیا، انتشارات پیام نور،ص ۸، تهران ۱۳۸۳.

٥٧. هاشمی نژاد، قاسم، ترجمه کارنامه ی اردشیر بابکان از متن پهلوی، چاپ سوم،نشرمرکز، تهران،۱۳۸٥ .

٥٨. هدایت، صادق، کارنامهٔ اردشیر بابکان، چاپ سوم، امیرکبیر، ۱۳٤۲.

www.tabarestan.info تبرستان

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info